

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی و آموزشی



ربیع الثانی ۱۴۴۳ ق- آبان و آذر ۱۴۰۰ ش

- مبانی دینی مطالبه‌گری مطلوب
- مبارزات فرهنگی امام حسن عسکری علیه السلام
- توصیه‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام به دولت مردان
- بررسی فقهی فیلترینگ
- تبلیغات تهاجمی و فراگیر در جهاد تبیین
- گام‌های جهادی دولت سیزدهم در راه حفظ سلامت مردم



معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبلغان

۲۷۰

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی و آموزشی

ربیع الثانی ۱۴۴۳ قمری

آبان و آذرماه ۱۴۰۰ شمسی

■ صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

■ مدیر مسئول: محمدحسن نبوی
■ سر دبیر: علی ملکوتی‌نیا

■ هیئت تحریریه: محمدحسن نبوی، حسین ملاسوری، محمود مقدمی، محمد غلامرضایی، محمد مهدی ماندگاری، عبدالکریم پاک‌نیا، سیدجواد حسینی، محمدعلی قربانی، علی ملکوتی‌نیا، محمود مهدی‌پور، محمداسماعیل نوری، ابوالفضل هادی‌منش، حجت‌الله بیات، محسن زارع‌پور، کریم خانمحمدی، حامد عبداللّهی، محمد باقر نادم، ذبیح‌الله نعمان، محمد کهوند، حسن غفاری‌فر، یارعلی‌گردفیروزجایی و سید محمد رضا موسوی نسب کرمانی.

■ امور اجرایی: جواد فراپاچی
■ امور مشترکین: میثم ابراهیمی‌منش
■ صفحه آرایی: علی اسماعیلی
■ چاپخانه: گل وردی
■ تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
■ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

یادآوری:

- ✓ مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسندگان به شرط پر خورنداری از موازین تبلیغی-پژوهشی، منتشر می‌شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.
- ✓ با ارسال نظرات خود به سامانه پیامکی ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.

نشانی: قم، خیابان شهید صدوقی،
خیابان فجر، خیابان دانش، مجتمع
آموزشی پژوهشی تبلیغ، فاز ۷،
دفتر ماهنامه مبلغان.

ارتباط با سردبیر: ۰۲۵-۳۲۹۴۰۵۹۷
امور مشترکین: ۰۲۵-۳۲۹۲۳۲۱۵(۶۵۶)
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸
نمبر: ۰۲۵ - ۳۷۲۵۵۸۵۶
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۲۳۵۱۰۰۰۰۷۲



فهرست مطالب

۳	رهنمود ولایت
	به جای سرمقاله
۴	* توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام به دولت‌مردان مرتضی غریب‌ان
	تاریخ و سیره
۱۹	* مبارزات فرهنگی - تبلیغی امام حسن عسکری علیه السلام ابوالفضل هادی منش
	سوژه سخن
۳۰	* مبانی دینی مطالبه‌گری مطلوب جواد توحیدی منش
	اخلاق
۳۹	* حفظ صحت و عافیت «بخش پنجم» محمد اسماعیل نوری زنجانی
	خانواده
۴۵	* بی‌میلی خانواده‌ها به فرزندآوری به دلیل هزینه‌مندی آن «بخش دوم» علی ملکوتی‌نیا
	سیاست و اجتماع
۵۸	* گام‌های جهادی دولت سیزدهم در راه حفظ سلامت مردم دفتر امور اجتماعی و سیاسی حوزه
	فضای مجازی
۶۲	* بررسی فقهی فیلترینگ هادی عجمی
	فرق و ادیان
۷۱	* عرفان‌های نوظهور؛ ابزار دست بیگانگان سعید صدری
	مصاحبه
۹۴	* استفاده از تاریخ در تبلیغ دینی سید محمد مهدی زادصالح - محمد عبدی
	مقالات و مناسبت‌ها
۱۰۷	* ربیع الثانی علی اسماعیلی
	اطلاعات و اخبار
۱۰۹	* تحلیلی بر مسائل سیاسی روز / مهرماه ۱۴۰۰ مرتضی غریب‌ان
	گوناگون
۱۲۵	* گزارش اجمالی از جلسه کرسی نقد کتاب «روش سخنرانی دینی» جواد قراباغی
۱۳۱	* پرسشنامه



رهنمود ولایت

بسیج مستضعفین در جمهوری اسلامی، آن روزی که به وجود آمد، هیچ مشابهی در دنیا نداشت؛ یک حرکت کاملاً و صددرصد متکی به اندیشه انقلاب و اندیشه اسلامی بود... [امروز] بسیج مستضعفین، بزرگ‌ترین شبکه فرهنگی و اجتماعی و نظامی در همه دنیا است؛ بنده در هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم، یک شبکه عظیم مردمی با این وسعت، با این تعداد جمعیت سراغ ندارم... منطق اصلی بسیج این است: رفع تهدیدها و تبدیل تهدیدها به فرصت. تهدیدهای زیادی داریم، هر کدام از این تهدیدها بایستی با ابتکار بسیجی تبدیل بشود به یک فرصت؛ هر چه تهدیدها بیشتر، فرصت‌ها بیشتر؛ بنابراین تهدید برای ما دیگر تهدید نیست، [بلکه] تهدید به برکت بسیج، برای ما ایجاد فرصت می‌کند.

(بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار بسیجیان، مورخ: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶)



توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی

به دولتمردان

مرتضی غرسبان*

مقدمه

مردم.^۲ علاوه بر آن، رفتار دولتمردان در میان مردم، فرهنگ‌سازی می‌کند: «یکی از خصوصیات رفتار مسئولان این است که در جامعه فرهنگ‌سازی می‌کند؛ یعنی ما چه جوری مشی کنیم، چه جوری حرف بزنیم، چه جوری زندگی کنیم، با چه کسی معاشرت کنیم، با چه کسی قطع [رابطه] کنیم؟ این در جامعه فرهنگ‌سازی می‌کند. رفتارهای ما، منش‌های ما سازنده فرهنگ عمومی مردم است.»^۳ و همچنین به دلیل مسئولیت بالای مسئولان دولتی

عملکرد دولتمردان به دلایل مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا عملکرد ایشان، بهترین تبلیغ برای آن‌هاست: «بهترین تبلیغ برای دولتی که در رأس کار است، عمل او است. یعنی اگر چنانچه هزاران کلمه در تبلیغ حرف بزنید، اما یک کار خوب ارائه بدهید، این یک کار خوب بیش از آن هزاران کلمه حرف تأثیر می‌گذارد در

*. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی

دکتری انقلاب اسلامی (دانشگاه شهید بهشتی).

نشانی ایمیل: Mgh1534@gmail.com.

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

در قبال عملکرد خود، این موضوع، حائز اهمیت ویژه است: «همه ما نسبت به آن چه که انجام می دهیم، مسؤولیم؛ منتها مسؤولیت ها غالباً با پایان دوره مسؤولیت، تمام نمی شود؛ چون کارهای ما تأثیراتی در کارهای افراد بعد از ما می گذارد.»^۱

در این مقاله به مناسبت روی کار آمدن دولت سیزدهم، توصیه های رهبر معظم انقلاب علیه السلام به هیئت دولت های مختلف را، در چند عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دسته بندی نموده و تقدیم می کنیم. امید است این رهنمودها چراغ راه دولتمردان برای رشد و اعتلای کشور عزیزمان باشد.

عرصه عبادی و فردی

یکی از توصیه های رهبر معظم انقلاب علیه السلام به دولت مردان، توجه به سبک زندگی فردی در ارتباط با خداوند بوده که از آن به توصیه در عرصه عبادی یاد می شود. برخی از مهم ترین این موارد عبارتند از:

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴

ارتباط با خدا: اگر این توفیق و جور آمدن کار و فرصت لازم کار را می خواهید، باید با خدا رابطه مستقیم برقرار کنید؛^۲ اگر شما مسؤولان و سر رشته داران امور، خودتان را با خدا مرتبط کردید، رابطه شما با مردمی که به خدا معتقدند و بنده او هستند، خوب خواهد شد.^۳

توکل به خدا: نیروی شما از یک طرف نیروی توکل و اعتماد به خداست. اگر ما خدا را در نظر داشته باشیم و حقیقتاً به عنوان انجام وظیفه کار کنیم، یقیناً لطف و تفضل و حمایت و کمک های غیرمحتسب خدای متعال به ما خواهد رسید.^۴

رضای الهی و اخلاص: کار را با اخلاص و برای خدا انجام دهید؛ چون کار شما برای اداره يك کشور اسلامی است و این آن چیزی است که خداوند متعال بزرگترین عبادت ها را در این حد نمی شناسد.^۵

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۶/۰۶/۰۲

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۴/۰۶/۰۸

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۸/۰۶/۰۲

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۷/۰۶/۰۲

عرصه سیاسی

عرصه دیگر توصیه‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام، عرصه سیاسی است. و دلیل اهمیت سیاست در اینجا، انبعاث برنامه‌های کشور از سیاست‌ها است: «برنامه‌ها از دل سیاست‌ها می‌جوشد. برنامه‌ها باید از دل سیاست‌ها بجوشد، بایستی به معنای حقیقی کلمه منبعث از سیاست‌ها و ساخته و پرداخته این سیاست‌ها باشد که اگر برنامه در جایی موفق شد، آدم بدانند این سیاست درست بوده، اگر برنامه خطا کرد، آدم بدانند سیاست غلط بوده؛ یعنی باید این تلازم معلوم شود. اگر یک جا در برنامه‌ها طوری شد که سیاست‌ها رعایت نگردید، آن وقت علت غلط بودن برنامه مشخص می‌شود.»^۱ و به خاطر این اهمیت، دشمن در این عرصه حضور جدی دارد و: «حضور دشمن در پشت پرده فرهنگ و سیاست را جدی بگیرید.»^۲ برخی از

توصیه‌های معظم له در عرصه سیاسی عبارتند از:

سیاست دیندارانه: این که ما می‌گوییم سیاست ما عین دین است و دین ما عین سیاست است، معنای واضحی دارد؛ اما یک روی دیگرش این است که سیاست ما باید دیندارانه و پرهیزگارانه باشد. هر کار سیاسی‌ای خوب نیست.^۳

پرهیز از مجادلات سیاسی: سعی کنیم فضای کشور را منطقی، معقول و دور از مجادلات و کشمکش‌های سیاسی قرار دهیم.^۴ نگذارید در فضای کشور، در فضای بین دولت و مردم، درگیری‌ها و دلهره‌هایی به وجود بیاید که شماها را از کار باز بدارد.^۵

مراقبت و جلوگیری از نفوذ دشمن: هوشیاری در مقابل تلاش دشمن برای نفوذ پیچیده و تدریجی، ضرورتی عینی است. اگر غفلت شود ناگهان می‌بینیم که

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۰/۰۶/۰۵

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۸/۰۶/۰۲

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۱/۰۶/۰۴

دشمن در جاهایی رخنه کرده و مشغول کارهای خطرناک فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.^۱

تحقق مردم سالاری: سیاست نظام اسلامی این بوده که به مردم تکیه کند. حقیقتاً نظام مردم سالار به معنای حقیقی کلمه نظام جمهوری اسلامی است.^۲ مایه و سرمایه اصلی ما مردم اند؛ اعتماد مردم و امید مردم، کمک کار همه دولت ها است.^۳

اعتماد به نفس: اعتماد به نفس مدیران و مسئولان، يك ارزش اساسی انقلاب ماست؛ که اگر این نباشد، به نظر من پایه های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. در تمام مسوولانی که در بخشهای مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی، ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود.^۴

اقتدار ملی: اقتدار ملی یعنی این که دولتی مقتدر و دلسوز و علاقه مند در رأس کارها باشد و مصالح مردم را درست تشخیص دهد و راه ها را با قدرت و قوت پیماید و از تهدیدهای خارجی و خصومت های گوناگون و احیاناً بعضی از کارشکنی های داخلی واهمه نکند.^۵

وحدت، انسجام و هماهنگی: یک نکته، انسجام و هماهنگی دولت است و پرهیز از این که بخشی از دولت، بخش دیگر را تضعیف کند.^۶ برادران و خواهران سعی کنند انسجام دولت و نظام در سطح عالی حفظ شود.^۷

صراحت در مواضع انقلابی: باید در اتخاذ مواضع انقلابی صراحت داشت.^۸

شجاعت و روحیه جهادی: روحیه تحرک، روحیه پیشرفت، روحیه مبارزه با شرایط را در خودتان تقویت کنید؛ شجاعت ورود در میدان را به خودتان [بدهید].^۹

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۴/۰۶/۰۸

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۸/۰۶/۰۲

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۸/۰۶/۰۲

۸. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۹. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۷/۰۴/۲۴

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۵/۰۶/۰۸

مسئولیت پذیری: صداقت و

مسئولیت پذیری باید در مدیران وجود داشته باشد. هنریک مدیر این است که مسئولیت پذیری داشته باشد.^۱ مدیران دولتی باید در مقابل مشکلات با تحرک و احساس مسئولیت مضاعف، عمل کنند.^۲

حرکت به سمت اهداف: مردم، مردم هوشیاری هستند و آن چه از دولتها انتظار دارند، حرکت معقول و منطقی به سمت اهدافی است که اعلام شده است.^۳

خدمت رسانی: همه ما - همه مسئولینی که هستیم - دائماً به یاد داشته باشیم که هدف اصلی، پست و مقام و امکانات و اقتدار و عنوان و این ها نیست؛ هدف اصلی، خدمت است؛ خدمت به اسلام، خدمت به مردم و خدمت به کشور.^۴

کار و تلاش: بایستی تصویر دولت در چشم مردم تصویر یک گروه توانا و کارآمدی باشد که دارند تلاش می کنند.

حالا البته انسان تلاش که می کند همیشه موفق نمی شود، نفس این که دارند تلاش میکنند و کار می کنند برای مردم جذاب است.^۵ شما ملاحظه کردید ما در بازی فوتبال امسال در مقابل اسپانیا گل خوردیم اما همه، تیم ما را تأیید کردند... گفتم: «کارتان عالی بود». مردم هم آمدند در خیابانها در حالی که گل خورده بودیم. چرا؟ چون خوب بازی کردند، چون همه دیدند که این ها در میدان تلاش کردند، عرق ریختند، ابتکار به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند. دروازه بان با هوشمندی و فداکاری و سرعت عمل یک کاری کرد که کارستان بود. مردم وقتی این را از شما ببینند برایتان شعار می دهند، به نفعتان شعار می دهند، این باید احساس بشود.^۶ امروز چیزی که در کشور ما از هر طرف نگاه می کنیم، مورد نیاز است، مضاعف کردن و بهینه کردن تلاشهاست.^۷

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۱/۰۶/۰۴

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۷/۰۴/۲۴

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۶/۰۶/۰۲

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۱/۰۵/۳۱

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۷/۰۴/۲۴

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۷/۰۴/۲۴

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۱/۰۶/۰۲



مردمی بودن و از مردم شنیدن در میان مردم بودن تکرار شده است. یک توصیه این است که این را از دست ندهید، این چیز بسیار مهمی است. این را در واقعیت محقق کنند، به معنای واقعی کلمه با مردم در کنار مردم و در میان مردم باشند.^۶

همدردی با مردم: با مردم هم‌دردی کنید که مردم احساس کنند که همان رنجی را که او می‌برد شما هم می‌برید.^۷

صداقت با مردم: لحن صادقانه و لحن حاکی از واقع‌نگری و واقع‌گرایی، مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۸ حقیقتاً وقتی ما با مردم مواجه می‌شویم، می‌توانیم اعتماد مردم را با صدق لهجه و بیان واقعیت‌ها کاملاً جلب کنیم.^۹

عمل به قانون: اگر قانون نقص و ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً

مبارزه با فساد: مبارزه با فساد، در درجهٔ اوّل کار خود دولت است. حتماً مسأله مبارزه با فساد را جدّی بگیرید و دنبال کنید.^۱ صحنه را تا آن جایی که می‌توانید از فساد پاک کنید.^۲ مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. مرکزی که باید مبارزه با مفساد اقتصادی را دنبال کند، دولت است و قوه قضاییه در مرحلهٔ آخر قرار می‌گیرد.^۳ وجود فساد تعجب‌آور نیست، مبارزه نکردن با فساد تعجب‌آور است.^۴

مردمی بودن: روحیهٔ مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن؛ این‌ها خیلی مهم است. این کارها روحیهٔ مردمی بودن و شناخت مردم را در انسان حفظ می‌کند و نگه می‌دارد.^۵ در شعارهای رئیس‌جمهور محترم، مسئله

۶. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰/۰۵/۱۲
۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳
۸. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳
۹. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۱/۰۶/۰۴
۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴
۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۲/۰۶/۰۵
۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۴/۰۶/۰۸
۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود.^۱

قانون گرایی: قانون گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است.^۲

توجه به جوانان: در زمینه مسائل کشور و بخصوص در زمینه مسائل اقتصادی، توجه به اشتغال جوانان و جهت گیری فکری و روحی و فرهنگی آنان، خیلی مهم است.^۳

عمل به وعده‌ها: توقعات با دادن وعده‌ها بالا می‌رود. کاری کنیم که آن چه را که گفته ایم انجام می‌دهیم، انجام بدهیم و مردم ببینند که انجام گرفته است.^۴

همکاری با سایر قوا: مسئله همکاری قوا را حل کنید. چرا من اینقدر بر تشکیل جلسه رؤسای قوا اصرار می‌کنم؟ وقتی که

جلسه رؤسای قوا تشکیل بشود، خیلی از این مشکلات حل می‌شود.^۵

انتقادپذیری: برای شنیدن نقد، سینه گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشید.^۶

ارزیابی عملکرد خود: این هفته دولت، فرصت مغتنمی است؛ هم برای نخبگانی که بیرون از دولت‌اند، هم برای اشخاصی که داخل دولت‌اند؛ برای این که ارزیابی کنند.^۷

عرصه سیاست خارجی

بخش دیگر توصیه‌های مقام معظم رهبری در خصوص عملکرد دولت در عرصه سیاست خارجی کشور بوده است. موضوعی که در چند سال اخیر با مسأله برجام، سیاست‌های عمده کشور را به خود معطوف نموده است.

دیپلماسی فعال: در همه جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان بخصوص در مسائل شبیه

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۷/۰۶/۰۲

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۲/۰۶/۰۶

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۷/۰۶/۰۲

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۸/۰۶/۱۶

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

عملیاتی بکنیم، سیاست خارجی ما همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایسته تراز نظام جمهوری اسلامی است.^۴

عدم اعتماد به وعده دشمن: تنها

چیزی که در دیپلماسی می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد، کار ثابت و امضا شده است نه رفتارهای ظاهری؛ باید از بدحسابی آمریکایی‌ها در برجام، تجربه آموخت و نباید مقابل وعده آن‌ها اقدام نقد انجام داد.^۵

توزیع متوازن توان دیپلماسی در دنیا:

همواره معتقد به کار دیپلماسی بوده‌ام اما باید توان دیپلماسی را به صورت متوازن در دنیا توزیع کرد. آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین باید سهم مناسب خود را در سیاست خارجی کشور داشته باشند.^۶

ایستادگی در مقابل ابرقدرت‌ها: خود این

هم که شما در مقابل قدرت فائقه ظاهری استکبار می‌ایستید، ارزش ایجاد می‌کند؛

مسائل منطقه، خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان بشود.^۱

دیپلماسی جهت‌دار: مسئله دیپلماسی

مهم است؛ دیپلماسی باید جهت‌دار باشد؛ باید بدانیم چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم.^۲

تقویت جنبه اقتصادی دیپلماسی: جنبه

اقتصادی در دیپلماسی باید تقویت شود و همچنان که در بسیاری از کشورها شخص رئیس‌جمهور دیپلماسی اقتصادی را دنبال می‌کند، باید دیپلماسی اقتصادی کشور با این نگاه تقویت شود.^۳

حفظ عزت، حکمت، مصلحت: این سه

شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید بفهمیم؛ اگر توانستیم این‌ها را

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۷/۰۶/۰۲

۳. بیانات در نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم،

۱۴۰۰/۰۶/۰۶

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۲/۰۶/۰۶

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

خود این محبوبیت ایجاد می‌کند؛ خود این در دل ملت‌ها امید به وجود می‌آورد و پرورش می‌دهد.^۱

مقابله با نظام سلطه: مبارزه با سلطه یکی از وظایف دولت اسلامی است. همه سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است.^۲

عرصه اقتصادی

در عرصه اقتصادی در بسیاری از بیانات مقام معظم رهبری، بحث اولویت بخشی به اقتصاد مطرح می‌گردد. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «اقتصاد اصلی‌ترین اولویت کشور است».^۳ همچنین معظم له دلیل این تأکید را تأثیر اقتصاد بر سایر عرصه‌ها می‌دانند: «وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساخت‌های اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا می‌شود و وقتی که حرکت

سازندگی در کشور - به معنای واقعی کلمه - به وجود می‌آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار می‌شود».^۴ در این عرصه نیز معظم له توصیه‌هایی مطرح می‌نمایند:

تهیه نقشه راه اقتصادی: اگر نقشه راه اقتصاد تهیه شود، مردم و فعالان اقتصادی تکلیف خود را خواهند دانست و با احساس ثبات به کمک دولت خواهند شتافت.^۵

تمرکز در سیاست‌های اقتصادی: تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادیِ قوه مجریه لازم است. هر کاری که یک وزارتخانه‌ای انجام می‌دهد، همه وزرا و مسئولینی که دور میز هیئت دولت می‌نشینند، باید احساس کنند که در این تصمیم‌گیری یا در این اقدام، سهم و شریکند.^۶

برنامه محوری: «در مسئله مهم اقتصاد کشور که امروز مسئله اساسی است باید با برنامه پیش رفت. باید هر

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۵/۰۶/۰۸

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۷/۰۴/۲۴

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۱/۰۶/۰۲

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۴/۰۶/۰۸

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴



اگر ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است.^۵ تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون طلبی انسان‌های مفت‌خوار و سواستفاده‌کن امکان‌پذیر نیست.^۶ حکومت معنایش چیست؟ حکومت معنایش این است که انسان حقی را احقاق کند؛ عدل را برپا بدارد.^۷ امروز کشور ما بیش از هر چیز دیگر، تشنه عدالت اقتصادی است.^۸ تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیادتر شود.^۹ هر مصوبه، لایحه و تصمیم دولت باید «پیوست عدالت» داشته باشد و کاملاً مراقبت شود که این دستور یا تصمیم و مصوبه، به

اقدامی که شما می‌کنید جزئی از برنامه‌ای باشد که قبلاً تنظیم کردید و آماده کردید. کارهای روزمره و اقدامات پیش‌بینی نشده نمیتواند مشکل را حل کند.^۱

اولویت‌بندی در کارها: یکی از ضعف‌ها این است که ما در کارها اولویت‌ها را نبینیم.^۲ ببینید اولویت‌ها چیست؟؛ آن وقت اولویت‌ها خط ما را معین خواهد کرد که چه کار کنیم. اولویت‌ها، مسأله اشتغال، مسأله ارزش پولی ملی، مسأله متوقف کردن تورم و یا کاهش آن در حد ممکن، مسأله رکود اقتصادی و فعال کردن کشور است.^۳

ثبات اقتصادی: کاهش تورم و ثبات نسبی در زمینه اقتصادی و مهار نوسانات، یکی از اقدامات خوب دولت است که باید ادامه یابد.^۴

تحقق عدالت: عدالت یقیناً محور انقلاب بود؛ در این شکی نیست. نباید

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۴/۰۶/۰۸

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۲/۰۶/۰۵

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۲/۰۶/۰۳

۸. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۷/۰۶/۰۲

۹. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۵/۰۶/۰۸

۶. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره

ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۸/۰۶/۰۲

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

طبقات محروم و به عدالت ضربه نزنند.^۱

پیشرفت عدالت محور: بدون عدالت،

پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت.^۲ در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛^۳ نوآوری نظام ما همین است که می خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این ها با هم متنافی نیستند.^۴

ایجاد مجاری کار و اشتغال: یک

مسئله دیگر، ایجاد مجاری درست کار است؛ که این کار خیلی بزرگ و مهمی است؛ مجاری کار را بایستی ما به وجود بیاوریم.^۵

گسترش تولید: در زمینه های کار

اقتصادی، عمده تلاش را باید روی تولید

برد. اساس مسأله، تولید است.^۶

صرفه جویی: واقعاً صرفه جویی را

جدی بگیرید. در جاهایی هرز رفتن ثروت ملی را داریم؛ واقعاً صرفه جویی باید یک اصل در دولت به حساب آید.^۷

توجه به ظرفیت های داخلی: «یک

توصیه دیگر به رئیس جمهور نگاه به ظرفیتهاست. این روزها می از کمبودها مشکلات گفته میشود؛ خب بله کمبودها زیاد است، مشکلات هم زیاد است؛ ظرفیت ها زیادتر از مشکلات است. ظرفیت های فراوانی در کشور وجود دارد. ما در بخش آب، در بخش نفت، در بخش معادن، در بازار گسترده داخلی، در مسئله همسایگان، در آمادگی حیرت آور جوانان، ظرفیت های فوق العاده ای داریم؛ این ها ظرفیت های ماست. بدون تردید این ظرفیت ها میتواند بر مشکلات غلبه کند به شرط این که این ظرفیت ها درست شناخته بشود و به کار گرفته بشود و به آن ها پرداخته بشود. تلاش شبانه روزی و

۱. بیانات در نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۷/۰۶/۰۲

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۲/۰۶/۰۵

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۲/۰۶/۰۵

خستگی ناپذیر لازم است و مطمئناً استفاده از این ظرفیت ها به کمبودهای کنونی غلبه خواهد کرد.^۱

اجرای دقیق و تحقق اقتصاد مقاومتی:

تدوین برنامه‌ای منسجم و زمان‌بندی شده برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید مورد توجه باشد.^۲ امروز مشکلات اقتصادی، مسئله اول کشور است که باید حل شود و حل آن‌ها در گرو اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی است.^۳

تلاش جهادی: اگر تلاش

شبانه‌روزی، مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر را همراه توکل و توسل به پروردگار سرمایه خود قرار دهید، قطعاً بر مشکلات فائق خواهید آمد.^۴

جلوگیری از فاصله طبقاتی: باید مراقب

بود در حرکت اقتصادی، فاصله طبقاتی

پیش نیاید و فقرا پایمال نشوند.^۵

برخورد با فساد: بسترهای فساد در قوه

مجریه فراهم می‌شود و این جا باید با آن مبارزه شود. اگر به معنای واقعی کلمه می‌خواهیم در کنار مردم باشیم باید با فساد و فساد، بی‌امان مبارزه کنیم.^۶ فسادستیزی مکمل عدالت‌ورزی است زیرا فساد و مظاهر آن از جمله ویژه‌خواری، برخورداری‌های بیجا و عزیزشدگان بی‌جهت، جزو بلاهای مهم ضد عدالت هستند.^۷

برخورد جدی با متخلفان: باید با

متخلفان مسائل اخیر سکه و ارز در هر سطحی که هستند برخورد شود. در مبارزه با مفاسد ابتدا باید با فساد و عنصر متخلف برخورد و سپس بطور شفاف اطلاع‌رسانی شود.^۸

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره

ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۴. بیانات در نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم،

۱۴۰۰/۰۶/۰۶

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۶. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره

ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

۷. بیانات در نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم،

۱۴۰۰/۰۶/۰۶

۸. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۷/۰۴/۲۴

برخورد با حقوق‌های نجومی: نباید از

موضوع حقوق‌های نجومی به آسانی عبور کرد. اعتماد مردم در این قضیه ضربه فراوانی خورده است. مردم و جوانان تحصیل کرده، دریافت‌های خود را با این دریافت‌های غیرعادلانه مقایسه می‌کنند. با مسئله حقوق‌های نجومی برخورد قاطع شود.^۱

مبارزه با قاچاق: مسأله قاچاق حقیقتاً

برای کشور خطر است و مبارزه کارآمد با قاچاقچی از خدمات بسیار بزرگ است.^۲

پرهیز از اشرافی‌گری: از جمله چیزهایی

که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافیگری در مسئولان بالای کشور است.^۳

رفع محرومیت: اهتمام اصلی دولت

در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد.^۴ نگاه به مناطق محروم و طبقات مستضعف کشور و آن مناطقی که مورد

بی‌مهری دستگاه‌های طاغوتی در گذشته قرار گرفته‌اند. این از جمله کارهای بسیار لازم و واجب است.^۵ ما باید در جهت کمک به محرومان جامعه حرکت کنیم.^۶

تأمین معاش مردم: اعتقاد من این

است که بخش‌های اقتصادی ما اگر می‌خواهند مردم متدین شوند، معاش مردم را تأمین کنند.^۷

مبارزه با گرانی: از جمله کارهایی که

باید کرد، مبارزه با گرانی است. در بخش‌های اقتصادی - بخصوص - باید بنشینند و برای این مسأله، برنامه‌ریزی کنند. بنابراین، ایجاد نظارت و سخت‌گیری بر گرانفروش، لازم است.^۸

عرصه فرهنگی

مقام معظم رهبری عرصه فرهنگ را مهم‌تر از سایر عرصه‌ها می‌دانند: «بیشتر و پُر حجم‌تر و مؤثرتر از تلاش‌های سیاسی و امنیتی، تلاش فرهنگی

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۳/۰۶/۰۴

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۰/۰۶/۰۵

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۰/۰۶/۰۵

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۲/۰۶/۰۳

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۶۹/۰۶/۰۱

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۰/۰۶/۰۵

۸. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۷۱/۰۵/۳۱

است.^۱ و اهتمام ایشان به مسائل فرهنگی تا حدی است که می‌فرمایند: «گاهی اوقات مشکلات فرهنگی موجب شده که من شب خوابم نبرده؛ به خاطر مسائل فرهنگی؛ یعنی اهمیت مسائل فرهنگی این جور است.»^۲ همچنین به اعتقاد ایشان دشمن نیز بر روی این مسائل متمرکز است: «دشمنان می‌دانند اگر در تلاشهای فرهنگی علیه انقلاب موفق و پیروز شوند، بقیه کارها برای آنها آسان خواهد شد؛ لذا روی این متمرکزند.»^۳

توجه جدی به مسأله فرهنگ: مسئله فرهنگ را خیلی جدی بگیرید. اگر چنانچه ما کارهای اقتصادی را انجام بدهیم، اما در زمینه کار فرهنگی عقب بمانیم، بدانید کشور لطمه خواهد دید.^۴

جهت‌گیری انقلابی و اسلامی: کار فرهنگ، کار بسیار مهمی است؛ با ملاحظه جهت‌گیری‌های انقلابی و اسلامی. در زمینه فرهنگ، جهت‌گیری‌ها را انقلابی و اسلامی قرار بدهید.^۵

مدیریت فرهنگی مبتنی بر مبانی امام (ع) و انقلاب: مشکلات فرهنگی، گاه خواب را از انسان می‌رباید. عرصه فرهنگ باید بر اساس مبانی و شعارهای امام (ع) و انقلاب مدیریت و خوراک فرهنگی سالم برای جامعه تولید شود.^۶

برنامه‌ریزی و حرکت آفندی و پدافندی: در زمینه فرهنگ، راه صحیح این است که برنامه‌ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش‌های خوب، و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند این‌ها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پدافند.^۷

تولید کالاهای فرهنگی سالم: دو کار اساسی و اصلی است که باید انجام بگیرد؛ یکی تولیدات فرهنگی سالم در

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۷/۰۶/۰۲

۲. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۸۷/۰۶/۰۲

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۰/۰۶/۰۶

۶. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۷. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

زمینه‌های مختلف، و یکی جلوگیری از تولیدهای مضر و به اصطلاح متاع و کالای مضر فرهنگی^۱.

مقابله با جنگ فرهنگی: ابزارهای فرهنگی و هنری مانند سینما، رسانه‌های صوتی و تصویری، مطبوعات و کتاب را واقعاً شکوفا کنید. راه اصلی مواجهه با جنگ نرم دشمن، حمایت از حرکت‌های صحیح در زمینه فرهنگ و تشویق آن‌ها، و ایستادن در مقابل حرکت‌های غلط است، چرا عرصه فرهنگ و رسانه آوردگاه «صلاح و فساد، و حق و باطل»، و عرصه‌ی جنگ فرهنگی با گسترش دهندگان فساد در دنیا است.^۲

مدیریت فضای مجازی: فضای مجازی فرصت‌های بزرگی در اختیار هر کشوری می‌گذارد، تهدیدهایی هم در کنارش دارد؛ ما بایستی کاری کنیم که از آن فرصت‌ها حداکثر استفاده را بکنیم، از این تهدیدها

تا آنجایی که ممکن است خودمان را برکنار نگه بداریم.^۳

عرصه نظامی

در عرصه نظامی نیز، مقام معظم رهبری، توصیه‌هایی را به دولت‌مردان مطرح می‌کنند:

حمایت از افزایش توان دفاعی: به لطف خدا و تلاش نیروهای نظامی و امنیتی درحالی‌که منطقه مملو از ناامنی است، کشور از سپر امنیتی مستحکمی برخوردار است. باید به این تشکیلات نظامی و امنیتی کمک شود و از افزایش توان دفاعی حمایت کرد.^۴

تقویت ابزار دفاعی: دشمن، قدرت دفاعی را در کشور نمی‌تواند تحمّل بکند. یکی از اساسی‌ترین کارها همین است که ما ابزارهای دفاعی مان را تقویت بکنیم.^۵

۱. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۴/۰۶/۰۴

۲. بیانات در نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم،

۱۴۰۰/۰۶/۰۶

۳. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۴. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

۵. بیانات در دیدار هیأت دولت، ۹۵/۰۶/۰۳

مبارزات فرهنگی - تبلیغی

امام حسن عسکری علیه السلام

ابوالفضل هادی منش*

اشاره

عباسی و ورود افکار و اندیشه‌های مختلف از بلاد دور و نزدیک به سرزمین اسلامی از نکات قابل توجه این دوره است. زبان‌ها، نژادها، فرقه‌ها و قومیت‌های گوناگون در بین مسلمانان به سر می‌بردند در حالی که دور دوم حاکمیت عباسی شروع شده است که همان دوره‌ی بی‌کفایتی و افول قدرت خلفای عباسی و ورود عناصر تُرك از نواحی شمالی و ماوراءالنهر به دربار عباسی، که آن‌چنان خلیفه را در مشیت خود داشتند که حتی گاه، خلیفه را تازیانه می‌زدند یا او را از حکومت، خلع می‌کردند و این هرج و مرج، فشارها را بر مردم، به خصوص بر شیعیان بیش‌تر

دوران امام حسن عسکری علیه السلام، با پایان دوران حضور امامان در بین مردم مقارن گشت. امام عسکری علیه السلام، سکان‌دار هدایت امت در گرده‌ای سخت به نام «غیبت» قرار گرفت. همان پدیده‌ای که به تعبیر خود پیشوایان معصوم علیهم السلام، امتحانی سخت و بزرگ بر مؤمنان خواهد بود. دوران امامت امام عسکری علیه السلام از جهات دیگری نیز حائز اهمیت است. قلمرو بزرگ حکومت

*. اشتغال به سطح ۴ حوزه علمیّه قم و دانش‌آموخته دکتری تاریخ تشیع (دانشگاه ادیان و مذاهب).

می‌کرد. امام عسکری علیه السلام با توجه به موقعیتی که داشت، روش‌هایی را برای ارتباط با شیعیان و انجام فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی خود انتخاب می‌کرد. ایشان در دوران زندگی خود، کاملاً تحت نظر بود و گاه در زندان حکومت عباسی به سر می‌برد. با این حال، وظایف امامت را به خوبی با بهترین روش‌ها اجرا می‌فرمود که گوشه‌هایی از تلاش‌های فرهنگی - تبلیغی آن حضرت را در پی می‌خوانید.

۱. حضور در خانه شیعیان

از جمله عنایات آن حضرت به شیعیان این بود که هرگاه مصلحت می‌دید، به شیعیان دستور می‌داد که بعد از نماز عشاء در خانه یکی از شیعیان - که از پیش معین شده بود - گرد هم آیند تا با آنان دیدار کنند. شیعیان، به دستور حضرت در آن جا گرد هم می‌آمدند و مشکلات و مسائل شرعی خود را با حضرت در میان می‌گذاشتند. نوشته‌اند: گاهی امام عسکری علیه السلام شخصی را نزد یاران و شیعیان خود می‌فرستاد و در پیامی، به آنان دستور می‌داد که در شبی معین، به خانه‌ای معین بروند تا ایشان را

در آن جا ملاقات کنند. این در حالی بود که نگهبانان حکومتی، شب و روز از مکانی که حضرت در آن سکونت داشت، مراقبت می‌کردند و هر پنج‌روز یکبار، نگهبانان تعویض شده، گروه دیگری به جای آنان گمارده می‌شدند و به آنان سفارش می‌کردند که امام را تحت نظر گرفته، حتی لحظه‌ای محل مأموریت خود را ترک نکنند.

یاران و شیعیان امام در ساعت معین شده به مکانی که امام تعیین فرموده بود، می‌رفتند و جالب این‌که حضرت قبل از آن‌ها در آن جا حضور پیدا می‌کردند. آنان، مسائل و نیازهای خویش را به حضرت عرضه می‌کردند و ایشان به تناسب جایگاه و درک و رتبه آنان، نیازهایشان را برآورده می‌ساخت و آن‌ها با دیدن معجزات امام، به خانه‌های خویش بازمی‌گشتند، در حالی که دشمنان، امام را در زندان خود می‌دیدند.^۱

۱. ر.ک. به: کشف الغمّة فی معرفة الأئمّه، علی بن عیسی الیربلی، تبریز، مکتبه هاشمی، ۱۳۸۱ ه. ق، ج ۲، ۴۲۰؛ بحار الأنوار، محمد باقر، المجلسی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۵، ص ۱۹۹.

۲. حضور در شهرهای دوردست

«جعفر بن شریف جرجانی» روایت می‌کند: رهسپار حج شدم و در سامرا خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم. به حضرت عرض کردم: شیعیان شما در گرگان خدمت شما عرض سلام دارند. حضرت فرمود: مگر پس از انجام حج نمی‌خواهی به شهرت برگردی؟ عرض کردم: آری. فرمود: تو از امروز ۱۷۰ روز دیگر، در روز جمعه، سوم ماه ربیع الآخر وارد جرجان خواهی شد. به دوستان ما خبر بده که من در پایان همان روز، نزدشان خواهم آمد. اکنون با توفیق الهی رهسپار حج شو؛ زیرا خداوند، تو و آن چه را با خود داری، سلامت می‌دارد و نزد خانواده‌ات برخواهی گشت. خداوند متعال به فرزندت شریف، پسری عنایت می‌کند. نام او را «صلت» بگذار! خداوند او را به حد بلوغ و کمال خواهد رساند و از علاقه‌مندان ما خواهد شد.

من از نزد امام مرخص شده و به حج رفتم. به لطف خدا در آغاز روز جمعه ربیع الآخر، همان‌گونه که امام فرموده بود، به سلامت وارد شهرم شدم.

دوستان برای تبریک به دیدارم آمدند. من وعده دیدار امام با ایشان را به اطلاع آنان رساندم و گفتم: برای طرح مسئله‌های خود آماده شوید و تمام خواسته‌های خویش را مهیا سازید. ظهر فرارسید. مردم نماز ظهر و عصر را به جای آوردند و همه در خانه من گرد آمدند. به خدا سوگند! در حالتی از بی‌توجهی بودیم که ناگهان دیدیم ابو محمد علیه السلام به جمع ما پیوست. آن حضرت بر ما سلام کرد و ما از او استقبال کردیم و دست مبارکش را بوسیدیم. سپس آن بزرگوار فرمود: من به جعفر بن شریف قول داده بودم که در پایان امروز نزد شما بیایم. وقتی نماز ظهر و عصر را در سامرا به جای آوردم، نزدتان آمدم تا با شما تجدید پیمانی کرده باشم. اینک من نزد شما هستم. خواسته‌ها و نیازهای خویش را مطرح کنید!

«نضر بن جابر» نخستین کسی بود که به طرح مسائل پرداخت و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! فرزندم جابر، چند ماه است که بینایی خود را از دست داده، اینک از خداوند بخواه تا بینایی‌اش را به او



بازگرداند. حضرت فرمود: او را بیاور! وقتی جابر را آورد، امام دست مبارك خویش را بر چشمان او کشید و او بینایی خود را بازیافت. سپس مردم یکی پس از دیگری خواسته‌های خود را مطرح کردند و حضرت به تمام خواسته‌های آنان پاسخ داد و تقاضای آن‌ها را برآورده ساخت و برای آنان دعای خیر فرمود و همان روز بازگشت.^۱

۳. مکاتبه و نامه‌نگاری

مکاتبه نیز از جمله شیوه‌های ابراز توجه و عنایت آن حضرت به امت اسلامی به طور عموم و به شیعیان به طور خاص بود. امام عسکری علیه السلام و هوادارانش در فضای پراز اختناق پیرامون خود، با این شیوه، روزنه‌ای یافته بودند که در خلال آن می‌توانستند به دعای حضرت در حق خودشان دست یافته، در بسیاری از امور پیش‌رو، نظر امام را به دست آورند.

شیخ صدوق رحمته الله یکی از این مکاتبات را که درباره معنای حدیث «صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ» است، چنین نقل کرده: [یکی از مردم مدائن] گفت: به امام عسکری علیه السلام نوشتیم: از پدران شما روایت شده که حدیث شما دشوار و سنگین (صعب مستصعب) است و آن را نه فرشته مقرب تحمل می‌کند، نه پیامبر فرستاده شده و نه مؤمنی که خداوند دل او را برای ایمان آزموده است. امام در جواب چنین مرقوم داشتند: معنای آن این است که فرشته آن را تحمل نمی‌کند تا در دل خود نگهدارد و به فرشته‌ای مانند خود بازگوید؛ پیامبری نمی‌تواند آن را تحمل کند تا به پیامبری مثل خود منتقل کند و مؤمنی آن را تحمل نمی‌کند تا به مؤمنی مثل خود برساند؛ یعنی آن چه در سینه اوست، از بس شیرین است که فرد نمی‌تواند آن را در دل خود نگهدارد، مگر آن که آن را به دیگری بگوید.^۲

۲. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة محمد بن حسن حرّ عاملی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۹ ق، ج ۱۸، ص ۶۶.

۱. الخرائج والجرائح، قطب الدین الراوندی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱، ص ۲۴؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۶۲.

از «سفیان بن محمد ضیعی» نقل شده است: خدمت ابومحمد علیه السلام نامه نوشتم و پرسیدم: منظور از «ولیعجه» در آیه: ﴿لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً﴾ چیست؟^۱ و در همان حال از خاطر گذشت که مقصود از مؤمنین در اینجا چه می تواند باشد؟ حضرت پاسخ دادند: ولیعجه، کسی است که به جای سرپرست و امام قرار داده می شود. پیش خودت و در دلت چنین گفتی که مقصود از مؤمنان در اینجا کیانند؟ آنان امامان هستند؛ آنان که برای مردم از خداوند امان می گیرند و خدا نیز امان و تضمین آنان را امضا می کند.^۲

نامه نگاری های امام با یارانش بسیار است که در آن ها، علاوه بر پاسخ گویی به سؤالات، حضرت از یارانش برای بیماری ها یا سختی هایی که در زندان

۱. توبه / ۱۶.

۲. أصول الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، تصحيح: على اكبر غفاري، بيروت، دار الصعب، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۵۰۸؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، بيروت، دار الأضواء، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۴، ص ۴۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۵ و ج ۵۰، ص ۲۸۵.

متحمل می شوند، دل جوایی می کند و گاهی نیز با کمک های مالی خود، آنان را مورد عنایت و کرم قرار می دهد.

۴. انجام مناظرات کلامی

گاهی امام عسکری علیه السلام با توجه به سطح مخاطب خود، از روش استدلال استفاده می کردند تا قوه عقل را میزان سنجش حق از باطل قرار دهند. مثلاً موضع گیری امام در برابر «اسحاق کندی» بسیار جالب است. اسحاق فیلسوف عراقی بود که در زمان امام عسکری علیه السلام می زیست. او به منظور تدوین کتابی به نام «تناقض القرآن» خانه نشینی گزیده بود. روزی یکی از شاگردانش خدمت امام رسید. حضرت به او فرمود: مگر يك نفر برجسته و دانا میان شما نیست که استادان کندی را از پرداختن [و تعرض] به قرآن باز دارد؟ شاگرد کندی عرض کرد: ما شاگردان او هستیم. چگونه می توانیم در این خصوص و یا در زمینه های دیگر به او اعتراض کنیم؟ حضرت فرمودند: آیا آن چه را به تو بیاموزم، به او می رسانی؟ عرض کرد: آری.

حضرت فرمود: نزد او برو و با ملاطفت و مهربانی، او را در کارهایش

یاری کن و زمانی که کاملاً با او مأنوس شدی، به او بگو: پرسشی دارم. وی جویای پرسش تو می‌شود. به او بگو: اگر گوینده قرآن نزد تو آید [و از تو بپرسد]: آیا این احتمال وجود دارد که مقصود خداوند از این گفتار، غیر از آن چیزی باشد که تو پنداشته‌ای و در پی آن هستی، چه؟ او به تو خواهد گفت: آری. این احتمال وجود دارد؛ زیرا انسان، هنگام شنیدن بهتر متوجه معانی می‌شود و آن‌ها را درک می‌کند. وقتی او این سخن را گفت، به او بگو: تو چه می‌دانی؟ شاید منظور گوینده کلمات قرآن، غیر از آن چیزی باشد که تو تصور کرده‌ای و او الفاظ قرآن را در غیر معانی خود استعمال کرده باشد.

آن شاگرد نزد کندی رفت و پس از الفت و مهربانی، پرسش خود را مطرح کرد. کندی به او گفت: پرسش خود را یکبار دیگر تکرار کن و او تکرار کرد. کندی با خود اندیشید و دریافت که هم از جنبه لغت و هم از دید علمی، امکان چنین احتمالی وجود دارد. بعد رو به شاگردش کرد و گفت: تو را سوگند می‌دهم! به من بگو این سخن را از کجا آموخته‌ای؟ او

گفت: ابو محمد علیه السلام به من چنین دستور داده است. کندی گفت: درست گفتی؛ زیرا چنین سخنانی تنها از آن خاندان صادر می‌شود. سپس دستور داد آتشی برافروختند و تمام نوشته‌های خود را در آتش افکند.^۱

۵. افشاگری و مبارزه با عقاید انحرافی

عصر امام عسکری علیه السلام اوج فعالیت فرقه‌های گمراه و گروه‌های منحرف عقیدتی بود. بازداشت امام در سامرا، در نزدیکی قلمرو جاسوسان حاکم و دور کردن آن بزرگوار از مجالس و محافل، بیش‌ترین تأثیر را در خالی شدن میدان برای نشر اندیشه‌ها و اعتقادات فاسد از سوی این فرقه‌ها داشت؛ ولی امام با وجود حبس خانگی، توانست با ایستادگی در مقابل آن انحرافات و بدعت‌های اعتقادی و فکری، نقش رهبری فکری خود را به طور کامل ایفا نماید.

الف) مبارزه با صوفیان

صوفیه از آغاز پیدایش توسط «ابوهاشم کوفی»، توانست تحت پوشش

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۴.

اسلام، عده‌ای از ساده‌لوحان را بفریید و با نمایش چهره‌ای عابد و زاهد از خود، به اغفال و فریب مردم پردازد. امام عسکری علیه السلام به شدت از آنان بیزار است. جست و مردم را از گرویدن به آن‌ها برحذر داشت. روزی به «ابوهاشم جعفری» فرمود: ای ابوهاشم! زمانی بر این مردم فرامی‌رسد که چهره‌هایی خندان؛ ولی دل‌هایی تاریک و ظلمانی دارند. از دیدگاه آنان، سنت؛ یعنی بدعت و بدعت؛ یعنی سنت. مؤمن را به دیده حقارت می‌نگرند و فاسق را ارج می‌نهند. فرمانروایان آنان، افرادی نادان و ستم‌پیشه‌اند و دانشمندان‌شان دریوزه دربار ستمگران. ثروتمندان آن‌ها حق تهیدستان را به یغما می‌برند و کوچک‌ترها بر بزرگان خود پیشی می‌گیرند. هر انسان نادانی از دید آن‌ها فردی آگاه و هر شخص حيله‌گرو متظاهر را دانا می‌شمارند. میان فرد با اخلاص و انسان تردیدکننده تمییز نمی‌دهند و گوسفند را از گاو بازمی‌شناسند. عالمان و اندیشمندان آن‌ها، بدترین آفریده‌های الهی روی زمین‌اند؛ چراکه به تصوف تمایل نشان می‌دهند. به خدا سوگند! آن‌ها کسانی‌اند

که از عقیده خود برگشته و از راه حق منحرف شده‌اند.

آنان در علاقه و محبت به مخالفان ما زیاده‌روی کرده، شیعیان و دوست‌داران ما را به گمراهی می‌کشاند. اگر به جاه و مقامی دست یابند، از گرفتن رشوه سیر نمی‌شوند و اگر به ذلت گرفتار آیند، ریاکارانه خدا را پرستش می‌کنند. آگاه باشید که آنان راه [سعادت و حقیقت] را بر مؤمنان می‌بندند و مبلّغ آیین بی‌دینان و کافران هستند. کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، باید از آنان برحذر بوده و دین و ایمان خویش را حفظ کنند. سپس فرمود: ای ابوهاشم! این مطالب را پدرم از پدران بزرگوارش، از جعفر بن محمد علیه السلام برایم نقل نمود. این سخنان از اسرار ماست. آن‌ها را جز برای اهلش بازگو مکن.^۱

۱. حدیقة الشیعة، شیخ احمد اردبیلی، المكتبة العلمیة الإسلامیة، تهران، بی‌تا، ص ۵۹۲؛ انوار النعمانیة، سید نعمت الله جزائری، شرکت چاپ، بی‌جا، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۳.

ب) مبارزه با واقفی‌ها

واقفی‌ها امامان علیهم‌السلام را تنها تا امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌پذیرند و قائل به امامت امام رضا علیه‌السلام نیستند و بعد از شهادت امام هفتم علیه‌السلام، قائل به متوقف شدن امامت شدند. این طایفه را «مضطوره» نیز گفته‌اند.^۱ بنیانگذاران مسلک واقفی، گروهی از یاران امام صادق و کاظم علیه‌السلام به نام‌های: زیاد بن مروان، علی بن ابی حمزه بطائی و عثمان بن عیسی بودند که به خاطر ازدست‌دادن مبلغی ناچیز که از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نزدشان بود، بعد از شهادت ایشان در امامت توقف کردند و حاضر نشدند آن اموال را به امام رضا علیه‌السلام بپردازند و خود در آن اموال تصرف کردند.^۲ بنابراین، امامان بعدی، واقفی‌ها را نکوهش کرده و از آن‌ها بیزاری جستند. فردی در نامه‌ای از امام عسکری علیه‌السلام پرسید: آیا شما کسانی را که در امامت حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام توقف

کردند، دوست دارید یا از آنان بیزاری می‌جوید؟ حضرت در پاسخ نوشتند: آیا برای عمومیت آموزش می‌خواهی؟ خداوند عمومیت را نیامرزد! از او بیزاری بجو. من در پیشگاه خدا از آن‌ها بیزاری می‌جویم. با آن‌ها سر دوستی نداشته باش، از بیماران‌شان عیادت مکن، در تشییع جنازه‌های مردگان‌شان حاضر مشو و هرگز بر جنازه اموات‌شان نماز مگذار؛ خواه امامی را از ناحیه خداوند انکار کرده باشند و یا امام و پیشوایی را که امامت وی از ناحیه خدا نیست، بر تعداد امامان افزوده باشند یا قائل به تثلیث [سه خدایی] باشند. کسی که امامت آخرین فرد ما را انکار کرده و یا تعداد ما را اضافه بداند، مانند کسی است که از تعدادمان کاسته باشد و ما را انکار نماید. این پاسخ در حالی بود که شخص سؤال کننده نمی‌دانست که عمویش نیز در زمره واقفیه است و حضرت با این نامه او را آگاه کردند.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۶۷.

۲. ر.ک: رجال الکشی، محمد بن عمر الکشی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش، صص ۳۴۴، ۳۹۳ و ۳۹۶.

۳. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۷۴.

ج) مبارزه با ثنویه

ثنویه از جمله فرقه‌ها و مذاهبی بودند که در دوران امام عسکری علیه السلام پایه‌گذاری شد. در فلسفه، موجودات عالم دو دسته هستند؛ قدیم و حادث. تنها قدیم موجود در عالم، ذات خداست؛ اما ثنویه این سخن را نمی‌پذیرند. آن‌ها می‌گویند: دو قدیم وجود دارد. نور و ظلمت قدیم و ازلی اند که نور، همان خیر و ظلمت، همان شر است.^۱

یکی از یاران امام عسکری علیه السلام در نامه‌ای به حضرت، از ایشان خواست تا در حق پدرش - که ثنوی بود - و مادرش که مؤمنه بود، دعا کند.^۲ امام مرقوم فرمود: «رحم الله والدتك والتاء منقوطة؛ خداوند مادرت را بیامزد و تاء دو نقطه دارد.» منظور امام این بود که در کلمه والدتك، تاء دو نقطه به جای یاء، اشتباه خوانده نشود که در آن صورت می‌شود والدیک که شامل پدرش نیز گردد.

۱. الملل والنحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، مکتبه القاهرة، مصر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۴۴؛ مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، منشورات المصطفوی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۶.
۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۱؛ خرائج و جرائح، ج ۱، ص ۴۴۵.

«محمد بن ربیع» می‌گوید: با یکی از ثنوی‌ها در اهواز به بحث و مناظره پرداختم و در حالی که اندکی تحت تأثیر سخنان او قرار گرفته بودم، به سامرا رفتم. در خانه «احمد بن خصیب» نشسته بودم، امام عسکری علیه السلام را دیدم که از ملاقات با مردم به منزل بازمی‌گشت. چون به من نزدیک شد، در من نگرست و با انگشت سبابه‌اش به من اشاره کرد و فرمود: أحد، أحد. با شنیدن آن من نقش بر زمین شده و از هوش رفتم.^۳ منظور امام از این تذکر سربسته به او، دوری کردن از انکار و اندیشه‌های انحراف‌انگیز بود.

د) مبارزه با مَفْوضه

گروه مَفْوضه معتقدند خداوند به انسان‌ها اختیار مطلق اعطا کرده و خود در سرنوشت بندگان هیچ نقش و دخالتی ندارد. آن‌ها مرتکب گناه کبیره را نه مؤمن می‌دانند، نه کافر؛ بلکه او را فاسق می‌نامند.^۴

۳. مجمع البحرين، ص ۳۳۲؛ رك: معجم الفرق الاسلامیة، شریف یحیی الامین، بی‌نا، بیروت، ص ۲۳۵.
۴. ملل و نحل، صص ۵۰-۵۲.



از «ابونعیم محمد انصاری»^۱ نقل شده است: گروهی از مَفْوضَه، کامل بن ابراهیم مدنی را نزد امام عسکری علیه السلام فرستادند. من با خود گفتم: وقتی خدمت آن حضرت رسیدم، دربارهٔ حدیثی که از ایشان روایت شده، می‌پرسم که فرموده است: جز کسی که حق مرا نشناسد، وارد بهشت نخواهد شد. وارد خانه شدم و کنار دری که پرده‌ای آن را پوشانده بود، نشستم. در همان حال بادی وزید و گوشه‌ای از پرده کنار رفت. ناگاه جوانی را چون پارهٔ ماه دیدم که حدود چهار سال داشت. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! از سخنش بر خود لرزیدم و به من الهام شد که به او بگویم: بلی، ای مولای من! او فرمود: آیا نزد ولیّ خدا آمده‌ای تا از او بپرسی «جز کسی که چون تو به معرفت نرسد و پیرو گفته‌ات نباشد، وارد بهشت نخواهد شد؟» گفتم: آری، به خدا سوگند! فرمود: سوگند به خدا! در این

صورت، شمار کسانی که وارد بهشت می‌شوند، اندک است. سوگند به خدا! گروهی وارد آن می‌شوند که آنان را حقیّه می‌نامند.

پرسیدم: آن‌ها کیانند؟ فرمود: گروهی که از فرط دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام به حق او سوگند می‌خورند، در حالی که حق و فضیلت آن حضرت را نمی‌دانند. آنان از خدا و رسول او و ائمه علیهم السلام شناختی اجمالی دارند. سپس فرمود: آمده‌ای دربارهٔ سخن مَفْوضَه نیز بپرسی؟ آنان دروغ می‌گویند؛ بلکه دل‌های ما ظرف مشیّت و ارادهٔ خدای عزوجلّ است. هرگاه او اراده‌ای بکند، ما نیز همان را اراده می‌کنیم و خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾.^۲

۶. زمینه‌سازی برای عصر غیبت

امام عسکری علیه السلام مسئولیت زمینه‌سازی غیبت فرزند بزرگوارش را بر عهده داشت. او باید مردم را برای مرحلهٔ غیبت امام پس از خود مهیا می‌ساخت و برای این امر مهم، تدابیری می‌اندیشید.

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۸؛ الغیبه، محمد بن الحسن الطوسی، ترجمه مجتبی عزیزی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۴۸.

۲. انسان / ۳۰.

روایت شده: امام هادی علیه السلام خویش را از بسیاری شیعیان، جز تعدادی اندک از یاران خاص خود، نهان می داشت، تا وقتی امامت به فرزندش رسید. امام عسکری علیه السلام نیز با شیعیان خاص خود و دیگران از پشت پرده سخن می گفت، مگر در روز ملاقات عمومی که به سمت کاخ خلیفه می رفت. این رفتار حضرت و پدر بزرگوارش، مقدمه ای برای غیبت صاحب الزمان علیه السلام بود تا شیعیان کم کم به ندیدن امام خود مأنوس شده، منکر غیبت نشوند و نهان بودن امام به عنوان يك روش و شیوه، پذیرفته شود.^۱

امام برای تمهید ذهنیت مردم و شیعیان، خصوصاً درباره غیبت، نمایندگانی را معین کرد و آن ها را با تأیید و بیان وثاقت و اعتماد، مورد حمایت خویش قرار داد تا برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان، رابط میان آن حضرت و مردم باشند و شیعیان به پدیده مراجعه به نمایندگان، مأنوس گردند. این مطلب از نامه ای که آن حضرت به «احمد بن اسحاق

۱. الغیبة، ص ۲۱۵.

اشعری رحمته الله نوشت و نماینده مورد اعتماد و امین خود «عثمان بن سعید عمری رحمته الله» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، برمی آید. امام فرمود: ابوعمر وثقه و امین، مورد اعتماد من و امام قبلی است و در زندگی و پس از مرگ من، مورد اعتماد من می باشد. آن چه او به شما بگوید، از ناحیه من گفته و هرچه به شما ابلاغ کند، از قول من است. سخنش را بشنوید و از او اطاعت کنید؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است.^۲

افزون بر این، امام مؤلفان برخی از کتب فقهی و حدیثی را که به منظور هدایت مردم گردآوری شده بود، ستود و از آنان قدردانی کرد و از مردم خواست تا به این کتاب ها عمل کنند. از جمله کتاب: فضل بن شاذان، یونس بن عبدالرحمن و دیگران.^۳

۲. همان؛ ر.ک: رجال کشی، ص ۴۸۱.

۳. ر.ک: رجال، صص ۲۷۳-۲۷۲؛ رجال کشی، ص ۴۵۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۷۲؛ فلاح السائل، سید بن طاووس، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۳.

مبانی دینی مطالبه‌گری مطلوب

جواد توحیدی منش*

مقدمه

مطالبه‌گری^۲ یکی از شاخص‌های برجسته جامعه پویا و بانشاط است و اجتماع بدون مطالبه‌گری، اجتماعی مُرده و بدون آرمان خواهد بود؛ زیرا مطالبه‌گری در درون خود، نوعی تحرك و آرمان‌گرایی را دنبال می‌کند.

مطالبه‌گری از حقوق اساسی اقشار مختلف جامعه است که قوانین و مقررات اجتماعی و حاکمیتی بر مبنای آن تدوین و تقریر می‌گردد و تأثیر چشمگیری در تحقق حکمرانی مطلوب و شایسته سالارانه دارد، به گونه‌ای که سبب احیا و پابندی به حقوق شهروندی و در نهایت عاملی برای توسعه و پیشرفت جامعه است. منشأ این حق، هم آزادی و اختیار انسان است و هم منشأ خدادادی و فطری دارد.

در نوشتار حاضر، به شناخت مفهوم مطالبه‌گری، اقسام مطالبه‌گری، ضرورت گسترش فرهنگ مطالبه‌گری و مبانی دینی مطالبه‌گری مطلوب می‌پردازیم.

*. دانش‌آموخته سطح ۳ تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم. نشانی ایمیل: Gtm98@mailfa.com.
۲. اهل لغت در معنای مطالبه‌گری، چنین نوشته‌اند: «مطالبه» به معنای حق خویش را خواستن است، به نحوی که درخواست و تقاضای فرد همواره استمرار داشته باشد. (لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۱۰).

مطالبه‌گری، نوعی اعتراض به وضع موجود

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطاب به اصحاب و لشکریان خود فرمودند: «أَقْبِ لَكُمْ لَقَدْ سَمِئْتُ عِتَابَكُمْ - أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوْضًا وَبِالذَّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا إِذَا دَعَوْتُكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوُّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ وَمِنْ الدُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ يُرْتَجَّ عَلَيْكُمْ حِوَارِي فَتَغْمَهُونَ - [فَكَانَ] وَكَانَ قُلُوبُكُمْ مَالُوسَةً فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ... أَبْهَى النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالتَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمُغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أُمُرُكُمْ؛^۱ اف بر شما، که از توییختن به تنگ آمده‌ام. آیا در عوض حیات دائمی به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟ و به جای عزت به ذلت دل خوش کرده‌اید؟ چون شما را به جهاد دعوت می‌کنم دیدگانتان به گردش می‌افتد گویی به سختی جان کندن دچار

شده، و در بیهوشی غفلت فرو رفته‌اید، به طوری که راه گفت و شنودتان با من بسته می‌شود و در پاسخ من دچار سرگردانی می‌شوید گویی دلتان گرفتار اختلال شده و عقلتان از کار افتاده است...

ای مردم، مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی. اما حق شما بر من این است که خیر خواه شما باشم، و غنیمت شما را به نحو کامل به شما بپردازم، و شما را تعلیم دهم تا جاهل نمانید، و مؤدب به آداب نمایم تا بیاموزید. و اما حقی که من بر شما دارم وفا به بیعتی است که با من نموده‌اید، و خیر خواهی نسبت به من در حضور و غیاب، و اجابت دعوتم به وقتی که شما را بخوانم، و اطاعت از من چون دستوری صادر کنم».

بر اساس مطالب فوق، مطالبه‌گری نوعی اعتراض به وضع موجود است. از این رو در مطالبه‌گری، هم باید وضع و شرایط کنونی و مسائل پیرامون آن دیده شود و هم وضع مطلوب مورد توجه قرار گیرد. اعتراض هم به جهت پُر کردن فاصله میان وضع کنونی و وضع مطلوب صورت می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب (علیه السلام) در این خصوص فرمودند: «مطالبه‌کردن با

۱. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ اول، خطبه ۳۴.

دشمنی کردن، فرق دارد ... معنای مطالبه‌گری، طلب کردن است و نه خصومت و دعوا!^۱

ایشان در بیان دیگری تذکر دادند: «مردم مطالباتی دارند که در اغلب موارد هم حق با مردم است و اگر این توقعات و انتظارات برآورده نشود، اعتراض می‌کنند، اما مطالبات مردم مسئله‌ای متفاوت از فتنه‌سازی به بهانه این مطالبات است که این دومی کار دشمن است.»^۲

البته لازم است میان مطالبه‌گری و اعتراض به دولت‌ها و سیاست‌های برخی از دست‌انداران، با اعتراض به اصل حکومت و نظام اسلامی تفاوت قائل شویم، زیرا اغلب اعتراض‌ها به دولت‌ها و مسئولان دولتی است و متأسفانه دشمنان داخلی و خارجی از عدم تفکیک میان این دو نوع اعتراض سوء استفاده می‌کنند و حتی گاهی اعتراض‌ها را به سوی اصل دین و نظام دینی، جهت می‌دهند.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره

فرمودند: «مطالبه طبعاً با نوعی اعتراض همراه است. خب، بله مطالبه به معنای این است که یک نقصی وجود دارد و ما می‌خواهیم رفع آن نقص را مطالبه کنیم - طبعاً مطالبه این است - بنابراین با اعتراض همراه است؛ نگذارید این مطالبه شما و اعتراض شما اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است؛ دشمن منتظر این است. گاهی اوقات ممکن است شما فرض کنید به مسئله بورس - من باب مثال - اعتراض دارید یا مثلاً به مسئله پراید اعتراض دارید، اعتراض را ذکر می‌کنید؛ [اما] دشمن از نحوه اعتراض شما، اعتراض به نظام را تلقی می‌کند یا القای می‌کند که این اعتراض به نظام بود؛ این را نگذارید؛ این را جداً مانع بشوید و نگذارید که دشمن چنین فرصتی پیدا کند که از مطالبه شما، از اعتراض شما یک چنین تلقی‌ای به دست بیاورد یا چنین تلقی‌ای را بتواند به مخاطب القا کند.»^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و استعداد های

برتر علمی کشور در تاریخ: ۱۳۸۶/۰۷/۱۷.

۲. بیانات در جمع پرستاران: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱.

۳. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای

دانشجویی، مورخ: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸.

انواع مطالبه‌گری

به طور کلی مطالبه‌گری بر دو نوع صورت می‌گیرد: «مطالبه‌گری فردی» که بیشتر به صورت خودجوش و با حداقل امکانات صورت می‌گیرد و معمولاً توان و قدرت مطالبه‌گری در این نوع پایین و احتمال دستیابی به نتیجه مطلوب، ضعیف است.

نوع دوم «مطالبه‌گری تشکیلاتی» و ساختار یافته است که اغلب به صورت رسمی و با حضور پرشورتری شکل می‌گیرد و حصول نتیجه مطلوب در این نوع از مطالبه‌گری دست‌یافتنی‌تر است.

در مجموع می‌توان گفت: مطالبه‌گری، مجموعه‌ای از اقداماتی است که توسط اقشار مختلف مردم با انگیزه تشویق و یا تحریض مسئولان و مجریانی صورت می‌گیرد که برنامه‌ریزی، مدیریت و تصمیم‌گیری آنان در سرنوشت و وضعیت زندگی افراد و گروه‌های مطالبه‌گر اثرگذار است.

ضرورت گسترش فرهنگ مطالبه‌گری در جامعه

مطالبه‌گری یکی از مسائلی است که امام خمینی علیه السلام اوایل نهضت انقلابی، بارها قشرهای گوناگون مردم، به ویژه علما

و روحانیت را به سوی آن فرا می‌خوانند و می‌فرمودند: «فرصت را غنیمت بشمارند آقایان. بنویسند، اعتراض کنند. الآن نویسند، احزاب دارند می‌نویسند، امضا می‌کنند. می‌نویسد، اشکال می‌کند، امضا می‌کند. شما هم بنویسید، صد نفر از علما امضا بکنند؛ مطالب را گوشزد بکنند، اشکالات را بگویند. امروز روزی است که باید گفت»^۱

ایشان همچنین دیگر افراد و گروه‌ها اعم از دانشگاهیان، دبیران و معلمان و را خطاب قرار می‌داد و آنان را به سوی مطالبه‌گری تشویق و ترغیب می‌کرد.^۲

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در سال‌های اخیر بارها گروه‌های مختلف جامعه به ویژه جوانان را به سوی این مسئله سرنوشت‌ساز ترغیب و تشویق نموده به نحوی که اکنون در جامعه ما به صورت یک گفتمان انقلابی درآمده است.

۱. صحیفه امام خمینی علیه السلام، صحیفه امام علیه السلام ۲۱ جلدی، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۵۲.
۲. همان، ص ۴۸۶ و ۴۸۷.



ایشان در بیانی فرمودند: «همیشه این ملت نیاز دارد به اینکه مسئولان او پاسخگوی مسئولیت‌های بزرگ خودشان در مقابل ملت باشند و روح پرسش و مطالبه‌گری در مردم وجود داشته باشد.»^۱

معظم‌له‌علیه‌السلام جوانان را نسبت به مطالبه‌گری تشویق و ترغیب نموده و فرمودند: «جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ماکار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راهکار اجرائی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کارشدن، این‌ها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست.»^۲

ایشان در فراز دیگری فرمودند: «همه همت ما باید این باشد که این روحیه مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - به خصوص جوان علمی - گسترش بدهیم. اگر این شد، ممکن است به همه آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما این که در کوتاه‌مدت همین‌جور هم هست؛ به همه مطالبات در کوتاه‌مدت یقیناً نمی‌شود پاسخ داد؛ ظرفیت‌ها محدود است - لیکن یقیناً آینده خوب و یک افق روشن با چنین مطالباتی جلوی چشم است.»^۳

از این رو می‌توان گفت مطالبه‌گری آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و جاری ساختن احکام الهی یکی از ضرورت‌ها برای آحاد جامعه به ویژه جوانان ایران است. مطالبه‌گری سبب می‌شود تا حس مشارکت‌پذیری در افراد جامعه تقویت شود و آنان نیز خود را جزئی از بازوی نظارتی حاکمیت بدانند.

۱. بیانات در دیدار زائران حرم امام رضا علیه‌السلام، مورخ: ۱۳۸۴/۱/۱.

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور در تاریخ: ۱۳۸۶/۰۷/۱۷.

۳. همان.

مبانی دینی مطالبه‌گری

۱. فریضه بودن امر به معروف و نهی از منکر

آیه: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

آیه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند.»

واژه امت به معنای جماعت و^۲ گروهی است که جنبه وحدت زمانی یا مکانی یا هدف و مرام در بین آنان وجود دارد.^۳ و یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، تصمیم و قیام و اقدام برای مطالبه‌گری در جهت احقاق حقوق شهروندان و پرسش‌گری و نظارت به شکل

تشکیلاتی و گروهی است که این امر یکی از مصادیق فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

روایت: امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ ...»^۴ همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر، اقامه می‌شود، راه‌ها ایمن، درآمد‌ها حلال، مظالم به صاحبان اصلی مسترد، زمین آباد، حق از دشمنان باز پس گرفته می‌شود و امر (حکومت) تحکیم می‌یابد».

۲. ضرورت دادخواهی و نپذیرفتن ظلم

آیه: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»؛ خداوند بدگویی بلند و آشکار را دوست ندارد، جز برای کسی که بر او ستم رفته باشد، و خداوند همواره شنوا و داناست.»

۱. آل عمران / ۱۰۴.

۲. حج / ۴۱.

۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴، چاپ اول، ج ۳، ص ۳۴.

۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم، ج ۵، ص ۵۶.

۵. نساء / ۱۴۸.



آیه: «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَجَجْنَا مِنْهُمْ؛ پس چرا از امت های پیش از شما خردمندانی نبودند که از فساد در زمین باز دارند؟ مگر اندکی از آنان که نجاتشان دادیم.»

روایت: رسول الله ﷺ: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعْتَعٍ»؛ امتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت و بدون خوف و ترس نگیرد، هرگز پاک نمی شود و روی سعادت را نمی بیند.»

۳. ضرورت اجرای عدالت اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً به عدالت قیام کنید.»

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى

أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک تر است!»

روایت: امام علی علیه السلام فرمودند: «وَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ فَيَنْتَنِعُ حِجْلَهَا وَقُلُوبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرِعَائَهَا مَا تُمْنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَالِاسْتِرْحَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافِرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَلَا أَرِيقٌ لَهُ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ عِنْدِي بِهِ جَدِيرًا...»؛ به من خبر رسیده که یکی از آنان (اهل شام) به خانه زن مسلمان و زن غیرمسلمانی وارد شده که جان و مالش در پناه اسلام محفوظ بوده و خلخال، دستبند، گردنبند و گوشواره های آن ها را از تنشان بیرون آورده است؛ در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته اند... اگر مسلمانی برای این

۱. هود/ ۱۱۶.

۲. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، حسن بن علی (ابن شعبه) حُرَّانِي، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۳، چاپ دوم، ص ۱۴۲.

۳. نساء/ ۱۳۵.

۴. مائده/ آیه ۸.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۵.

حادثه، از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است».

۴. ضرورت نظارت همگانی در حکومت اسلامی

آیه: «الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند) و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان».

امام خمینی رحمته الله: در این باره فرمودند: «مردم مواظب اند و مطلع اند و شناسایی می کنند و سکوت نمی کنند. بنابراین، توصیه من به آقایان [مسئولان] به طور جد این است که... تعقیب کنید، تأیید کنید، همراهی کنید، کمک کنید تا کشور شما رو به سلامت برود.»^۲

۵. آزادی بیان در اسلام

آیه: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»؛ بگو: این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس می خواهد کافر گردد!

روایت: امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر نوشتند: (ای مالک!) لشکریان و دستیاران و پاسداران خود را چنان دور کنی که صاحبان حاجت بدون احساس ترس و لرز و لکنت زبان با راحتی کامل بتوانند مطالب خود را بیان کنند، زیرا که من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که فرمودند: هرگز امتی که در آن حق ضعیفان از زورداران با صراحت و بی لکنت گرفته نشود پاکیزه نمی شوند و روی سعادت را نمی بینند.»^۴

۶. مسئولیت انسان ها در برابر سرنوشت خود و

دیگران

آیه: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ»؛ آن ها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید».

روایت: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ...»؛ همه شما درباره رعیتش مورد سؤال قرار می گیرید».

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. صافات / ۲۴ و ۲۵.

۶. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶.

۱. سبأ / ۴۶.

۲. صحیفه امام خمینی رحمته الله، ج ۱۹، ص ۳۹۹.

۳. کهف / ۲۹.

امام خمینی رحمته الله علیه نیز در بیان گهرباری فرمودند: «همه مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم ... مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟»^۱

۷. ضرورت حفظ امنیت و جلوگیری از ایجاد اغتشاش علیه حکومت اسلامی

امیرالمومنین امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، سه عامل و زمینه برای ایجاد ناامنی و اغتشاش علیه حکومت را مطرح می کند که هر سه مورد به تعامل و ارتباط میان مردم و مسئولین مربوط می شود، این سه عامل عبارتند از:

۱. وجود اختلاف طبقاتی میان مردم و مسئولان حکومتی^۲، ۲. دریافت مالیات از مردم با الگوی غیر مؤمنانه و غیر رحمانی^۳، ۳. ورود اطرافیان و خویشاوندان مسئولین به حوزه حکومت و کار اقتصادی از طریق رانت و اختلاس^۴.

امام خمینی رحمته الله علیه: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می شود و با این نشانه گیری هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک، نسبت به این مولود شریف می شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی کند.»^۵

بنابر مطالب بیان شده، مطالبه گری دو بعد دارد، اول آن که مطالبه گری یکی از تکالیف و حقوق مسلم مطالبه گران است که اعتراض، طلب و درخواست به هنگام، ارائه راهکار و توجیه و آگاه سازی و دغدغه مندسازی مسئولان حاکمیتی، مصادیق و جلوه هایی از این بعد می باشد و جنبه دیگر مطالبه گری، پاسخگویی، حکمرانی مطلوب، مدیریت، تدبیر و تلاش مناسب مسئولان حکومتی با به کارگیری همه ظرفیت های موجود برای تغییر شرایط کنونی و حرکت به سوی آرمان شهر مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱. صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۸، ص ۴۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱۹، ص ۱۵۳.

حفظ صحت و عافیت

«بخش پنجم»

محمد اسماعیل نوری زنجانى*

اشاره

در مقالات پیشین (مبلغان ۲۶۵، ۲۶۶ و ۲۶۸) در مورد تغذیه صحیح در سبک زندگی اسلامی، چهار سؤال (چه بخوریم و بنوشیم؟ چه وقت بخوریم و بنوشیم؟ چقدر بخوریم و بنوشیم؟ چگونه بخوریم و بنوشیم؟) مطرح کردیم که به سؤال اول و دوم پاسخ داده شد. در این مقاله به پاسخ سؤال سوم (چقدر بخوریم و بنوشیم؟) می پردازیم.

چقدر بخوریم؟

در مورد این که چقدر بخوریم، باید گفت: فقط باید به مقدار نیاز بدن خورد، نه کم تر و نه بیش تر؛ چرا که کم خوردن و پُرخوری، هر دو مضر است.

پرهیز از پرخوری

علاوه بر این که انسان نباید در حال سیری غذا بخورد، در حال گرسنگی نیز نباید بیش از حد نیازش بخورد؛ بلکه باید یکی دو لقمه قبل از سیر شدن، دست از غذا بکشد؛ زیرا غذای اضافی نه تنها مفید نیست؛ بلکه ضرر هم دارد.

در «رساله ذهبیه» منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است: «هر کس بیش از نیازش غذا بخورد، جذب بدنش نخواهد شد و کسی که به اندازه نیازش غذا بخورد

*. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان (پردیس طالقانی).

- نه کم و نه زیاد - مفید خواهد بود و آب نیز همین طور است. راه و روش آن چنین است که از هر نوع غذا در زمان خودش، به اندازه نیازت مصرف کنی و در حالی که هنوز میل به خوردن داری، دست از غذا بکشی؛ زیرا این روش موجب صحت بدن، رشد عقل و علم است و برای نفس و روح نیز خفیف بوده و بار سنگینی نخواهد شد. ان شاء الله.^۱

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده: برادرم عیسی علیه السلام از شهری می گذشت، مرد و زنی را دید نزاع می کنند و صدایشان بلند شده، پرسید: چه شده است؟ مرد گفت: ای پیامبر خدا! این زن من صالحه است و هیچ مشکلی ندارد؛ اما می خواهم از او جدا شوم. فرمود: مگر مشکلت چیست؟ گفت: بدون این که سنتش زیاد باشد، چهاراش بی طراوت شده و پیر دیده می شود. به زن فرمود: دوست داری طراوت چهرهات

برگردد (جوان بشوی)؟ عرض کرد: آری. فرمود: «إِذَا أَكَلْتَ فَإِيَّاكَ أَنْ تَشْبَعِي؛ لِأَنَّ الطَّعَامَ إِذَا تَكَاثَرَ عَلَى الصَّدْرِ فَزَادَ فِي الْقَدْرِ، ذَهَبَ مَاءُ الْوَجْهِ؛ مَوْجِعَ غِذَا خُورِدِن، از سیر شدن پرهیز؛ زیرا هرگاه غذا بر سینه سنگینی کند و بیش از اندازه باشد، طراوت صورت را از بین می برد.» آن زن به این دستور عمل کرد تا طراوت صورتش بازگشت (و جوان شد).^۲

به طور کلی، در بهره گیری از مادیات و لذت های دنیوی، همیشه باید اعتدال را رعایت کرد؛ چون قرآن کریم می فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^۳ «بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد».

سعدی شیرازی چه خوب گفته است: نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندان که از ضعف، جانت برآید با آن که در وجود طعام است عیش نفس رنج آورد طعام که بیش از قدر بُود

۱. الرسالة الذهبية، منسوب به امام رضا علیه السلام، تحقیق: محمد مهدی نجف، دار الخيام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق، ص ۱۴؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۳۱۱.

۲. علل الشرائع، شیخ محمد بن علی بن بابویه صدوق، کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰، ح ۲۵.

 ۳. اعراف/ ۳۱.

گر گل شکر خوری به تکلف زیان کند
ور نان خشک دیر خوری، گل شکر بود
معه چوپر گشت و شکم درد خاست
سود ندارد همه اسباب راست^۱
نقل می کنند که هارون الرشید طبیبی
مسیحی داشت که مهارت او در طب
معروف بود. روزی این طبیب به علی بن
حسین واقدی (یکی از دانشمندان اسلامی)
گفت: من در کتاب آسمانی شما چیزی از
طب نمی یابم، در حالی که دانش مفید بر
دو گونه است: علم ادیان و علم ابدان!

واقدی در پاسخش گفت: خداوند
تمام دستورات طبی را در نصف آیه از
کتاب خود آورده است: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ
لَا تُسْرِفُوا﴾^۲ «بخورید و بیاشامید؛ ولی
اسراف نکنید!» و پیامبر ما ﷺ نیز طب
را در این دستورش خلاصه کرده است:
«الْمَعْدَةُ بَيْتُ الْأَدْوَاءِ وَالْحِمْيَةُ رَأْسُ كُلِّ
دَوَاءٍ، وَ أَعْطِ كُلَّ بَدَنِ مَا عَوَّدَتْهُ»^۳ معده،

خانه تمام بیماری هاست و
امساك (پرهیز) سرآمد تمام داروها. به
بدن آن چه را که عادت داده ای (از
عادات صحیح و مناسب) همان را
بده!» هنگامی که طبیب مسیحی این
سخن را شنید، گفت: «مَا تَرَكَ كِتَابُكُمْ وَ
لَا نَبِيُّكُمْ لِجَالِينُوسَ طَبَّاءٍ؛ قرآن و پیامبران
برای جالینوس (طبیب معروف یونانی)
طبی باقی نگذاشته است»^۴.

در سخنان حضرت علی علیه السلام آمده
است: «لَا تَجْتَمِعُ الصِّحَّةُ وَاللَّهْمُ؛^۵ صحت
بدن با حریص بودن به غذا و افراط در
خوراک جمع نمی شود.» و عکس آن در
سخنان آن حضرت چنین آمده است: «لَا
تَجْتَمِعُ الْجُوعُ وَالْمَرَضُ؛^۶ گرسنگی

۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۶۰؛ والدعوات (سلوة الحزین)،
قطب الدین راوندی، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام،
قم، ۱۴۰۷ق، ص ۷۷، ح ۱۸۶ آمده است.

۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن
طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم،
۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۳۹.

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن
محمد تمیمی آمدی، تحقیق: مصطفی درایتی،
انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ش،

ص ۸۳، ح ۱۱۱۶۶.

۶. همان، ح ۱۱۱۶۷.

۱. کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی،
انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ش، گلستان، باب
سوم، ص ۱۰۲.

۲. اعراف/ ۳۱.

۳. مضمون فوق با تفاوت مختصر، در مناقب آل
ابی طالب علیه السلام، ابن شهر آشوب، نشر عاقله، قم،



(کم خوری) با مریضی جمع نمی شود. حاصل دو حدیث این است: شخص پرخور سالم و کم خور مریض نمی شود. و در حدیث دیگر از آن جناب آمده: «لَا تُتَالُ الصَّحَّةُ إِلَّا بِالْحُمِيَّةِ»^۱ به صحت و عافیت نمی توان رسید، مگر با پرهیز و امساک.

لقمه اندازه خورای مرد حریص! گرچه باشد لقمه حلوا و خبیص!^۲

پرخوری؛ عامل مرگ دل

پرخوری علاوه بر این که از نظر مادی موجب مرض و فساد جسم می شود، از نظر معنوی نیز باعث مرگ دل انسان می گردد. از رسول خدا ﷺ روایت شده: «لَا تُمِثُّوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزَّرْعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ»^۳ با زیادی غذا و نوشیدنی باعث

مرگ قلب ها نشوید؛ چون قلب ها مثل زمین زراعتی هستند که هرگاه آب زیادی به آن داده شود، فاسد می گردد. در حدیث دیگر می فرمایند: «لَا تَشْبَعُوا فَيُظْفَأُ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ»؛ هنگام سیری غذا نخورید تا نور معرفت از دل هایتان خاموش نگردد.

فواید ترک پرخوری

پس از آشنایی با مضرات پرخوری، بهتر است با فواید ترک پرخوری نیز آشنا شویم. پرخوری نکردن و اکتفا به مقدار لازم، فواید مادی و معنوی زیادی به همراه دارد. مهم ترین فایده مادی آن، صحت و سلامت بدن است. برخی از فواید معنوی آن عبارت است از: حیات و بیداری دل، مقدمه کسب علم و حکمت، سبب رشد و تعالی روح انسان و موجب تقرب به خدا.

به سند موثق از امام صادق علیه السلام روایت شده: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ وَأَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزًّا وَجَلًّا إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ»^۴

۱. همان، ح ۱۱۱۷۱.

۲. خبیص، غذای مخصوصی است که از خرما، کشمش و روغن درست می کنند. (مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، نشر مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۱۶۷).

۳. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، نشر شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق/۱۳۷۰ ش، ص ۱۵۰.

۴. همان.

۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۴.

نزدیک ترین حالت بنده به خدا زمانی است که شکمش سبک باشد و مبعوض ترین حال او به خدا وقتی است که شکمش پر باشد».

از رسول خدا ﷺ ضمن حدیث مفصّلی روایت شده: «الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوفِ الْبَطْنِ، الْقَلْبُ يَجُجُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ امْتِلَاءِ الْبَطْنِ؛ قلب موقع خالی بودن شکم، حکمت را دریافت کرده، قبول می کند؛ اما هنگام پر بودن، حکمت را دفع می کند و نمی پذیرد».

اندرون از طعام خالی دار تا در او نور معرفت بینی تهی از حکمتی به علت آن که پُری از طعام تا بینی^۱ از امام باقر علیه السلام روایت شده: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ»^۲ هیچ چیزی نزد خدا مبعوض تر از شکم پر نیست». در روایت دیگر از

پیامبر ﷺ آمده: خدا می فرماید: من پنج [نعمت] را در پنج [مورد] قرار داده ام؛ ولی مردم آن ها را در پنج [مورد دیگر] می جویند و نمی یابند. یکی: «وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْجُهْدِ، وَالتَّائِسُ يَطْلُبُونَهُ بِالشُّبْعَةِ وَالرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛ علم را در گرسنگی و سعی و تلاش قرار داده ام؛ اما مردم در سیری و راحتی می جویند و نمی یابند».

توصیه آخوند همدانی

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله در نامه ای به شیخ حسین غروی اصفهانی رحمه الله نوشت: مرحوم مغفور آخوند ملاحسینقلی همدانی رحمه الله می فرمود: انسان بایستی که مقداری از خوراک و غذایش را کم کند و از استراحت و خواب خود بکاهد، تا جنبه حیوانیت در او کاسته شود و ابعاد روحانی بیش تری به دست آورد. میزان آن را هم چنین فرمود که: انسان روز و شب بیش از دو مرتبه غذا نخورد و از خوراکی ها در بین دو غذا استفاده نکند. هروقت غذا می خورد، بایستی مثلاً یک ساعت بعد از گرسنگی باشد و آن قدر بخورد که تماماً سیر نشود و باز هم میل به غذا داشته باشد.^۴

۱. تنبیه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة وزام)، ورام بن أبی فراس، مكتبة فقهية، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. کلیات سعدی، گلستان، ص ۸۲.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، شیخ محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۲۴۸، ح ۳۰۴۵۹.

۴. توصیه های پزشکی عارفان، ج ۲، ص ۳۰.



مقدار استفاده از مایعات

در پاسخ این سؤال که: از آب و مایعات دیگر چه مقدار می‌توان استفاده کرد؟ باید گفت: نوشیدنی‌ها نیز همانند خوردنی‌ها باید در حد نیاز بدن مصرف شوند؛ زیرا در عین حالی که نوشیدن آب و مایعات دیگر برای بدن انسان لازم و ضروری است، ولی با این حال، زیاده‌روی در نوشیدن آب نیز مضر است.

امام صادق علیه السلام ضمن نصیحت به شخصی، فرمودند: «أَقْلَلْ شُرْبَ الْمَاءِ فَإِنَّهُ يَمْدُ كُلَّ دَاءٍ وَاجْتَنِبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ؛ آب خوردن را کم کن؛ زیرا [زیاده‌روی در] آن، درد را گسترش می‌دهد و چندی که بدنت تحمل دارد، از خوردن دارو پرهیز!» و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت شده: «لَا تُكْثِرْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ؛^۱ بیش از اندازه آب ننوش که آن، ریشه هر درد است».

در حدیث موثق «سکونی» از آن حضرت آمده: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَكَلَ الدَّسَمَ، أَقْلَلَ شُرْبَ الْمَاءِ. فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ

اللَّهِ! إِنَّكَ لَتَقُلُّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؟ قَالَ: هُوَ أَمْرٌ لَطَعَامِي؛^۳ هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله غذای چربی می‌خورد، آب کم میل می‌فرمود. گفته شد: یا رسول الله! چرا شما آب کم می‌نوشید؟ فرمود: این برای غذایم گوارتر است».

«معاویة بن عمار» از امام صادق علیه السلام روایت کرده: «مَنْ أَقْلَلَ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ صَحَّ بَدَنُهُ؛^۴ هر کس از آب خوردنش بکاهد، بدنش سالم خواهد بود.» البته مصرف آب کم‌تر از نیاز بدن قطعاً مضر است و نیاز بدن هر کس در یک شبانه روز متفاوت است و به نوع فعالیت و عرق کردن بدن بستگی دارد. یکی از متخصصان تغذیه می‌نویسد: «سعی کنید روزانه [حداقل] شش لیوان آب میل کنید (به طور کلی، در طول روز به اندازه نیاز روزانه آب مصرف شود) توصیه می‌شود که ترجیحاً آب چشمه سالم باشد؛ نیم ساعت قبل از غذا و ۲/۵ ساعت بعد از غذا».^۵

۳. المحاسن، احمد بن محمد خالد برقی، دار الکتب

الاسلامیة، قم، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۵۷۲، ح ۱۳.

۴. همان، ح ۱۲.

۵. اروغان الهی، جمشید خدادادی، ندای سینا، تهران،

چاپ سوم، ۱۳۹۳ش، ص ۸۳.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۲.

۲. همان، ح ۴.

بی میلی خانواده‌ها به فرزندآوری به دلیل هزینه‌مندی آن

«بخش دوم»

علی ملکوتی‌نیا*

مقدمه

کمرشکن است و درآمد ما جوابگوی مخارج امروز ما نیست، چه رسد به فردا که همه چیز گران‌تر و شرایط زندگی سخت‌تر خواهد شد و در شرایط مزبور، به دنیا آمدن فرزند نیز هزینه‌هایی را به ما تحمیل می‌کند که در تأمین آن‌ها عاجز خواهیم بود.

نوشتار پیش‌رو به بررسی و نقد دلیل هزینه‌مندی در توجیه بی میلی خانواده‌ها به فرزندآوری پرداخته است. در شماره قبل (۲۶۹ مبلغان) به دو اشکال جدی بر دلیل هزینه‌مندی اشاره شد. در این شماره به برخی دیگر از اشکال‌ها می‌پردازیم.

۳. نگرانی از آینده

به نظر می‌رسد این‌گونه افراد تصور می‌کنند خودشان به تنهایی متکفل رزق و روزی فرزندان هستند و غصه رزقِ فرداهای نیامده را بر امروز خود حمل می‌کنند. در صورتی که خداوند متعال رزق هر موجودی را به شکل جداگانه‌ای مقدر نموده، برای هر روز و هر سالی، رزق مشخصی در نظر گرفته است.

برخی افراد در توجیه بی میلی خود به فرزندآوری، به این نکته اشاره می‌کنند که هزینه‌های فرزندداری، طاقت‌فرسا و

*. استاد حوزه علمیه قم، دانش‌آموخته دکتری تخصصی (دانشگاه قرآن و حدیث) و کارشناس خانواده و جمعیت. آیدی ایتا: @alim۲۲۰۰.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ [يَكُنْ] مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ»^۱ ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت میفز؛ چراکه اگر آن روز از عمر تو باشد، خداوند روزی تو را در آن خواهد داد».

و در جای دیگری می فرمایند: «ای فرزند آدم! رزق دوگونه است: یکی آن رزقی که تو به دنبالش می روی و دیگری رزقی که به دنبال تو می آید و اگر به دنبالش نروی، باز هم به سراغ تو خواهد آمد، پس غم تمام سال را بر غم امروزت اضافه مکن؛ زیرا غم هر روز برای آن روزت کافی است. اگر در تمام سال زنده بمانی و جزء عمر تو باشد، خداوند هر روز، آن چه را که برای تو معین کرده است، به تو می دهد و اگر تمام آن سال جزء عمر تو نباشد، چرا غم و اندوه چیزی را بخوری که مربوط به تو نیست؟ (بدان) هیچ کس پیش از تو نمی تواند روزی تو را دریافت کند و یا آن را از

دست تو بیرون ببرد و آن چه برای تو مقدّر شده است، بدون تأخیر به تو می رسد».^۲

با این توضیح، نگرانی از هزینه هایی که فرزند با آمدن خود به بار می آورد، نگرانی بیهوده ای است. برخی هزینه تمام مدت زندگی فرزند را بر لحظات امروز خود بار می کنند، در صورتی که هزینه های جاری برای پرورش فرزند، بر طول سال های زندگی تقسیم می شود. مولوی در «مثنوی معنوی» در رابطه با همین موضوع، داستان گاوی را می گوید که هر روز از صبح تا شب در مزرعه سرسبزی می چرید و علف های آن را می خورد و بعد از سرشب تا صبح غصه می خورد که فردا چه کنم؟ در نتیجه بر اثر نگرانی های مستمر شبانه، بسیار لاغر و نحیف می شد. وی پس از نقل این داستان، می گوید:

۲. «يَا ابْنَ آدَمَ الرَّزْقُ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ لَمْ يَأْتِهِ أَتَاكَ فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ كَفَاكَ [كُلَّ يَوْمٍ] كُلَّ يَوْمٍ عَلَى مَا فِيهِ فَإِنْ تَكُنَ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ غَدٍ جَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ وَإِنْ لَمْ تَكُنَ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَمَا تَصْنَعُ بِالْهَمِّ فِيمَا لَيْسَ لَكَ وَ لَمْ يَشِقْكَ لَنْ يَشِقْكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ وَلَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ وَلَنْ يَبْطِئَ عَنْكَ مَا قَدْ قُدِّرَ لَكَ». همان، حکمت ۳۷۹.

۱. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ اول، حکمت ۲۶۷.

نفس، آن گاو است و آن دشت، این جهان که همی لاغر شود از خوف نان که چه خواهم خورد مستقبل عجب قوت فردا از کجا سازم طلب سال ها خوردی و کم نامد ز خور ترک مستقبل کن و ماضی نگر لوت و پوت خورده راهم یار منگر اندر غابر و کم باش زار^۱ نتیجه آن که انسان باید به جای نگرانی از آینده نیامده، کمی به گذشته خود بنگرد که چگونه آمد و گذشت و نگرانی از رزق آن، بی جا بود، پس فردا نیز از راه خواهد رسید. خدایی که رزق دیروز ما را رساند، رزق فردای ما و فرزندان مان را نیز می رساند.

علاوه بر آن چه گفتیم، دل مشغولی مادی و نگرانی از آینده فرزندان، نشانه زیاده خواهی و افزون طلبی است. به همین دلیل، اولین عامل، حرص و طمع به شمار می آید. به گفته مرحوم نراقی رحمه الله همین حالت نفسانی، انسان را به گردآوردن آن چه فعلاً نیاز ندارد، برمی انگیزد، بی آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند.^۲

با این توضیح، زنان و مردانی که نگران آینده فرزندان نیامده خود هستند، دچار رذیله «حرص» اند و برای درمان آن باید به قناعت و رضایت روی آورند و در زندگی به مقدار ضرورت اکتفا کنند. آینده اقتصادی هر فرد به سرنوشت الهی و به تلاش وی بستگی دارد و فرزندان ما نیز سهمی از رزق الهی داشته، از قدرت تلاش و توانایی کار برخوردارند.

۴. عدم توجه به جنبه تولیدکنندگی فرزندان

در دلیل «هزینه مندی فرزندان» و فرزندپروری، فقط به جنبه مصرف کننده بودن فرزندان تکیه شده است، در صورتی که فرزندان جنبه تولیدکنندگی و حمایت اقتصادی از والدین را نیز دارند. توضیح آن که فرزندان فقط برای مصرف، متولد نمی شوند؛ بلکه آن ها صاحب فکر، اندیشه و نیرو نیز هستند که عنصری مهم در رشد اقتصادی و تقویت تولید به شمار می آیند. با این حساب، فرزند بیش تر می تواند با بهره وری مادی و معنوی، یکی از عوامل موفقیت اقتصادی خانواده

۱. مثنوی معنوی، جلال الدین محمد مولوی (مولانا)،

دفتر پنجم، بخش ۱۲۵.

۲. جامع السعادات، ملا احمد نراقی، نشر محمد

کلانتر، نجف، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۷.

باشد؛ زیرا فرزندان، ماشین مکانیکی نیستند که از خود خلاقیت و برنامه‌ریزی نداشته باشند؛ بلکه اراده و تلاش آن‌ها یک عنصر بسیار مهم و تعیین‌کننده در مدیریت زندگی خود و زندگی والدین‌شان است؛ چه این‌که تجربه نشان داده است، بسیاری از فرزندان پس از رشد و یافتن توانمندی‌های اقتصادی، زندگی پدر و مادر خود را نیز تأمین می‌کنند؛ یعنی فرزندان می‌توانند در مسیر بزرگ شدن، با فعالیت اقتصادی در درآمد و رفاه خانواده سهیم باشند و به معنای واقعی کلمه «عصای دوران پیری» والدین خود گردند. بنابراین، فرزندان با والدین بیگانه نیستند که هزینه کردن برای آن‌ها خسارت باشد؛ بلکه فرزندان بخشی از پدر و مادر و جانشین آن‌ها هستند. در نتیجه، فرزندان ضمن پشتیبانی مالی از والدین، برای آن‌ها اعتبار و جایگاه مادی و معنوی نیز تولید می‌کنند. البته جنبه‌های تولیدکنندگی فرزندان فقط به موارد یادشده منحصر نمی‌شود.

۵. عدم امکان محاسبه منافع و هزینه‌های فرزندآوری

ممکن است پایه این سخن که: «فرزندآوری و فرزندپروری، هزینه‌بردار است» این باشد که فرزند کم‌تر، هزینه کم‌تری را بر خانواده تحمیل می‌کند و هر چیزی که هزینه کم‌تری داشته باشد، بهتر است. در پاسخ باید گفت: همیشه این طور نیست که هر چیز دارای هزینه کم‌تر، بهتر باشد؛ بلکه گاهی برای دستیابی به چیزهای بهتر، لازم است هزینه‌های کلان صرف شود.

در بررسی دقیق‌تر باید از طرفداران این اندیشه پرسیم: مراد از «هزینه کم‌تر» و «بهتر»، کدام وضعیت است؟ از آن‌جا که کلمه‌های بهتر، کم‌تر و بیش‌تر، مفاهیمی نسبی و لغزان‌اند، تاکنون کسی نتوانسته معیاری روشن به دست دهد که تا چه حد کم یا مناسب و تا چه اندازه بیش‌تر و بهتر است. از این‌رو، برای دستیابی به تصویری درست از ادعا، لازم است خانواده‌های محترم منظور خود را به‌طور مشخص از این واژگان بیان کنند تا امکان نفی یا اثبات ادعا فراهم شود.

افزون بر این، واقعیت آن است که محاسبه منافع و هزینه‌های فرزندان،

هیچ‌گاه به صورت حساب‌شده و دقیق، ممکن نیست. از این جهت، نمی‌توان به طور قاطع حکم کرد که هزینه‌های فرزندآوری نسبت به منافع آن بیش‌تر است؛ زیرا بسیاری از جنبه‌های ناپیدای مادی و معنوی فرزندآوری، در تصور عادی ما نمی‌گنجد.

۶. تصور نامعلوم از وضع اقتصادی مطلوب

بسیاری از خانواده‌ها مسائل و مشکلات اقتصادی را عامل خودداری از فرزندآوری خود اعلام می‌کنند و معتقدند همسران تا به وضعیت اقتصادی مطلوب نرسند، نباید به فرزندآوری اقدام کنند. این سخن شاید تا اندازه‌ای و درباره بخشی از خانواده‌ها درست باشد؛ ولی بیش‌تر مردم در اظهارات خود، تصور و تعریف مشخصی از وضع اقتصادی مطلوب به دست نمی‌دهند؛ بلکه برخی به دلیل رفاه‌طلبی و رواج فرهنگ تجمل، وضعیت اقتصادی مطلوب را با فراهم شدن همه امکانات، شامل درآمد بالا، خانه ملکی، خودرو شخصی، لوازم زندگی کامل و نظایر آن مترادف می‌دانند.

مجموع هزینه‌های روزمره برخی از خانواده‌ها به گونه‌ای است که با همین

وضعیت موجود می‌توانند هزینه‌های ۳ تا ۵ فرزند را پردازند؛ ولی باز معتقدند که هنوز از وضع اقتصادی مطلوبی برای فرزندداری برخوردار نیستند. بنابراین، همواره مسائل اقتصادی، در تمایل به فرزندآوری نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ بلکه آن چه مانع از این کار می‌شود، ایده‌آل‌نگری به وضعیت اقتصادی است که پایین‌ترین و بالاترین سطح آن مشخص و قابل اندازه‌گیری نیست.

۷. عدم تفکیک تقاضاهای واقعی از غیرواقعی

همواره این‌گونه است که نیازها و تقاضاهای انسان، مبدأ دغدغه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی اوست و تقاضا به معنای «میل به تملک چیزی که نیازی را برطرف می‌کند»، گاهی از عقل و گاه از نفس انسان ناشی می‌شود. تقاضاهای واقعی منشأ عقلانی دارند، ناظر به نیازهای واقعی انسان هستند و تقاضاهای غیرواقعی که از نفس انسان سرچشمه می‌گیرند، در پی احساس نیازهای کاذب پدید می‌آیند.

از آن جا که کنترل تقاضاها به شناخت نیازهای واقعی منوط است، باید نخست نیازهای واقعی شناخته شوند و تنها در این صورت است که انسان از دام

نیازهای بی‌شمار غیرواقعی نجات پیدا می‌کند.^۱ بنابراین، کسانی که ضمن شناخت نیازهای واقعی، مدیریت صحیحی از دخل و خرج خود دارند، کم‌تر دچار اضطراب اقتصادی می‌شوند؛ زیرا به گونه‌ای از موجودی خود استفاده می‌کنند که با هزینه کم‌تر، به نیازهای واقعی بیش‌تری پاسخ مناسب دهند.

افرادی که تصمیم به فرزندآوری را منوط به توانمندی در رفع نیازها و تقاضاهای اقتصادی خود و فرزندان می‌دانند، در بسیاری از اوقات، هیچ‌گونه تفکیکی میان تقاضاهای واقعی از غیرواقعی ترتیب نداده‌اند. در صورتی که ممکن است بخشی از دغدغه‌های اقتصادی افراد، برآمده از تلاش برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای کاذب باشد. به طور قطع، بسیاری از آن‌چه که خانواده‌ها به عنوان «نیازهای فرزندان» مطرح می‌کنند، در واقع نیازهای کاذب و غیرضروری هستند. مواردی از قبیل:

اسباب بازی‌های گران‌قیمت، سیسمونی با سرویس کامل برای خردسالان، پوشاک بر اساس مُد روز، تحصیل در مدرسه غیرانتفاعی، معلم خصوصی، کلاس زبان، کلاس موسیقی، دوچرخه، تبلت، گوشی همراه و ده‌ها تقاضای دیگر برای کودکانی که در دوره دبستان به سر می‌برند، از جمله مسائلی است که با نیاز واقعی فرزندان، فاصله زیادی دارد. با این توضیح، ریشه برخی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اقتصادی در راستای فرزندآوری، به نیازها و تقاضاهای غیرواقعی و خودساخته بر می‌گردد.

۸. مشخص نبودن الگوی مصرف مطلوب

به نظر می‌آید یکی از دلایل دغدغه اقتصادی کسانی که در تصمیم به آوردن یا نیاوردن فرزند، دچار تردید هستند، مشخص نبودن الگوی مصرف مطلوب در زندگی آن‌هاست. بدون تردید، مصرف در حوزه‌های فردی (مانند: خوارکی‌ها و پوشاک، وسایل زندگی، مصارف بهداشتی و...) و حوزه‌های اجتماعی (از قبیل: همیاری در توازن مصرف عمومی، رسیدگی به محرومان و نیازمندان، مراسم‌ها و مهمانی‌ها)، نیاز به الگو و شاخص‌های

۱. اصلاح الگوی مصرف از منظر اخلاقی، علیرضا موفق، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۲.

عملی دارد تا فعالیت‌های اقتصادی انسان به افراط یا تفریط منجر نشود.

اجمال در الگوی مصرف مطلوب، پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؛ کسانی که برای مصرف خویش الگویی ندارند، همواره خود را با کسانی مقایسه می‌کنند که ثروتمندترند و به این ترتیب، همیشه از جایگاه نسبی خویش ناراضی خواهند بود. به این جهت، به تجمّل‌گرایی، رقابت کودکانه و تقلید کورکورانه تن می‌دهند که نتیجه‌اش اسراف (خروج از حد و مرزها) و تبذیر (بی‌حساب خرج کردن) خواهد بود. سرانجام، بر اثر حرکت در مسیر مصرف‌گرایی بی‌ضابطه، ارزش‌های اخلاقی، از جمله: قناعت، شکر، توکل، انفاق، صبر، رضا، احسان و نظایر آن در نظر افراد، پوچ و بی‌ارزش تلقی می‌شود.

نکته مهم‌تر دیگر این که مصرف، هویت‌ساز است. به اعتقاد جامعه‌شناسان، خرید کالا و مصرف آن، موضوعی مربوط به نشانه‌های فرهنگی یک جامعه است؛ یعنی نوع خرید و مصرف یک جامعه، نشانگر هویت و باطن آن ملت می‌باشد. به گفته «ژان بودریار» جامعه‌شناس فرانسوی: مصرف،

یک فرآیند مادی نیست؛ بلکه عبارت است از روندی [زنده و پویا]^۱ که در آن خریدار یک قلم کالا، با نمایش کالاهای خریداری شده به صورتی فعال، برای خلق و حفظ یک هویت می‌کوشد؛ یعنی مصرف‌کنندگان، اقلامی چون پوشاک، خوراک، تزئینات بدلی، مبلمان یا سبک تفریح را برای بیان حسّ از پیش موجود [خود]؛ این که چه کسی هستند، نمی‌خرند؛ بلکه آن‌ها حس هویت چه کسی بودن را از طریق آن چه مصرف می‌کنند، به دست می‌آورند.^۲

این بدان معناست که افراد با نوع مصرف روزمره، شخصیت و شاکله متناسب با آن را برای خود ایجاد می‌کنند. به این سبب، جامعه‌شناس دیگری به نام «بودریو» در کتاب خود با عنوان «تمایز»، به تحلیل این امر پرداخته است که چگونه برخی افراد، از میان تمام چیزها؛

۱. فرآیند رفتار خرید و مصرف از سوی مشتری، پنج مرحله دارد: شناخت مشکل (نیاز)، جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی گزینه‌ها، خرید و ارزیابی پس از خرید.

۲. مصرف، رابرت باکاک، ترجمه: خسرو صبری دشتی، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۱ ش، صص ۱۰۰-۱۰۲.

انواع کالاهای مصرفی، روش عرضه خوراک، غذا خوردن، مبللمان و تزئین داخلی منزل را به کار می‌گیرند تا سبک زندگی مجزای خویش را مشخص کنند و خود را از دیگران متمایز سازند.^۱

علاوه بر مصرف برای تمایز، گونه‌ای دیگر از مصرف، مصرف تظاهری (نمایشی) است. نمایش: پول و ثروت، ظاهر بدن و قیافه، تجملات زندگی، قدرت خرید و اعتبار اجتماعی، مدل تلفن همراه و خودروی شخصی و... نوعی از مصرف است که افراد به وسیله نمایش آن‌ها تلاش می‌کنند خود و موقعیت فردی و اجتماعی‌شان را به رخ دیگران بکشند.^۲

نکته دیگر آن‌که از منظر روانشناسی، علاقه به گران یا ارزان بودن کالا و توجه به تبلیغات، برندها و نشانه‌ها در خرید وسایل زندگی، اعم از: اتومبیل، وسایل برقی، پوشاک، خوراک و... نشانگر تمایلات و روحیات انسان‌ها و حکایت‌گر

تعلقات قلبی آن‌ها نیز به شمار می‌آید. در نتیجه، موضوع مصرف در زندگی انسان، جایگاه هویت‌سازی دارد. بنابراین، عدم برخورداری از الگوی مصرف مطلوب، هویتی متمایز از گذشته به وجود می‌آورد. از این رو، یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های پیامبران و پیشوایان دینی، ارائه سبک درست زندگی در حوزه‌های مختلف، به خصوص در مسائل اقتصادی است که بیان باید‌ها و نبایدهای تولید، فروش، خرید و مصرف، از جمله این مأموریت‌ها می‌باشد تا بدین وسیله یکایک افراد جامعه بتوانند به صورت آگاهانه و آزادانه، با تنظیم تعاملات اقتصادی خود به شکلی سالم، به رشد و کمال فردی و اجتماعی دست یابند.

به این خاطر قرآن کریم با جدیت و قاطعیت تمام، در برابر درآمدهای نجومی و مصرف تظاهری (نمایشی) و اشرافی برخی از افراد جامعه، عکس‌العمل نشان داده و همگان را به کسب حلال، قناعت، ساده‌زیستی، انفاق، زهد و وارستگی از دنیا سفارش می‌کند و از حرص، طمع، اسراف و مصرف مافوق کفاف پرهیز می‌دهد و آثار و پیامدهای بی‌تقوایی در مسائل

۱. همان، ص ۹۲.

۲. مدیریت شهری و سبک زندگی، محمدباقر تاج‌الدین، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۴۵.

اقتصادی را نیز گوشزد می نماید؛ زیرا رفاه زدگی و فخر فروشی در سایه مصرف مترفانه^۱ موجب می شود، افراد جامعه نه تنها خود اهل فساد و تباهی باشند؛ بلکه دیگران را نیز به فساد بکشانند.

قرآن کریم در این باره قصه زندگی قارون را مثال زده است که: ﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ * وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَفْسِدِينَ﴾^۲ «همانا قارون از قوم موسی (علیه السلام) (پسرعموی حضرت و مأمور دریافت مالیات فرعون از بنی اسرائیل) بود، پس بر آنان تعدی و ستم نمود و از گنجینه های اموال، آن اندازه به او داده

بودیم که کلیدهای آن ها بر گروه نیرومند سنگینی می کرد. (به یاد آر) زمانی که قومش به او گفتند: سرمستی مکن؛ زیرا خداوند سرمستی کنندگان را دوست ندارد و در آن چه خداوند به تو داده خانه آخرت را بطلب و سهم خود را از (عمر و مال) دنیا فراموش مکن (و تحصیل آخرت کن) و (به دیگران) نیکی کن، همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است! و روی زمین در جست و جوی فساد مباش؛ زیرا خداوند فسادانگیزان را دوست ندارد».

خداوند متعال در این آیه، شیوه نادرست مصرف و تصرفات قارون را در اموال مورد نکوهش قرار داده، الگوی مصرف او را ناپهنجار و ضد اخلاقی ارزیابی نموده است؛ زیرا از نظر خداوند متعال این گونه رفتارهای اقتصادی، زمینه تباهی و فروپاشی جامعه را فراهم ساخته و موجب نزول عذاب خواهد بود.^۳

۱. مُتَرَفٌ از «التَّرَف» به معنای بیماری مال پرستی و نعمت زدگی است که فرد از فرط ثروت، دارایی های خود را در راه معصیت الهی به مصرف می رساند (مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، مکتبه النشر الثقافت الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۳۰).

۲. قصص/ ۷۶-۷۷.

۳. هود/ ۱۱۶؛ ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾؛ «پس چرا از اجتماعات انسانی پیش از شما (مانند قوم نوح، هود، صالح و لوط علیهم السلام) صاحبان عقل و درایتی نبودند که (مردم را) از فساد در روی زمین بازدارند (تا آن گونه

علاوه بر آن چه گفتیم، عوارضی از قبیل: ضایع کردن حقوق دیگران، فخرفروشی، بخل، حسادت و هتک حرمت دیگران، جنگ و خونریزی، از پیامدهای قطعی «مصرف اسراف کارانه و قارونی» است که خداوند متعال در یک جمله از آن پرهیز داده و فرمود: ﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾^۱ «و فرمان اسراف کاران را پیروی نکنید؛ آنان که در زمین فساد می کنند و (هرگز) به اصلاح نمی پردازند».

بنابراین، بسیاری از افرادی که در توجیه ممانعت خود از فرزندآوری، مسائل و مشکلات اقتصادی را پیش می کشند، مسئله اصلی آن ها اقتصاد و درآمد مالی نیست؛ بلکه مشکل آن ها راضی نبودن از وضعیت اقتصادی موجود است، پس همیشه تغییر شرایط زندگی خود به وضعیتی بهتر را انتظار می کشند و معلوم است، تا زمانی که این گونه افراد برای مصرف مطلوب خود، الگو و شاخصی مشخص

نکنند، وضعیت بهتری که در انتظار آن هستند، هیچ گاه رخ نخواهد نمود.

۹. آلودگی به ویروس زیاده خواهی

به نظر می رسد، گاهی راضی نبودن افراد از وضعیت اقتصادی موجود، نتیجه زیاده خواهی آن ها است. زیاده خواهی، حالت و کنشی است که انسان با هیچ چیزی سیر نمی شود که در ادبیات دین، با عنوان «حرص» و «طمع» معرفی شده است. شخص حریص، تصور می کند که می تواند با زیاده خواهی و دست و پا زدن بیش تر، بر رزق و روزی خود بیفزاید؛ اما به دلیل قانونمندی رزق در نظام هستی، حرص و زیاده طلبی او فایده ای به دنبال نخواهد داشت. هرچه انسان حریص تر شود، به همان اندازه از آرامش دور شده است. راهی که افراد زیاده خواه طی می کنند، به سرزمین آرامش و لذت از زندگی، ختم نمی شود. از این جهت، افراد زیاده خواه به ویروسی مبتلا شده اند که احساس ناکامی و نارضایتی بر زندگی آن ها سایه افکننده است. از این رو، امام علی علیه السلام می فرمایند: «لَا يُلْقَى الْحَرِيصُ

گرفتار عذاب نگردند؟ جز اندکی از آن ها که نجاتشان دادیم (مانند پیامبران و پیروان آن ها) و آنان که ستم کردند، تنعم و کامرانی خود را دنبال کردند و همه گنهکار بودند».

۱. شعرا/ ۱۵۱-۱۵۲.

مُسْتَرِيحاً؛ کسی فرد حریص را در حال استراحت و آرامش نخواهد دید.» صائب تبریزی این واقعیت را در بیانی شیوا و دل‌نشین این‌گونه سروده است:

هرکه صائب نگشد در دلِ خود آتش حرص
گرچه در باغ بهشت است، جهنم با اوست.

برای فهم بهتر این موضوع، به این مثال ساده و گزارش متناسب با آن توجه کنید؛ گاهی فروشگاه‌های کالاها مملو از گزینه‌های مختلف است و ما می‌توانیم هر نوع کالا و محصولاتی را انتخاب کنیم، هر شکلی که بخواهیم، با هر بسته‌بندی که دوست داشته باشیم؛ اما پژوهشی با عنوان «آزمایش مرباها» نشان داد: گزینه‌های بیش از اندازه می‌تواند موجب اضطراب و کاهش بهباشی (خوشبختی) انسان شود. این آزمایش در یک خواربارفروشی معمولی انجام شد. پژوهشگران موقعیتی را ترتیب دادند که به خریداران اجازه می‌داد تا دسته‌ای از مرباها را بچشند. این نمایش دو حالت

داشت: یکی دارای شش نوع مربا بود، در حالی که دومی دارای ۲۴ نوع مربا. نتایج تحلیل مشاهده نشان داد که ۶۰ درصد از خریداران در مقابل نمایش گزینه‌های فراوان بودند و ۴۰ درصد در برابر گزینه‌های محدود، دو وضعیت، در چشیدن مربا آمار مشابهی داشتند؛ اما وقتی نوبت به انتخاب و خرید یک مربا رسید، خریدارانی که حق انتخاب از میان ۲۴ مربا را داشتند، در مقایسه با آن‌هایی که حق انتخاب از میان ۶ مربا را داشتند، کم‌تر خرید کردند (۳ درصد در برابر ۳۰ درصد).

بنابراین، افراد از نظر نوع تصمیم‌گیری، به دو گروه تقسیم می‌شوند: «قناعت‌گرها» در برابر «زیاده‌خواه‌ها». قناعت‌گرها قادرند چیزهایی را برگزینند که معیارهای حداقلی‌شان را برآورده می‌کند و به دنبال «آنچه کافی است» هستند؛ اما زیاده‌خواه‌ها افرادی هستند که به دنبال همه گزینه‌های ممکن و نیز بهترین انتخاب ممکن هستند. از این‌رو، برای زیاده‌خواه‌ها تصمیم‌گیری مشکل‌تر است؛ زیرا آن‌ها باید مطمئن شوند که تمام گزینه‌ها را بررسی کرده‌اند. به علاوه، پژوهشگران دریافته‌اند که زیاده‌خواهی،

۱. تصنیف غُرّ الحکم و دُرّ الکَلِم، عبدالواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات حوزه، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۹۴، ح ۶۶۰۱.

دشواری‌هایی را با خود می‌آورد، از جمله:
الف) افسوس خوردن از این‌که
بهترین انتخاب را نکردند یا انتظار
افسوس را در آینده دارند؛

ب) تشدید توقع‌ها: هر قدر گزینه‌های
در دسترس ما افزایش می‌یابند، توقع ما نیز
بیش‌تر می‌شود؛

ج) زیاده‌خواه‌ها، ناراضی‌تر هستند و
سطوح بالاتری از افسوس، افسردگی و
روان‌رنجورخویی را تجربه می‌کنند.^۱

با این توضیحات، هنگام
تصمیم‌گیری، شما از کدام نوع هستید؟ آیا
دوست دارید پیش از تصمیم نهایی، تمام
گزینه‌ها را بررسی کنید یا غالباً به دنبال
گزینه‌ای هستید که مطابق نیاز شماست؟
اگر تمایل دارید که تمام گزینه‌های ممکن
را بررسی کنید، خود را برای دشواری‌های
برآمده از زیاده‌خواهی آماده سازید.

همسران و والدینی که نابرخورداری از
وضعیت مطلوب اقتصادی را دلیل بر عدم

تمایل خود به فرزندآوری عنوان می‌کنند و با
تلاش شبانه‌روزی به دنبال افزایش دارایی و
فراهم ساختن تمام امکانات لازم برای زندگی
هستند تا سپس به فرزندآوری اقدام کنند،
هیچ‌گاه به رضایت و قناعت دست
نمی‌یابند و پیرو آن، فرزندآوری نیز محقق
نخواهد شد. بنابراین، پناه‌بردن به قناعت؛
یعنی «راضی بودن به مقداری که به تشخیص
خداوند برای آن مقطع کفایت می‌کند»،
داروی معجزه‌گری است که انسان را از دست
ویروس زیاده‌خواهی نجات می‌بخشد.

مهم‌ترین کارکرد و تأثیر دورنی
قناعت، احساس غنا و بی‌نیازی به همراه
آسودگی و رفاه است. به همین جهت،
امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا مَالٌ أَذْهَبُ
بِالْفَقَاةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقَنَاعَةِ وَلَا كُنْزٌ أَغْنَى مِنَ
الْقُنُوعِ وَمَنِ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ
انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ»^۲ هیچ
مالی به اندازه قناعت رضایت‌مندانه، فقر
را نمی‌زداید و هیچ گنجی ارزشمندتر از
قناعت نیست! هر کس به قدر کفایت

۱. روانشناسی مثبت‌نگر (نظریه‌ها، پژوهش‌ها و
کاربست‌ها)، کیت هفرن و ایلونا بونیول، ترجمه
محمدتقی تبیک و محسن زندی، انتشارات
دالحديث، قم، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب
الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ج ۸، ص ۱۹، ح
۴.

بسنده کند، به آسودگی سامان می یابد و در فراخی رفاه جای می گیرد».

نتیجه کلام آن که افراد قناعت پیشه، احساس نیاز کاذب ندارند و در نتیجه، احساس ناکامی و نارضایتی نیز نخواهند داشت. بنابراین، اگر کسی به دنبال بی نیازی و احساس رضایت در زندگی است، باید آن را در قناعت بجوید، نه در فراوانی مال و دارایی؛ چه این که به فرموده امام علی علیه السلام: «مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَأَنْ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ»^۱ هر کس به آن چه از دنیا که کفایتش می کند، راضی شود، کم ترین بهره دنیا برای او بس است و آن کس که به آن چه از دنیا که کفایتش می کند، راضی نشود، هیچ چیز دنیا وی را کفایت نمی کند».

«کلیم کاشانی» این حقیقت را به زیبایی سروده، گفته است:

گر به قسمت قانعی، بیش و کم دنیا یکی است
تشنه چون یک جرعه خواهد، کوزه و دریا یکی است.

۱۰. بی توجهی به فواید عاطفی و معنوی فرزندان

به نظر می رسد والدین امروزی در ارزش گذاری برای فرزندآوری، فقط بر جنبه اقتصادی آن تأکید می کنند و به فواید عاطفی و معنوی فرزندان توجهی ندارند. این در حالی است که ارزشمندی فرزندان، تنها به کارکرد اقتصادی آن ها نیست؛ بلکه برکات معنوی و عاطفی حضور فرزند در زندگی را نیز باید در نظر گرفت. برکاتی که با هیچ مقیاس مادی، قابل مقایسه و معاوضه نیستند. آموزه های اسلامی و یافته های تجربی دانشمندان، گویای آن است که «وجود فرزندان در خانواده به عنوان یک عنصر فعال، بر ساحت های مختلف زندگی اثر می گذارد. از جمله: رفع مشکلات و ناهمواری ها، سلامت جسمی و شادکامی والدین، استحکام بنیان خانواده و ارتقای شخصیت انسانی و درجات معنوی پدر و مادر. از این رو، فرزند به مثابه سرمایه ای ارزشمند برای هر خانواده ای خواهد بود».^۲

۲. برای آگاهی از فواید عاطفی و معنوی فرزندان رک: نقش فرزندان در کیفیت زندگی خانوادگی، علی ملکوتی نیا، ماهنامه مبلغان، ش ۱۹۸، دی و بهمن ۱۳۹۴.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۱۱.

گام‌های جهادی دولت سیزدهم

در راه حفظ سلامت مردم

دفتر امور اجتماعی و سیاسی حوزه‌های علمیه
مدیریت مطالعات و رصد

مقدمه

با شیوع ویروس کرونا در جهان بسیاری از دانشمندان به این فکر افتادند که برای پیشگیری از ابتلاء به این بیماری خطرناک، واکسن تولید کنند. در این راستا دانشمندان کشورهای مختلفی دست به کار شدند و برخی موفق به تولید واکسن شدند که ایران نیز جزء معدود کشورهایی بود که توانست خیلی زود به تولید واکسن کرونا با نام «برکت» دست پیدا کند. آن چه که انگیزه دانشمندان ایرانی را مضاعف کرد و جدیت و پشتکار آن‌ها را بالا برد، حمایت‌های بی دریغ رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام بود که به دانشمندان

ایرانی اعتماد کرده و خودشان نیز از دو دوز واکسن برکت، تزریق کردند و فرمودند: «من مایل نبودم از واکسن غیرایرانی استفاده کنم بنابراین گفتم منتظر واکسن ایرانی می‌مانم چرا که باید این افتخار ملی را پاس بداریم و تأکید داشتم که دریافت واکسن در نوبت طبیعی خود انجام شود.»^۱

امر واکسیناسیون پدیده‌ای است که با اصول عقلانی اسلامی سازگار است، زیرا واکسیناسیون برای رفع خطر بیماری

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام پس از دریافت نوبت اول واکسن کوو ایران برکت، مورخ: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴.

است و جلوگیری از خطر نیز از دیدگاه اسلام، واجب است.

با شروع واکسیناسیون در کشور جوسازی‌هایی هم برای عدم تزریق واکسن شکل گرفت و پروژه «واکسن‌هراسی» و «واکسن‌ستیزی» کلید خورد و عده‌ای تلاش کردند در دل مردم رعب و وحشت ایجاد کنند که مردم واکسن نزنند، اما با سخنان مقام معظم رهبری علیه‌السلام و تصمیم قطعی نظام اسلامی در این باره و نیز تلاش مجاهدانه دولت سیزدهم در خرید و تزریق واکسن و حصول بازخورد قابل قبول از انجام واکسیناسیون باعث شد این مساله کم‌رنگ شود.

گام‌های جهادی دولت سیزدهم در مقابله با کرونا

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم در جلسه رؤسای کمیته‌های تخصصی ستاد ملی مقابله با کرونا، حمایت از تولید واکسن داخلی، افزایش واردات واکسن، تسریع واکسیناسیون و اجرای طرح ارتقاء یافته شهید سلیمانی، را چهار گام تحولی دولت در مقابله با کرونا دانست. بر این اساس، دولت سیزدهم با اتخاذ تدابیر و

اقدامات مجاهدانه، روند تزریق واکسن در کشور را به صورت چشمگیری افزایش داد که این امر می‌تواند نقش بسزایی در سلامت جامعه داشته باشد. در ادامه به گام‌های جهادی دولت سیزدهم در راستای حفظ سلامت مردم اشاره می‌شود.

۱. افزایش تولید واکسن داخلی

رئیس جمهور محترم، تحول در تولید واکسن داخلی را به عنوان اولین گام دانسته و بیان داشتند: «تولید واکسن داخلی از جمله واکسن فخر، رازی و توسعه، خطوط تولید واکسن برکت با تسریع در صدور مجوزهای قانونی از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شتاب گرفته است.»^۱

۲. افزایش چشمگیر تهیه واکسن

برپایه آمارها، واردات واکسن در شهریور سال جاری ۳۳ میلیون و ۶۴۳ هزار و ۹۹۶ دُز بوده است که بر اساس اعلام رئیس جمهور در جلسه رؤسای کمیته‌های تخصصی مبارزه با کرونا،

۲. دیدار رئیس جمهور با رؤسای کمیته‌های تخصصی ستاد مقابله با کرونا، مورخ: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸.

واردات واکسن در روزهای گذشته، سرعت قابل توجهی پیدا کرده است^۱ و در این زمینه واردات واکسن در مهرماه به حدود ۱۰۰ میلیون دُز واکسن رسیده است.^۲

۳. افزایش استثنایی میزان تزریق واکسن

گام تحولی دیگری که از سوی ریاست محترم جمهور مطرح گردید، تسریع در واکسیناسیون بود. طبق آمارهای رسمی، در حالی که آلمان پیش از این با تزریق ۶ میلیون دُز واکسن کرونا در طول یک هفته رکورد جهان را در اختیار داشت، این رکورد هم اکنون با تزریق هفت میلیون و ۹۰۰ هزار دُز واکسن کرونا در کشورمان (تا ۲۵ شهریور) متعلق به ایران می باشد، که به گفته مسئولان این مقدار به بیش از هشت میلیون دُز خواهد رسید. با این توضیح، ایران در رتبه نخست تزریق واکسن روزانه و هفتگی در دنیا قرار گرفته است.

شایان ذکر است با توجه به کم کاری های دولت قبل حتی رکورد دار بودن در تزریق روزانه و هفتگی هم نتوانسته عقب افتادگی در تزریق واکسن را جبران کند و متأسفانه کشور در سطح دنیا جایگاه متناسب و قابل قبولی ندارد.

پیش از این، برخی افراد دولت دوازدهم، واردات واکسن یا حتی پیوستن کشور به سازمان شانگهای را متوقف بر پذیرش FATF کرده بودند؛ اما در دولت جدید با تکیه بر توان داخلی و استفاده از قدرت دیپلماسی اقدامات خوبی از جمله افزایش واردات واکسن انجام گرفت و ایران به صورت رسمی به عضویت سازمان شانگهای درآمد.

رویکرد جدید ایران در تعامل با کشورهای جهان و اولویت دادن به ارتباط با کشورهای منطقه، باعث شد که کشورهای همسایه از این سیاست استقبال کرده و به همکاری با ایران روی بیاورند. اگر با این سرعت پیش رویم به توفیق الهی تا پایان آبان ماه، همه افراد، دوز اول واکسن را دریافت خواهند کرد.

۳. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران،

مورخ: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸، شناسه خبر: ۱۳۱۰۶۵

۴. خبرگزاری تسنیم، دیدار وزیر بهداشت و هیئت

همراه با مراجع و علمای قم، مورخ: ۱۴۰۰/۷/۲۵.

۴. اجرای طرح شهید سلیمانی و تعدد مکان‌های تزریق واکسن

رئیس جمهور ایران، اقدامات انجام شده در حوزه غربالگری و اجرای طرح شهید سلیمانی را گام تحولی چهارم دانست و اظهار داشت: در این زمینه سپاه، بسیج، هلال احمر و سایر دستگاه‌ها اقدامات ارزشمندی انجام دادند و این اقدامات همچنان باید تداوم داشته باشد.

در همین راستا دکتر علیرضائیزی - معاون وزیر بهداشت - اعلام کرد: با همراهی سپاه و بسیج با وزارت بهداشت، خدمات متفاوتی ارائه شد و اکنون آخرین تعداد پایگاه تجمیعی واکسیناسیون ۱۰۰۸ عدد است که در حدود نیمی از این تعداد بسیج یا به صورت مستقیم پایگاه ایجاد کرده و یا به وزارت بهداشت کمک کرده است؛ از این مجموعه تنها ۱۲۷ پایگاه تجمیعی در سطح استان تهران مشغول فعالیت هستند.

۵. افزایش ساعات تزریق

تا هفته سوم شهریور ۱۴۰۰ به طور متوسط روزانه ۵۰ تا ۶۰ هزار دُز تزریق واکسن کرونا داشتیم اما با افزایش ساعت کاری مراکز واکسیناسیون و تعدد آن‌ها که با همکاری‌های بین بخشی و با کمک داوطلبانه نیروی‌های بسیجی و مردمی، دانشجویان و داوطلبان هلال احمر حاصل شد، به گونه‌ای که مراکز تجمیعی کنونی، به صورت دو شیفت تا هشت شب، فعال هستند، این مقدار به صورت چشمگیری افزایش یافته و به حدود یک میلیون دوز در روز رسید.^۱

امیدواریم همه مردم عزیز ایران اسلامی با همکاری و تعامل بیشتر با دولت سیزدهم در راستای انجام واکسیناسیون عمومی، موجبات مهار بیماری خطرناک کرونا را فراهم آورده تا بیش از این، هر روز شاهد از دست رفتن عزیزانمان نباشیم.



۵. خبرگزاری ایسنا، مورخ: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵، به نشانی:

<https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۶۱۴۱۰۴۳۳>

بررسی فقهی فیلترینگ

هادی عجمی*

مقدمه

فیلترینگ به معنای «مدیریت و پالایش محتوا در فضای مجازی»، دارای دو بُعد فقی - مهندسی و محتوایی است که باید هر دو بعد مورد بررسی قرار بگیرد؛ اما آنچه در بررسی فقهی اهمیت بیش تری دارد، بررسی حکم بُعد محتوایی آن است.

هر کشوری بر پایه فرهنگ و مبانی اعتقادی، مصادیق مجرمانه‌ای برای

فیلترینگ اعلام می‌کند. در کشور ایران اسلامی نیز فهرست مصادیق محتوای مجرمانه ذیل موضوع ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای^۲ را تشکیل می‌دهد که می‌شود این عناوین را در سه دسته قرار داد: ۱. محتوای ضد اخلاقی و ضد اعتقادی؛ ۲. محتوای بر هم زننده امنیت کشور؛ ۳. محتوای مجرمانه از منظر حقوقی.

۲. این قانون مشتمل بر ۵۶ ماده و ۲۵ تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی به نشانی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۳۵۷۱۷>).

*. اشتغال به سطح ۴ حوزه علمیه قم، عضو گروه فقه تربیت مؤسسه اشراق و عرفان، نشانی ایمیل: hadijami@chmail.ir

نوع سوم محتوای مجرمانه، تابع قوانین و بررسی حقوقی است و در این مجال نمی‌گنجد. در نتیجه در این نوشتار به ادله دو دسته نخست محتوای مجرمانه و حکم فیلتر شدن آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ادله فیلترینگ محتوای ضد اخلاقی و ضد اعتقادی

ادله بیان شده اصلاح محیط عام اجتماعی، بر اصلاح محتوای محیط عام اینترنتی و مجازی نیز دلالت دارد؛ اما از ادله خاص این مسئله می‌توان به ادله «حرمت حفظ و نگهداری کتب ضاله» اشاره کرد. پیشینه هم‌مناط این بحث، «مسئله کتب ضاله» است که از شیخ مفید^۱ تافقه‌های معاصر در آن نظر داده‌اند. آن‌چه از این پیشینه قابل استفاده است، ادله شرعی مسئله حفظ، فراگیری و تدریس این کتب است.

امام خمینی^۲ انواع تصرف در این‌گونه کتاب‌ها را در صورتی حرام دانسته‌اند که غرض صحیحی بر آن مترتب نباشد و نیز ائتلاف برخی از بخش‌هایی که مشتمل بر شبهات و مغالطه است و غالب مردم از حل و دفع

آن عاجز هستند، واجب شمرده است.^۱ آیت‌الله خویی^۲ بر پایه حرمت اضلال مردم، از آن بحث کرده‌اند.^۳ از دیدگاه آیت‌الله تبریزی^۴ بر پایه مفاد ادله نهی از منکر که بر وجوب دفع منکر نیز دلالت دارد، التزام به وجوب محو کتب ضاله را اظهر می‌دانند. البته در صورتی که منحصرأً اضلال بر آن مترتب باشد.^۵ از دیدگاه مؤلف «أنوار الفقاهة» درباره حرمت حفظ کتب ضاله نهی خاصی وارد نشده است؛ اما وجوهی که فقها برای دلالت بر حرمت اقامه کرده‌اند، برای افاده مقصود، کافی است.^۶

ادله حرمت نگهداری کتب ضاله

۱. آیات ناهی از اضلال

الف. لقمان / ۶: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

۱. تحریر الوسیله، سید روح‌الله موسوی خمینی، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹۸.

۲. مصباح الفقاهه، سید ابوالقاسم موسوی خویی، قم، داوری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، جواد بن علی تبریزی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴. انوار الفقاهه، ناصر مکارم شیرازی، کتاب التجارة، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۶.

بَغِيرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٣٠﴾ طبق این آیه، اگر حفظ، نگهداری، خرید و فروش کتب، منحصرأً برای استفاده حرام و اضلال دیگران باشد، در این صورت، معامله حرام و باطل است؛ اما با توجه به ترجیح این که مفهوم اشتراء در آیه شریفه فراتر از بیع و شراء و به معنای اتیان و ارتکاب عمل باشد، آیه ارتباطی با خرید و فروش کتب ضاله ندارد؛

ب. حج / ۳۰: ﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ ابن فارس معتقد است: اصل ماده «زور» به مفهوم انحراف و عدول از حق و میل به باطل است و معنایی نظیر کذب و پرستش بت، از مصادیق آن می باشد.^۱ در بحث ما، زور به مفهوم میل و انحراف است و مقصود از آن، انحراف از راه حق و صراط مستقیم می باشد.

ج. توبه / ۱۰۷: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَا يَخْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ

۱. معجم مقاییس اللغة، ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۶.

لَكَافِبُونَ﴾. ذیل این آیه در «جوامع الجامع»^۲ و بعضی کتب تفسیری - روایتی به این مضمون نقل شده که پیامبر اکرم ﷺ به سفری رفتند، در این هنگام، مسجد ضرار در مدینه ساخته شد. وقتی حضرت از سفر برگشتند، به مسلمانان دستور دادند آن مسجد را ویران کنند. استفاده از مفاد این آیه با الغای خصوصیت از لزوم تخریب مسجد، به لزوم از بین بردن تمام اسباب ضلال است.

۲. آیات ناهی افترا

الف. بقره / ۷۹: ﴿قَوْلٍ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا قَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾.

۲. «روی آن بنی عمرو بن عوف لما بنوا مسجد قباء و صلى فيه رسول الله ﷺ حسدتهم إخوانهم بنو غنم بن عوف و قالوا نبني مسجداً نصلّي فيه و لا نخضر جماعة محمد فبنوا مسجداً إلى جنب مسجد قباء و قالوا لرسول الله ﷺ و هو يتجهز إلى تبوك: إنا نحب أن تأتينا فتصلي لنا فيه؛ فقال: إني على جناح سفر! و لما انصرف من تبوك نزلت، فأرسل من هدم المسجد و أحرقه و أمر أن يتخذ مكانه كناسة تلقى فيها الجيف و القمامة» (تفسير جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۴).

ب. طه/۶۱: ﴿قَالَ لَهُمُ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ﴾.

در هر دو آیه افترا به خدا مورد نهی قرار گرفته و یکی از مصادیق آن، نوشتن کتب گمراه کننده است. در این صورت، با توجه به نهی از تولید آن، می توان بالملازمه نهی از حفظ و ارتباط با آن ها را نیز استفاده کرد.

۳. آیات دوری از مجالس استهزای آیات الهی

الف. انعام/۶۸: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛

ب. نساء/۱۴۰: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾.

مفاد این دو آیه - با صرف نظر از برخی تفاوت های جزئی - این است که اگر وارد مجلسی شدید که در آن محفل، آیات خدا را مسخره می کردند و محتوای آن کفر به آیات خدا بود، از چنین مجلسی روی بگردانید!

۴. روایات تعلیم، تسنین و تکلم در باب ضلال

برخی از ادله روایی که حکم حرمت حفظ کتب ضاله از آن قابل استفاده است، روایاتی هستند که در ارتباط با تعلیم محتوای کتب ضاله، تکلم درباره آن و تسنین سنن باطل وارد شده، از جمله: «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: ... مَنْ عَلَّمَ بَابَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَوْزَارِ مَنْ عَمَلَ بِهِ وَلَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا»^۱.

سند روایت با توجه به توثیق مجموعه راویان آن، معتبر و قابل اعتماد است. در این روایت، تعلیم، خصوصیتی ندارد؛ بلکه روح تعابیر مذکور که ذهن و ارتکاز عرفی با آن سازگار است، توجه به برخی از اقدامات موج آفرین و اثرگذار در مشی دیگران می باشد. در این صورت، کسی که قول یا فعلش موجب آثار و موجب عمل دیگران شده، در ثواب و عقاب دیگران سهیم است. با این الغای خصوصیت، بر حفظ کتب ضاله نیز می تواند چنین آثاری مترتب شود، به نحوی که نگهداری این

۱. الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (شیخ کلینی)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵.

کتب موجب تأثیر بر دیگران و در واقع دلالت آنان به نوعی شرّ و ضلالت می باشد و این امر حرام است.

۵. روایات سببیت فساد

الحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «... وَكُلُّ مَنْهِي عَنْهُ مِمَّا يَتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ، أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَالشِّرْكُ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي، أَوْ بَابٌ يَوْهَنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ بَيْعُهُ، وَشِرَاؤُهُ وَإِمْسَاكُهُ وَمِلْكُهُ وَهَبَتُهُ، وَعَارِيَّتُهُ وَجَمِيعِ التَّقْلِبِ فِيهِ...»^۱ ... [و نیز حرام است خریدن] هر آنچه که از آن نهی شده است و مایه نزدیکی به غیر خداست، یا سبب تقویت کفر و شرک می شود، از همه گونه های گناهان؛ یا وسیله ای که سبب تقویت گمراهی، یا تأیید باطل، یا توهین به حق می شود، همه اینها حرام است و تحریم شده است، یعنی فروختن و خریدن و نگاه داشتن و مالک شدن و بخشیدن و عاریه دادن و هر گونه تصرّفی در آنها حرام است...».

سندهای «تحف العقول» مقطوعه است. بنابراین، روایت فاقد سند و ضعیف است؛ اما روایات دیگری وجود دارد که بر پایه ضمّ احادیث ضعیف، می توان به آنها اعتماد کرد.^۲ به این روایت نیز برای حرمت حفظ کتاب ضاله استشهاد شده است.^۳ طبق این روایت، حرفه ای که هیچ وجه حلالی ندارد و ماهیت آن فسادانگیز است یا موجب تقویت کفر و شرک و نیز وهن و تضعیف حق است، از جانب خداوند ممنوع و حرام شده و بیع، شراء، نگه داری و هر نوع ارتباط با آن حرام است.

۶. وجوب دفع ضرر محتمل

این قاعده از مبادی کلامی و عقلی مؤثر در مباحث اصولی و فقهی است. معنای قاعده دفع ضرر محتمل این است که هرگاه در انجام عملی احتمال ضرر

۲. جهت مطالعه قاعده ضم احادیث ضعیف، رک: فقه تربیت: آداب تعلم، علیرضا اعرافی، تحقیق و نگارش هادی عجمی، قم، انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۴۰۰، فصل یکم.

۳. کتاب المکاسب، مرتضی بن محمد امین انصاری (شیخ انصاری)، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱. وسائل الشیعة، محمد بن حسن عاملی (حرّ عاملی)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، صص ۸۴-۸۵.

وجود داشته باشد، دفع آن ضرر با تحصیل آن چه خطر را رفع می‌کند، لازم است.^۱ با توجه به این که در حفظ و عدم اتلاف کتب ضاله احتمال ضرر وجود دارد، طبق مقتضای این قاعده، باید از بین برده شوند.

جمع بندی ادله^۲

از آیات و روایاتی که بررسی شدند، حرمت اضلال و هرچه مصداق اضلال باشد، استفاده می‌شود و لازم است شخص اطمینان داشته باشد که عمل او بالفعل یا بالقوه زمینه ساز گناه دیگران نمی‌شود. در تعابیر ادله روایی نظیر: تعلیم، تکلم، پایه‌ریزی سنت‌های باطل و شراکت در گمراهی دیگران مراد است که حرمت آن مثل ادله قرآنی مشروط به اطمینان به تحقق ضلال یا اضلال است. دو دسته روایات تعلیم، تسنین و تکلم در باب ضلال و روایات سببیت فساد که حرمت آن مانند ادله قرآنی مشروط بر

اطمینان به تحقق ضلال و اضلال است. دلیل دیگر، تمسک به قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل» بود. البته این قاعده تنها در صورتی قابل استفاده است که راه مقابله با ضرر منحصر به از بین بردن کتب باشد. این جا حکم عقل جاری است، بنابراین حاصل بررسی مجموع ادله این است که اگر حفظ و خرید و فروش کتب ضاله با اطمینان به گمراهی خود شخص یا اضلال دیگران باشد، حرام است.

حرمت حفظ کتب ضاله در مواردی نظیر: حفظ این کتب برای بررسی و نقد آن‌ها یا در شرایط تقیه، تخصیص خورده است و به عنوان اولی حرام نیست.

نکته دیگر این که در مقابله با چنین محتوایی، در صورتی که این محتوا سبب اضلال دیگران گردد، اصل اولی در مواجهه با محتوای ضاله، تلاش برای تبیین، نقد و رد علمی تا حد امکان است؛ مگر نابود کردن اسباب ضلال، تنها شیوه مناسب مبارزه باشد که اتلاف متعین است.

از آن جا که شیوه‌های مقابله با نشر ضلال متعدد است، در انتخاب هر یک از وسایل مخیر است، مگر یکی از شیوه‌ها کارایی بیش‌تر داشته باشد که در آن

۱. مائة قاعدة فقهية، سید محمد کاظم مصطفوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق، ص ۳۰۶.

۲. برگرفته از: مکاسب محرمة، علی‌رضا اعرافی، قم، انتشارات موسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۸، ج ۴، کتب ضلال.

صورت ارجح است. نتیجه این که این ادله در حقیقت ثابت کننده حرمت گمراهی دیگران و به ملازمه، وجوب جلوگیری از گمراهی آنان است. این حکم کفایی است، مگر در شرایطی بر کسانی مانند حکومت و والدین، عینی باشد. کتب ضاله یکی از مصادیق گمراهی بود؛ اما این ادله را قید نمی زند.

استفاده از ادله اضلال درباره فیلترینگ

از ادله و نتایج بیان شده، در دو بُعد می توان بهره برد:

۱. نگه داری محتوای ضاله در فضای تحت مدیریت جامعه اسلامی، مانند شبکه ملی اطلاعات؛

۲. مواجهه با انتقال محتوای ضاله در شبکه اینترنت و فضای مجازی.

فضای اطلاعات داخلی هر کشور، چون انبار کتابی است که اطلاعات برای استفاده دیگران در آن نگه داری می شود. از سویی دیگر، شبکه اطلاعاتی و اینترنتی هر کشوری دریچه ورود و خروج محتوای دریافت یا ارسال شده کاربران آن کشور است. بر پایه ادله بیان شده در حرمت ضلال، حکم کلی به دست آمده، دارای دو جهت است:

۱. حفظ و نگهداری از محتوای ضلال در فضای عمومی شبکه ملی اطلاعات، در صورتی حرام است که با اطمینان، منجر به گمراهی عموم افراد جامعه گردد. حرمت حفظ این محتوا در مواردی نظیر حفظ این محتوا برای نقد و بررسی و نقد آن ها یا در شرایط تقیه، تخصیص خورده است و به عنوان اولی حرام نیست. البته این تخصیص منحصر به استفاده افرادی است که به نقد و بررسی آن می پردازند. در نتیجه، از دسترس عموم خارج و تنها در دسترس آن ها می توان قرار داد؛

۲. از منظر دوم؛ یعنی حکم تردد محتوای ضلال در فضای مجازی کشور، اصل اولی در مواجهه با محتوای ضاله در فضای اینترنت و مجازی، تلاش برای تبیین، نقد و رد علمی تا حد امکان است، مگر فیلتر کردن این محتوا، تنها شیوه مناسب مبارزه باشد که اتلاف متعین است. در این صورت نیز تابع دریافت کننده اطلاعات است؛ یعنی در صورتی که این اطلاعات سبب گمراهی او شود، می توان دریچه ورود این اطلاعات به او را مسدود کرد. هم چنین

مانع ارسال محتوای ضاله از سوی کاربری شد.

نتایج برآمده این که:

۱. فیلترینگ محتوای ضاله، محدود به شبکه داخلی و ملی اطلاعات نمی‌گردد و این وظیفه حاکمیت نسبت به تردد اطلاعات از داخل به خارج و بالعکس نیز می‌باشد؛

۲. ملاک ضاله بودن یک محتوا، گمراه‌کنندگی برای عموم مردم است؛ زیرا فضای مجازی نیز عمومی است، مگر این که دسترسی‌های افراد محدود و مشخص باشد که ملاک، افراد گیرنده اطلاعات خواهند بود؛

۳. تنها در صورتی می‌توان محتوای ضاله را با اهداف اصلاح‌گرانه نگاه داشت که به عدم استفاده افراد آسیب‌پذیر از آن محتوا یقین داشت؛

۴. بر پایه مشکک بودن ضلال و گمراهی، لازم است دسترسی‌های افراد و گروه‌های مختلف به محتوای اینترنتی و مجازی محدود و مشخص گردد، به‌ویژه افراد آسیب‌پذیرتر جامعه مانند کودکان. از سوی دیگر، دسترسی امن کارشناسانی که نیازمند محتوای ضاله در پاسخگویی هستند؛ زیرا ممکن است محتوایی در سنی گمراه‌کننده باشد؛ اما همان محتوا

برای رده سنی یا اقشاری دیگر، لازم باشد. البته در صورت نبودن چنین سامانه ارتباطی، لازم است در گمراه‌کننده بودن محتوایی، عموم افراد را در نظر گرفت.

این حکم بیان شده، کلی است؛ اما ذیل هر محتوای ضد اخلاقی و ضد اعتقادی، ممکن است عناوینی دیگر قرار گیرد که بر حرمت ترویج آن محتوا و سویی، حکم برخورد و فیلترینگ آن محتوا بیفزاید؛ هم چون قوادی، حرمت شکستن حریم شخصی افراد و

ادله فیلترینگ محتوای برهم زننده امنیت کشور

اثبات حکم فیلترینگ چنین محتواهایی، در گروه حکم برهم زدن امنیت کشور و نظام اسلامی است. از آن جا که هدف امنیت، حفظ نظام است، از ادله آن می‌تواند قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در نظام باشد.

قاعده وجوب حفظ نظام

این قاعده با تعابیر مختلف استفاده شده و از ادله پرکاربرد در ابواب مختلف فقهی است. مانند تعبیر «حفظ نظام» که از ادله ولایت فقیه و حکومت اسلامی طرح شده^۱ و تعبیر «حفظ نظام مادی و

۱. «مع أن حفظ النظام من الواجبات الأكيدة، و

معنوی» که در وجوب کفایی قضا^۱ استفاده می‌شود. مثلاً بیان شده که اگر کسانی متصدی قضا نشوند، نظام معیشت مردم اختلال پیدا می‌کند. از این مفهوم به قاعده «حرمت اختلال نظام» نیز تعبیر شده که جنبه سلبی آن است. این قاعده، اسباب حفظ امنیت را در بر می‌گیرد و حکمی ایجابی و از سویی سلبی می‌آفریند که عقلی و با درک مستقل بشر است و شرع نیز آن را تأیید می‌کند.

جمع‌بندی ادله حفظ نظام و استفاده از آن در فیلترینگ امنیتی

بر پایه آن چه بیان شد:

- بر هم زدن امنیت کشور از مصادیق روشن اختلال در نظام است؛

- اختلال در نظام، حرام است؛

نتیجه: بر هم زدن امنیت کشور، حرام است، به هر صورت که باشد. از جمله مصادیق مهم امروزی آن، محتوای

رسانه‌ای و مجازی است که سبب بر هم زدن امنیت می‌گردد. البته تعیین مصداق بر هم زنده بودن امنیت، از سوی کارشناسان امنیتی انجام می‌گردد.

طبق این نتیجه و با توجه به وظایف حاکم و حاکمیت در این باره، آن‌ها نیز وظیفه دارند اقدامات لازم را در جهت مقابله با اختلال در نظام، در مدیریت فضای رسانه‌ای و مجازی انجام دهند. از جمله: فیلترینگ محتوای بر هم زنده امنیت این نظام.

البته این حکم، در مواردی مؤکد می‌گردد. از جمله زمانی که عناوینی چون اضلال، نفی سبیل و حفظ نفوس محترمه بر آن افزوده گردد. بنابراین، فیلترینگ در محتوای ضداخلاقی و ضداعتقادی بر پایه ادله حرمت اضلال که فقها در بحث کتب ضاله بدان اشاره کرده‌اند، دارای پیشینه و حکم است و حکم آن، وجوب مقابله و حذف محتوایی می‌باشد که عموم مردم را گمراه کند. هم‌چنین فیلتر محتوای بر هم زنده امنیت کشور نیز دارای ادله شرعی قاعده حفظ نظام است که بر وجوب حفظ آن دلالت دارد؛ یعنی محتوای بر هم زنده حفظ نظام، باید حذف و از دسترس خارج گردد، البته تشخیص آن بر عهده کارشناس موضوعی امنیت ملی است.

اختلال أُمُور المسلمین من الأُمُور المَبْغُوضَة، ولا یقام بذا، ولا یسَدُّ هذا إلا بوال و حکومت. (کتاب البیع، سید روح الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام تاریخ نشر: ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۱۹).

۱. «القضاء واجب کفائی، و ذلك لتوقف حفظ النظام المادی و المعنوی علیه» موسوعة الإمام الخوئی، سید ابو القاسم موسوی خوئی، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴.

عرفان‌های نوظهور ابزار دست بیگانگان

ادارهٔ فرق و ادیان / سعید صدری *

مقدمه

عدهٔ زیادی از اندیشمندان جامعه‌شناس مانند آنتونی گیدنز^۲ معتقدند که گرایش مردم جهان به دین و معنویت، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رو به افزایش نهاده است؛^۳ اما متأسفانه این گرایش به معنویت‌خواهی مورد سوءاستفادهٔ عده‌ای سودجو قرار گرفته که نیازهای معنوی بشر

را بازیچهٔ خود قرار داده، منافع مادی و سیاسی خویش را از طریق ایجاد جریان‌های کاذب، به اسم معنویت پیش می‌برند و موجب انحراف عده‌ای و عدم وصول آنان به نیاز واقعی خود می‌شوند.

ده‌ها فرقه و آیین شبه‌عرفانی و معنوی خُرد و کلان در سطح کشور، چه با تابلو و چه به صورت زیرزمینی در حال فعالیت هستند و برخی با تبلیغات مکتوب و نفوذ در رسانه‌های ارتباطی، به جان ایمان و معنویت مردم و جوانان افتاده و تلاش می‌کنند با نام عرفان، پیروانی را گرد خود جمع کنند و بهره‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در راستای منافع خود و استکبار جهانی

*. دانش‌آموختهٔ سطح ۳ حوزهٔ علمیه قم، مدرّس و پژوهشگر فرق و ادیان و عرفان‌های نوظهور.

آیدی اینستاگرام: @saeidsadri.

۲. Anthony Giddens.

۳. جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۷۵.

رقم بزنند. برخی از این عرفان‌های نوظهور مانند: بودائیان تبت، با مدیریت مستقیم سازمان جاسوسی آمریکا و کشورهای وابسته برای اهداف استعماری، بنیان‌گذاری و حمایت شده‌اند^۱ و در بروز فتنه‌ها و حرکت‌های ضدامنیتی و حکومتی در جهان و علی‌الخصوص ایران، نقش اساسی بازی می‌کنند^۲ که در این نوشتار به برخی از اهداف آنان اشاره می‌شود.

اهداف عرفان‌های نوظهور

الف. ایجاد شکاف اجتماعی

بدون شک رشد و تعالی هر نظام اجتماعی، در پرتو هم‌بستگی و انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی افراد آن جامعه میسر می‌گردد و بدون مشارکت آنان، توسعه، رشد و تعالی یک کشور امکان‌پذیر نیست و به هر میزان انسجام اجتماعی، وحدت و هم‌بستگی ملی در

مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر یک نظام، مشابه و هم‌گرایانه باشد، به راحتی و سریع‌تر از حد انتظار به اهداف و آرمان‌های متعالی و چشم‌اندازهای بلندمدت ترسیم شده از سوی رهبران خود خواهند رسید.

دین مقدس اسلام، همیشه به دنبال ایجاد انسجام اجتماعی برآمده از فرمان‌های الهی بوده، تمام افراد جامعه را با هر سبک، سیاق و سلیقه‌ای در محور جامعه دینی جمع کرده و از اجرای سلاقی شخصی و از هم‌گسیختگی جلوگیری نموده است تا یک جامعه واحد دینی ایجاد کند و همه مردم زیر لوای آن قرار گیرند؛ اما عرفان‌های کاذب جهت ضربه زدن به نظام و حکومت اسلامی، پیروان خود را به اعمال سلیقه و عقاید خود ترغیب کرده، بدین طریق در انسجام جامعه اخلاص به وجود آورده‌اند: «آن‌ها به عنوان نیروی ایجاد اختلاف عقیده در جامعه، نقش بسیار مهمی ایفا کرده و قادر به ایجاد شکاف اجتماعی هستند».^۳

۱. Professor A. Tom Grunfeld, TIBET AND THE UNITED STATES, XVIII IPSA World Congress, August ۱-۵, ۲۰۰۰.

۲. فرقه‌ها جنبش‌های معنوی و ضد فرقه، جمعی از محققان، نشر جمعیت آل یاسین، تهران، ۱۳۸۷ ش، ص ۳.

۳. آسیب‌شناسی شبه جنبش‌های معنوی، حمیدرضا مظاهری سیف، نشر صهبای یقین، قم،

به مواردی از ایجاد اختلاف عقیده و شکاف در انسجام و هم‌بستگی اجتماعی توسط این نوع عرفان‌ها در جامعه اشاره می‌گردد:

۱. قانون‌گرایی

هرگاه گروهی با هوادارانی سرسپرده - که برای آرمان گروه خود و پیروی از رهبری فرقه، حاضر به انجام هر کاری هستند - در جامعه با قوانینی مواجه شوند که مخالف منافع فرقه و اندیشه‌های رهبر آن است، از آن سرپیچی کرده، زمینه اختلاف، آشوب و تشنج را در فضای جامعه پدید می‌آورند. پیروان عرفان‌های کاذب نیز از این قاعده مستثنا نیستند و مبانی اعتقادی، قوانین و دستورات رهبری این فرقه‌ها، معارض با قوانین اجتماعی و حاکمیت است. خصوصاً در ایران، به دلیل وابستگی برخی فرقه‌های عرفان‌های کاذب به نظام استعمار و سلطه غرب، این تعارض‌ها بیش‌تر و آن‌چه مورد هدف این فرقه‌ها و گروه‌ها بوده، انهدام انقلاب اسلامی است.^۱ هرچند ماهیت

عرفان‌های کاذب بر نوعی تساهل و تعامل با جامعه زیستی خود آمیخته است و در تعالیم آن‌ها ظاهراً به درون‌گرایی و دوری از مجادلات و مناقشات حکومتی و سیاسی اشاره می‌شود؛ اما هرگاه منافع این گروه‌ها با قوانین حاکمیت در تعارض قرار می‌گیرد، رویکرد تساهل به تعارض و پرخاشگری تبدیل می‌شود.

به عنوان مثال، بعد از آن‌که گزارش‌هایی مبنی بر آسیب‌های جسمی و روحی از برخی از پیروان عرفان حلقه گزارش شد، تحقیقات دقیقی روی کلاس‌های «محمدعلی طاهری» و مسترهای او در نقاط مختلف تهران و استان‌های دیگر آغاز شد که به دستگیری طاهری در اواخر اردیبهشت ۱۳۸۹ انجامید. او پس از امضای تعهدنامه مبنی بر توقف کلاس‌های غیرقانونی و اعلام برائت و درخواست از مسترها در جهت تعطیلی کلاس‌ها، به قید ضمانت آزاد شد؛ اما با گذشت چند ماه، باز

گردهمایی استادان و نخبگان حوزوی، چهارشنبه ۱۳۹۰/۹/۳، سالن اجتماعات مدرسه فیضیه، به نقل از: خبرگزاری مهر.

۱۳۹۵، چاپ اول، ص ۲۵۶.
۱. سخنرانی حجت الاسلام حیدر مصلحی،

فعالیت‌های خود را ادامه داد، تا جایی که در نوروز سال ۹۰ از مسترهای خود خواست تا به اشاعه آموزه‌های عرفان حلقه مبادرت کنند.^۱

البته برخی از سران و رهبران عرفان‌های کاذب مانند «أشو»^۲ نیز هستند که ادعا دارند در عالم، قانون، انضباط و انسجام اجتماعی وجود ندارد و نباید وجود داشته باشد و اصولاً بشر نیازمند قانون تحمیلی و از بالا نیست. اشو می‌گوید: «زندگی واقعی را می‌توان به نوعی هرج و مرج تلقی نمود. می‌گویم به نوعی؛ چون این هرج و مرج نظم خود را با خود دارد. از اصول پیروی نمی‌کند؛ چون به هیچ اصلی نیازمند نیست. زندگی بنیادی‌ترین اصل را در ذات خود دارد. او

۱. محمدعلی طاهری از دریافت جایزه از هویدا تا صدور حکم اعدام، لیلا حسن زاده، مشرق نیوز، ۱۲ مرداد ۱۳۹۴.

۲. اشو در سال ۱۹۳۱م در روستای کوچک «کوچ وادا» از کشور هند به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۰م در سن ۵۹ سالگی از دنیا رفت. اشو در ایالت اورینگان آمریکا، شهری به نام «راجینش پورام» را به عنوان مرکز آیین خود قرار داد؛ اما به دلیل فسادهای اخلاقی و جنسی بی حد و حصر خود و مریدانش، در سال ۱۹۸۶م از آنجا اخراج شد.

از هرگونه اصل بیرونی بی‌نیاز است».^۳ وی معتقد است در جهان تنها یک قانون طلایی وجود دارد و آن این‌که «هیچ قانونی وجود ندارد». او می‌گوید: «آه! زندگی تا کجا گسترده، بی‌کران، شگفت‌انگیز و اسرارآمیز است. نه، تن به قالب تنگ یک قانون یا مثال نمی‌سپارد... بنابراین، دانستن قانون طلایی بسیار پراهمیت است. قانون طلایی این است که هیچ قانون طلایی وجود ندارد.»؛^۴ اما به راستی قانونی که آقای اشو و امثال او به دنبال آن هستند و از آن پیروی می‌کنند، چیست و پیروان خود را به پیروی از چه قانونی دعوت می‌کنند؟ او در این باره می‌گوید: «قانون برای کسانی است که ناآگاه‌اند و عشق برای کسانی که آگاه‌اند.»^۵ آری، اشو انسان را مجدداً به سوی قانون عشق دعوت می‌کند. معجونی که در مغازه فکری آقایان گیر

۳. آفتاب در سایه، اشو، ترجمه: عبدالعلی براتی، نسیم دانش، تهران، ۱۳۸۱ش، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۲۴۴.

۵. الماس‌های اشو، اشو، ترجمه: مرجان فرجی، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵۳.

می‌آید و هر تعبیری که دلشان می‌خواهد، از آن می‌کنند و هیچ مفهوم صحیحی از آن ارائه نمی‌دهند.^۱

۲. بی‌اهمیت جلوه‌دادن ارزش‌ها و هنجارهای

دینی (مذهب‌گرایی)

سرکردگان عرفان‌های نوظهور در راستای اهداف مستکبران با آموزش‌های گام‌به‌گام خود، آموزه‌ها و باورهای مذهبی افراد را تحت تأثیر بینش‌های خرافی خویش قرار می‌دهند و اعضا را مجاب می‌کنند تا بینش‌های آن‌ها را بپذیرند و انحصارگرایی فرقه‌ای و جدایی از اسلام را سرلوحه خود قرار دهند.

در عرفان حلقه از همان قدم اول، ارزش‌های معنوی و دینی بی‌اهمیت جلوه داده می‌شود، این در حالی است که قوانین و احکام حکومتی در ایران همگی بر اساس احکام شرع مقدس اسلام پی‌ریزی شده‌اند. گاهی سرکرده عرفان حلقه به عدم مداخله عرفان کیهانی با روبنا (اعتقادات و شریعت) تصریح

می‌کند^۲ و گاهی آن را غیرضروری می‌داند.^۳ وی شرط رسیدن به خدا را، پیروی از شریعت دینی نمی‌داند^۴ و گاهی

۲. سرکرده عرفان حلقه می‌گوید: «در عرفان کیهانی (حلقه)، زیربنای فکری انسان مورد بررسی قرار گرفته، در مورد روبنای فکری اشتراکی، تعاریفی پیشنهاد می‌نماید و با بخش اختصاصی روبنای فکری انسان‌ها که شامل اعتقادات و مراسم و مناسک مختلف است، برخورد و مداخله‌ای ندارد.» عرفان کیهانی (حلقه)، انتشارات اندیشه ماندگار، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۸ ش، ص ۷۳.

۳. طاهری در قدم اول تصریح می‌کند: «جهت بهره‌برداری از عرفان عملی، نیاز به اتصال به شبکه شعور کیهانی است.» (انسان از منظری دیگر، محمدعلی طاهری، نشر ندا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، نشر بیژن، چاپ نهم، آذر ۱۳۸۸ ش، ص ۸۳). وی در قدم دوم می‌گوید: «این اتصالات، اصل جدایی‌ناپذیر این شاخه عرفانی است.» (عرفان کیهانی، ص ۸۰) و در قدم سوم می‌گوید: «داشتن ایمان و اعتقاد برای حضور در حلقه لازم نیست و تنها شرط لازم، شاهد بودن است.» (انسان از منظری دیگر، ص ۱۲۶) آن‌چه از ترکیب عبارت‌های مذکور به دست می‌آید، غیر ضروری دانستن باورهای دینی و ناکارآمدی اعتقادات اسلامی و اثبات و ادعای ضروری بودن اعتقاد به حقانیت شبکه شعور کیهانی است.

۴. طاهری می‌گوید: «ممکن است کسی که از دین خاصی تبعیت نمی‌کند، در مواجهه با یک مراسم مذهبی به یک بیداری معنوی برسد.» (انسان و معرفت، محمدعلی طاهری، نشر گریگور تاتوانسی،

۱. نگرشی بر آرا و اندیشه‌های اشو، محمدتقی فعالی، نشر عابد، تهران، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۲۴.

پیروی از شریعت و عبادت خدا را اصلاً ممکن نمی‌داند^۱ و عبادت را فقط در خدمت به خلق معرفی می‌کند.^۲

ارمنستان، ۲۰۱۱م، ص ۵۹.

۱. طاهری در اصل ۵۹ کتاب عرفان کیهانی می‌گوید: «نمی‌توان خدا را فهمید.» و در اصل ۶۶، هر نوع عبادت خدا را وابسته به میزان فهمیدن خدا می‌داند و فهم خدا را ناممکن اعلام می‌کند. بنابراین، به نظری نمی‌توان خدا را عبادت کرد و بر این اساس، عبادت خدا معنا ندارد.

۲. طاهری در اصل ۶۵ اساسنامه عرفان کیهانی به این نتیجه می‌رسد که عبادت تنها به معنای خدمت به خلق خداست. شهید مطهری^{علیه السلام} در این باره می‌گوید: «یکی از ارزش‌های قاطع و مسلم انسان که اسلام آن را صد درصد تأیید می‌کند و واقعاً ارزشی انسانی است، خدمت‌گزار خلق خدا بودن است. در این زمینه پیغمبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} زیاد تأکید فرموده است. قرآن کریم در زمینه تعاون و کمک دادن و خدمت کردن به یکدیگر می‌فرماید: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/ ۱۷۷)؛ اما انسانی مثل سعدی می‌گوید (البته سعدی در عمل این‌طور نبوده، زبان شعر است): «عبادت به جز خدمت خلق نیست» همین یکی است و بس. [عده‌ای با گفتن این سخن] می‌خواهند ارزش عبادت را نفی کنند، ارزش زهد را نفی کنند، ارزش علم را نفی

سرکرده عرفان حلقه، نماز را اتصال معنا کرده و با توجیه تفاوت میان اقامه نماز و نمازخواندن، اتصال را بهتر از خواندن نماز بی کیفیت دانسته^۳ و می‌گوید: «الصلوة را اتصالی یافتن بین خود و او که می‌خواهم مقیم آن باشم و با آن ساکن سرکوی او شوم. می‌خواهم مقیم

کنند، ارزش جهاد را نفی کنند، این همه ارزش‌های عالی و بزرگی را که در اسلام برای انسان وجود دارد، يك دفعه نفی کنند. می‌گویند: «انسانیت» یعنی چه؟ یعنی خدمت به خلق خدا. مخصوصاً بعضی از روشنفکرهای امروز خیال می‌کنند به يك منطق خیلی عالی دست یافته‌اند و اسم آن منطق خیلی عالی را انسانیت و انسان‌گرایی می‌گذارند... ولی انسان به شرط انسانیت، همیشه این حرف را گفته‌ایم: لومومبا انسان است. موسی چومبه هم انسان است. اگر بنا باشد فقط مسئله خدمت به خلق مطرح باشد، موسی چومبه يك خلق است و لومومبا هم يك خلق دیگر، پس چرا میان این‌ها تفاوت قائل می‌شوید؟ چه فرقی است میان ابوذر و معاویه؟ پس این‌که انسانیت، یعنی خدمت به خلق و هیچ ارزش دیگری مطرح نیست، باز يك نوع افراط دیگری است.» مجموعه آثار استاد مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش، ج ۲۳، ص ۱۱۶. برگرفته از مقاله: تناقض عرفان کیهانی با آیات قرآن، علی ناصری راد، سایت جام جم آنلاین.

۳. لازم به ذکر است: پیروان عرفان حلقه با این توجیه نماز را تا مقیم شدن (که معلوم نیست چه زمانی مقیم خواهند شد) ترک می‌کنند.

شبه معنویت‌ها، معابد عبادی ادیان دیگر را نفی نموده، مردم را از رفتن در آن‌جا منع می‌کنند و مدعی هستند چنین مکان‌های به هیچ عنوان دارای جایگاه معنوی نبوده، رفتن در آن‌ها بی‌فایده است^۱ و این در حالی است که آن‌ها در تناقض با گفته‌هایشان، برای جمع کردن پیروان خویش، اقدام به احداث معابد جدید کرده، مردم را برای انجام امور عبادی به تجمع در این مکان‌ها دعوت می‌کنند.

دشمنی که زمانی با او می‌جنگیده، اکنون جامه روحانیت بر تن می‌کند. تماشا کنید! روحانیان همان جنگندگان علیه محمد بوده‌اند. اشو آواز سکوت، ترجمه: میرجواد سید حسینی، نشر هودین، اصفهان، ۱۳۸۳ش، ص ۴۳.

۵. از جمله آن‌ها شخصیت اشو است که از یک طرف معابد را به دلیل آن که خداوند در آن‌جا نیست، نفی می‌کند و می‌گوید: «خدا را نمی‌توان در معبد‌ها یافت. معبد‌ها به دست انسان ساخته شده‌اند.»؛ اما از سوی دیگر فتوا به جواز بت‌پرستی می‌دهد. آن‌هم با این استدلال که خداوند همه‌جا هست: «خداوند در همه‌جا هست، پس چگونه می‌توان در بت‌ها نباشد. پس او در یک بت سنگی نیز هست. اگر او در یک قطعه سنگ معمولی وجود دارد؛ چرا در یک سنگ کنده‌کاری شده نباشد؟ پس نیازی نیست تا بت دیگری با پرستشگاه دیگران را تخریب کنیم.» راز، اشو، ترجمه: محسن خاتمی، نشر فروزان، تهران، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۲۸۴.

اتصالش باشم تا حضورش را دریابم. الصلوة اتصال با اوست و اتصال، برقرار کردنی است، نه خواندنی.^۱

اشو اعتقادی به مبحث زیارت و رفتن به زیارتگاه نداشته و حتی گام نهادن در این مسیر را ممنوع می‌داند.^۲ طاهری زیارت را شرک دانسته، می‌گوید: «زیارت قبور ائمه، کمک خواستن از مرده‌ها، برج و بارو و مصداق شرک است».^۳

شبه معنویت‌های کاذب با به سخره گرفتن فقها و علمای سایر ادیان، سعی در تخریب ارزش‌های معنوی و دینی داشته، فقها را فریب‌کارانی بیش نمی‌دانند.^۴ سران

۱. چند مقاله تأملی درباره الصلوة، محمدعلی طاهری، نشر گریگور تاتواتسی، ارمنستان، ۲۰۱۱م، ص ۲۱.

۲. وی به نقل از استاد خود نقل می‌کند: «کبیر گفته است که خداوند را جستجو نکرد و سرگردان و حیران به این طرف و آن طرف رفت. او در خانه‌اش مانده و با این همه به او دست یافته. نیازی به جایی رفتن نیست. در حقیقت تحت عنوان راه، سفر زیارتی و زیارت وجود ندارد.» اشو راز بزرگ، ترجمه: روان کهریز، نشر باغ نو، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۲۵۰.

۳. فایل صوتی در بسیاری سایت‌ها از طاهری منتشر شده و موجود است.

۴. «فقها دیگران را فریب می‌دهند؛ ولی خودشان را چطور گول می‌زنند.» اشو راز بزرگ، ص ۲۹۱. «وقتی محمد می‌میرد، دشمنان دست به کار می‌شوند...

سای بابا^۱ برای تجمع سالانه پیروان خود، معبدی با عنوان «پراشانتی نیلایام» به معنای فریبنده «آشیانه صلح برین» تأسیس کرد. اشو نیز معابدی به نام «گُمون» احداث کرد. هدف اصلی این عرفان‌واره‌ها، از تأسیس چنین معابد و پایگاه‌هایی، به خصوص در ایران را می‌توان مقابله با پایگاه‌های اصیلی چون مساجد، حرم‌ها، بیوت مراجع و دیگر مراکز دینی و مذهبی دانست.^۲

ب) ایجاد اخلاص‌ها و شورش‌های اجتماعی و امنیتی و حمایت از آن‌ها

از نظر اکثر عرفان‌های نوظهور که عمدتاً تحت تأثیر مکاتب هندو و بودیسم و اعتقادات آن‌ها هستند، بر اساس اعتقاد به نظام طبقاتی کاست،^۳ بایستی

هیچ نوع اعتراضی به هیچ حاکمیت و حکومتی نداشته باشند؛ اما با توجه به مدیریت این عرفان‌واره‌ها توسط استعمار غرب، برخی از آن‌ها اعتراض به حاکمیت را در دستور کار خود دارند. آن‌ها به پیروان خود آموزش می‌دهند علیه همه چیز قیام کنند، ستیزه‌جویی پیشه سازند و راه عصیان مطلق را در پیش گیرند. به عنوان نمونه، اشو می‌گوید: «عصیان کردن علیه همه چیزهای مرده و بی‌هوش، بزرگ‌ترین ماجراجویی، بزرگ‌ترین تحول است. این کار روح و هوش تو را صیقل می‌دهد».^۴

برخی از فرقه‌های نوظهور دیگر مانند شیطان‌پرستان^۵ نیز با ترویج برخی نمادها،

که روابط انسان‌ها با یکدیگر را دیکته می‌کند، جامعه هند را از گذشته‌های دور به چهار طبقه تقسیم کرده است: الف) برهمن‌ها: طبقه روحانیان؛ ب) کشاتریاها: طبقه شاهزادگان و جنگاوران؛ ج) ویشایاها: طبقه بازرگانان و صنعت‌گران؛ د) شودراها یا سادراها: طبقه کارگران. هر کس که در این چهار طبقه‌بندی ننگنجد «نجس» یا فرد لمس‌ناپذیر (دالیت) محسوب می‌شود. ۴. قطره‌ای در دریا، اشو، ترجمه: مجید پزشکی، نشر هودین، اصفهان، ۱۳۸۳ ش، ص ۸۵.

۵. کُزراهه شیطان‌پرستی، حمید نگارش، انتشارات زمزم هدایت، وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹ ش، ص ۸۹.

۱. «باگوان شری ساتیاسای بابا» یا «سوآمی ساتیا سایی بابا» که در سن چهارده سالگی مدعی شد از سوی خدا برای هدایت آدمیان برگزیده شده است، سپس ادعای خدایی کرد و ۱۱ سال زودتر از پیش‌بینی خود، طعم مرگ را چشید تا یک خدای دروغین دیگر رسوا شود.

۲. نگاهی متفاوت به سای بابا، مشکانی و کیانی، صهای یقین، قم، ۱۳۹۱ ش، صص ۴۲-۴۳.

۳. مفهوم «کاست» یا نظام طبقاتی در جامعه و کشور هند سلسله مراتب اجتماعی هندوهاست. این نظام

اوایل سال گذشته میلادی خبری در وبلاگ های وابسته به شیطان پرستان ایران منتشر شد که «اهریمن» سرکرده این گروه، پیوستن گروهش را به «انجمن پادشاهی ایران» اعلام کرد.^۳

«پیمان فتاحی»^۴ نیز در فیلمی که از اعترافات وی در زندان توسط صداوسیما پخش شد، می گوید: «من قصد تصرف حکومت و تصاحب نظام اسلامی را داشتم».^۵

پیروان خود را به شورش تشویق می کنند. قرائن زیادی درباره دخالت پیروان عرفان های کاذب در آشوب های ضد نظام مقدس جمهوری اسلامی وجود دارد. از جمله: یکی از دانشجویانی که به تازگی از فرقه شیطان پرستان خارج شده، در این رابطه می گوید: عناصری از رژیم صهیونیستی که در کشور امارات حضور دارند، شبکه اصلی هدایت گروه های هوی متال^۱ در ایران را به دست دارند.^۲

۱. بر اساس شواهد گوناگون، شیطان پرستان در ارتباط مستقیم با سازمان های جاسوسی سیا و موساد و محافل زرسالار و زورمدار صهیونیسم جهانی هستند و شکل گیری و فعالیت آنان در هر کشوری زمینه ای از مخاطرات امنیتی را فراهم می سازد؛ چراکه این نحله با تکیه بر دو ابزار اثرگذار موسیقی راک در قالب گروه های متال و تأکید فراوان بر روابط آزاد جنسی در فعالیت های گروه، ظهور اجتماعی می یابد و عمده نیروهای خود را از میان نوجوانان و جوانان کشورها شکار می کند. سپس طی یک فرآیند حساب شده آن ها را شست و شوی مغزی داده، با القای افکار الحادی و پوچ انگارانه، به ابزاری در دست گروه تبدیل می کند. توجه به این نکته ضروری است که تعالیم شیطان پرستی بر پابندی به گروه تأکید داشته، در این گروه سانسور رژیم حکم فرماست. (فرقه ها شیطان پرستی و چالش های امنیتی، به آدرس:

<https://www.javann.ir/...Sju>

۲. ظلمات است بترس از خطر گمراهی...، شبکه

خبری برنا، ۱۳۸۶/۱۱/۲.

۳. مقاله: نحوه ورود و شکل گیری گروه های شیطان پرستی در ایران (۲)، خبرگزاری فارس، ۸۶/۱۰/۱۱.

۴. رهبر آیین رام الله در ایران که ادعا داشت از غیب باخبر است و بر تمام علوم باطنی تسلط دارد و در عین ناباوری مریدان وی در خرداد سال ۸۶ در حین دستگیری به جای ناپدید شدن، از دیوار حیاط همسایه فرار کرد. این دستگیری فرصتی شد تا چهره پوشالی اش آشکار شود. وی چندین بار به دلیل ترویج عقاید خرافی و انحرافی و فریب مردم به ویژه جوانان به همراه گروهی از اطرافیانش بازداشت شده است.

۵. وبگاه انعکاس (۱۸ آبان ۱۳۹۱): «اطلاعیه شماره ۱۳: اخبار تکمیلی درباره دلایل چهارمین دستگیری ایلیا میم (پیمان فتاحی)». وبگاه انعکاس، دریافت شده در ۲۷ فروردین ۱۳۹۵.

«دالایی لاما»^۱ خود را دارای آموزه‌های به ظاهر بشردوستانه، صلح طلبانه^۲ و کارآمد برای حل بحران‌های اخلاقی و معنوی جهان حاضر معرفی می‌کند و تاکنون بارها شیفتگی و نزدیکی خود به رژیم صهیونیستی را اظهار داشته است. وی ۲۷ سپتامبر (پنجم مهرماه) در کنفرانس صلح در «ونکوور» کانادا سخنرانی داشت که در حاشیه این مراسم با در دست گرفتن تراکت سبزرنگی که بر آن جمله «آزادی برای ایران» نقش بسته بود، هم‌بستگی خود را با فتنه‌گران در ایران نشان داد. این اقدامات توسط اعضای فرقه حلقه و در غیاب رهبر فرقه (طاهری) نیز صورت گرفته است. طبق اطلاعات به دست آمده، طاهری در دوره پس از دستگیری اول، به مریدانش اعلام کرده بود

۱. «تنزین گیاتسو» که بر اساس باورهای سنتی تبتی تجسم دوباره دالایی لاما ی سیزدهم - که در سال ۱۹۳۲م از دنیا رفت - پنداشته شده، ادعای معنویت‌خواهی و صلح‌طلبی داشته است.

۲. ادعای صلح‌طلبی دالایی لاما به گونه‌ای افراط‌گرایانه است که وی با اعدام صدام که فردی جانی و متجاوز بوده و در طول دو دهه جان هزارهاتن را گرفت، مخالفت کرد.

در صورتی که بازداشت مجدد او به طول انجامید، برای آزادسازی او اقداماتی شورشی انجام دهند.^۳

طاهری پس از گذراندن دوره زندان خود به کانادا پناهنده شد، سپس پیروان عرفان حلقه با حمایت از اقدام وی، شروع به جمع‌آوری امضا کرده، خواستار سلب تابعیت از نظام جمهوری اسلامی ایران با شعار: «تابعیت جمهوری اسلامی را از ما سلب کنید!» شدند. اقدامات ضدامنیتی و ضدحکومتی پیروان عرفان حلقه باعث شد سازمان عفو بین‌الملل در گزارش خود، از نقض حقوق بشر توسط حاکمیت جمهوری اسلامی در برخورداری شهروندان از حق آزادی مذهب و عقیده یاد کند.

در صفحه ۹ این گزارش، به حقوق تضییع شده پیروان مکتب عرفان حلقه اشاره شده، می‌نویسد: آزادی مذهب و عقیده به شکل سازمان‌یافته در قانون و در عمل نقض شد. برخی از اقلیت‌های مذهبی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند، از جمله پیروان

۳. ره افسانه؛ آسیب‌شناسی عرفان حلقه، محمودرضا قاسمی، نشر ذکری، ۱۳۹۵، چاپ اول، ص ۴۷.



۲. بهانه دادن به بیگانگان برای اعمال فشار بر ایران، همانند دیدار حلقهٔ اول فرقه به نمایندگی تشکیلات غیرانتفاعی اینتریونیورسالیسم^۳ (عرفان حلقه) در دانشگاه «کنکوردیا»^۴ با احمد شهید^۵ در خصوص نقض حقوق استاد محمدعلی طاهری و نیز دیدار نمایندگان مرکز پژوهش و گسترش آثار و افکار طاهری در کالیفرنیا با آقای احمد شهید، دیده‌بان حقوق بشر در ایران در دانشگاه «یوسی ال آ»^۶ و شرح اعتصابات طاهری و بیان حال وخیم او در زندان، دلیل حبس او را سیاسی جلوه داده، از او برای اجرای حقوق بشر استمداد کردند؛^۷

۳. Interuniversalism.

۴. Concordia University.

۵. سیاست مدار و دیپلمات و از فعالان امور حقوق بشر و دموکراسی اهل مالدیو است. وی در دو مقطع بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ میلادی وزیر خارجه مالدیو بوده است. وی در ۲۴ مارس ۲۰۱۶ برای ششمین سال متوالی از طرف سازمان ملل متحد به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران انتخاب شد.

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2015/03/150327_ahmad-shaheed-iran-human-rights

۲۲۷_14_ahmad-shaheed-iran-human-rights

۶. UCLA.

۷. Interuniversalism Online.

«مکتب عرفان حلقه» نیز به دلیل عمل به اعتقادات و باورهایشان مورد آزار و محاکمه قرار گرفته و با تبعیض سازمان یافته مواجه شدند.^۱

وزیر وقت اطلاعات، حجت الاسلام مصلحی، در مصاحبه‌ای دربارهٔ این فرقه گفت: دستگاه اطلاعاتی ایران متوجه شد عرفان کیهانی توسط منافقین اداره می‌شود و رد پای منافقین را در جای جای عرفان‌های کاذب کشف نمود.^۲

برخی دیگر از اقدامات این فرقه به شرح زیر است:

۱. ارتباط با بیگانگان، همانند مکاتبه از سوی حلقهٔ اول (طاهری) با «باراک اوباما»، رئیس جمهور آمریکا که در آن اعضای فرقه، دولت ایران را متهم به بی عدالتی و بی توجهی به علم و دانش و آزاداندیشی کرده، به دلیل اتهامات ساختگی و دروغین در زندان است و احتمال این که اعدام شود، وجود دارد؛

۱. وضعیت حقوق بشر در ایران، ۲۰۱۹ م.

۲. فرقه‌های نوظهور، عامل اصلی بروز فتنه ۸۸، مصاحبه اختصاصی وزیر اطلاعات با خبرگزاری مهر، به آدرس: mehrnnews.com/xgvyV

۳. تجمعات غیرقانونی همانند تجمعات افراد معدود در قلهک تهران،^۱ تجمع غیرقانونی تعدادی از آن‌ها در مسجد جامع شهرک غرب، امامزاده صالح^۲ و....

ج) ترویج فساد و بی‌بندوباری

استعمارگران برای وصول به مقاصد شوم خویش و مبارزه با عقاید و افکار مردم، می‌کوشند تا جو روحی، روانی و اخلاقی انسان‌ها و محیط اجتماعی آنان را برای خواسته‌های خود مساعد و برای رشد اندیشه‌های نورانی و الهی نامساعد سازند تا آنان را برای پذیرفتن استثمار، بردگی و بی‌تفاوتی آماده کنند. چنان‌چه اگر انسان در عمل فاسد، مادی، عیاش، شهوتران و بی‌بندوبار باشد و جو محیط اجتماعی‌اش نیز فاسد گردد، تدریجاً زمینه تفکر و اندیشه‌هایش به حکم اصل «انطباق با محیط» با محیط روحی و اجتماعی فاسد سازگار شده، اندیشه‌های متعالی و خداگونه شدن جای خود را به افکار پست مادی‌گری و وساوس شیطانی می‌دهد، تا آن‌جا که حتی توان درک و

احساس فضیلت و کمال در وی افول کرده، گاه شرارت‌ها و پستی‌ها را نیک و ناحق را حق می‌پندارد و نه تنها از انجام کارهای زشت و ناپسند شرمند نمی‌شود؛ بلکه بدان‌ها مباحات نیز می‌نماید. در این صورت، چنین فردی برای هر نوع مزدوری و بهره‌کشی آمادگی خواهد داشت.

عرفان‌های کاذب که ابزاری در دست بیگانگان و استعمارگران برای رسیدن به مقاصد پلید آن‌ها هستند، برای ایجاد چنین جامعه‌ای، از شیوه‌های ذیل استفاده می‌کنند:

۱. ترویج بی‌بندوباری جنسی

نیاز آدمی به ارضای غریزه جنسی، امری بدیهی و ضروری است. اصولاً غرایز در وجود آدمی، منبع انرژی‌ها و پتانسیل‌هایی است که خداوند بر اساس حکمت، آن‌ها را پدید آورده. مهم شناخت حدود و قیودی است که این انرژی‌ها بایستی در آن قالب‌ها به کار گرفته شوند تا در چرخه حیات انسان مفید و مؤثر واقع شوند و ضرر و زیانی به او و دیگران وارد نیاورند.^۳

۱. didehbancenter.com.

۲. ifpress.ir.

۳. تربیت جنسی، چالش‌ها و ضرورت‌ها، مجله

آن چه از آیات قرآن استفاده می شود، تشویق بر ارضای صحیح و قانونی این غریزه است و بهره‌وری از این حس به صورت مطلق و بدون قید را از شنیع‌ترین اعمال می‌داند.^۱ بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، روابط جنسی محدود و متأثر از حدود و قیود شرعی است و پیروان عرفان‌های کاذب معمولاً این حدود را رعایت نمی‌کنند.

افکار و آموزه‌هایی که از سوی عرفان‌های نوظهور، به ویژه در دهه اخیر، در کشور شیوع پیدا کرده، آسیب‌هایی جدی متوجه عقاید نسل جوان کرده است که باید به مقابله با آنان پرداخت. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «برای این که ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند، در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، به خصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی بندوباری و اباحه‌گری تا ترویج

عرفان‌های کاذب (جنس بدلی عرفان حقیقی) تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی؛ این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد. هدفش آن هم این است که دین را در جامعه ضعیف کنند».^۲

«میشل فوکو» می‌گوید: باید این فرضیه را رها کنیم که جوامع مدرن صنعتی، وارد عصر سرکوبی روزافزون میلی سکسی شده‌اند. برعکس، ما شاهد رواج محسوس روابط سهل انگارانه سکسی شده‌ایم.^۳ اشو می‌گوید: سکس باید بزرگ‌ترین هنر مدیتیشن شود.^۴ اگر می‌خواهید عشق در زندگی تان بیارد، از این ستیز با سکس دست بکشید!^۵

او از سرزنش کردن سکس گله می‌کند و مدعی می‌شود که سکس امر قبیح و

۲. دیدار رهبر معظم انقلاب علیه السلام با مردم قم، مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۷ ش.

۳. مدیریت غریزه جنسی، صدرا هاشمی، مجله نخل شهداد، تهران، بهار ۱۳۸۶، ش ۹.

۴. الماس‌های اوشو، ترجمه: مرجان فرجی، ص ۲۴۰.

۵. از سکس تا فراآگاهی اشو، ترجمه: محسن خاتمی، ص ۳.

معرفت، شهریور ۱۳۸۳، ش ۸۱.

۱. بررسی محتوای مناسب برای تربیت جنسی، محسن فرمی‌هنی فراهانی، تربیت اسلامی ویژه تربیت جنسی، سال سوم، ۱۳۸۳ ش، ش ۸.

زشتی نیست و زشت یا زهر بودن آن به خاطر خائن بودن آموزگاران مذهبی است. او می‌گوید: سکس نباید چیزی قبیح باشد، نباید به صورت چیزی زشت دیده شود، نباید سرزنش و محکوم شود.^۱

یکی دیگر از کسانی که با هنرمندی خوانندگان، پیروان خود را به سوی مسائل جنسی و شهوانی می‌کشاند و می‌کوشد به هرزگی‌ها پوششی معنوی و عرفانی بدهد «پائولو کوئیلو»^۲ است. وی دربارهٔ نقش نیروی جنسی می‌گوید: برای تحقق تشریف، باید با این نیرو آشنا شوی... پس چطور با آن روبرو شوم؟ یک فرمول ساده است... فرمول این است که در تمام مدت رابطهٔ جنسی، از حواس پنج‌گانه‌ات استفاده کن. اگر در لحظهٔ لذت جنسی،

۱. همان، صص ۳-۴.

۲. وی در سال ۱۹۴۷م در برزیل به دنیا آمد و در نوجوانی و جوانی احساسات ضد مذهبی شدیدی داشت. از ۱۷ سالگی به بعد سه بار در بیمارستان روانی بستری شد. مدت‌های مدیدی از داروهای اعصاب و روان استفاده می‌کرد و سپس به استفاده از مواد مخدر روی آورد. پیشینه اخلاقی و اجتماعی بسیار منفی و تاریکی داشت. کوئیلو چندین بار تصمیم به خودکشی گرفت. کتاب‌های او بازتاب تفکراتش بوده و با جوسازی تابه‌حال به ۵۶ زبان دنیا ترجمه شده‌اند.

همهٔ این حواس با هم از راه برسند، برای تشریف پذیرفته می‌شوی.^۳

وی که می‌کوشد خلسهٔ عرفانی را معادل لذت جنسی معرفی کند، در این باره می‌نویسد: در لحظهٔ اوج لذت جنسی، حواس پنج‌گانه ناپدید می‌شود و وارد جهان جادو می‌شویم؛ دیگر نمی‌توانیم بینیم، بشنویم، بچشیم، لمس کنیم یا بویسیم. در آن چند ثانیهٔ طولانی همه چیز ناپدید می‌شود و خلسه‌ای جای آن‌ها را می‌گیرد. خلسه‌ای کاملاً مشابه خلسه‌ای که عرفا پس از سال‌ها پرهیزکاری و ریاضت به آن می‌رسند.^۴

«دونالد والش» در کم‌رنگ کردن ارزش‌های اخلاقی تا حدی پیش می‌رود که به ویژگی‌های حیوانی و غرایز نفسانی تقدسی خاص می‌دهد و می‌گوید: چیزهایی را که غرایز پست، ابتدایی یا حیوانی انسان می‌نامی، محکوم نکن؛ بلکه محترم بشمار.^۵

۳. بریدا، پائولو کوئیلو، ترجمه: آرش حجازی و بهرام جعفری، نشر کاروان، تهران، ۱۳۸۴ش، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۴. همان، ص ۲۰۳.

۵. گفتگو با خدا، نیل دونالد والش، ترجمه: توران دخت

بی‌بندوباری جنسی در عرفان حلقه نیز ترویج داده می‌شود. چنانچه یکی از احکام صادره برای رئیس فرقه حلقه در خصوص لمس نامحرم بوده است. خانم «ز.ح» نیز که به دلیل انحراف همسرش در عرفان کیهانی در شرف طلاق است، درباره آسیب‌های وارد شده به همسرش می‌گوید: «در کلاس‌های عرفان حلقه روابط نامشروع هم پیدا می‌شود و این درباره همسر من و آن خانم ۵۰ ساله هم این اتفاق افتاد و با هم به هجرت رفتند و صد درصد ارتباط نامشروع آن چنانی هم بین این دو شکل گرفت. این روابط نامشروع در اکثر گروه‌ها وجود دارد».^۱

۲. ترویج برهنگی در خانواده

در بسیاری از کتاب‌های کوئیلو، ترویج برهنگی و شرم نکردن از این کار در حضور دیگران دیده می‌شود و این را نوعی آزادی تصویر می‌کند. وی معتقد است وقتی روح احساس آزادی کند، باید جسم را آزاد کرد. کوئیلو می‌گوید: «در احاطه

صحرا و افق پهناور، روحشان به تدریج آزادی بیش‌تری حس می‌کرد.» و بلافاصله می‌افزاید: «پائولو گفت: بیا لباس‌هایمان را در بیاوریم.» و باز می‌افزاید: «کریس هم که به زحمت جلوی خنده خود را می‌گرفت، لباس‌هایش را درآورد.»^۲

اشو بر اساس اعتقادش بر سکس و نفی خانواده، نسخه برهنگی در خانواده برای فرزندان را می‌پسندد و این‌گونه توصیه می‌کند: «اگر دنیا بخواهد از دام جنسیت رها شود، کودکان باید مجاز باشند تا جایی که ممکن است، در خانه برهنه بگردند. توصیه می‌شود که دختران و پسران تا حد مقدور برهنه با هم بازی کنند تا تماماً با بدن‌های یکدیگر آشنا شوند.»^۳

۳. ترویج هم‌جنس‌بازی با نفی ازدواج و خانواده

جامعه‌ای که غرق زندگی مادی بوده، به معنویت کم‌تر توجه کند و خدا و روز رستاخیز را به فراموشی بسپارد، امری به نام عاطفه برایش باقی نمی‌ماند. حیاتی را که

۲. والکری‌ها، پائولو کوئیلو، ترجمه: سوسن اردکانی، انتشارات نگارستان، تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۶۷.
۳. از سکس تا فراآگاهی، اشو، ترجمه: محسن خاتمی، صص ۶۸-۶۹.

۱. آسیب‌شناسی عرفان حلقه کیهانی، محمودرضا قاسمی، ص ۹۵.
تمدن، نشر دایره، تهران، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۸۹.

غرب به ارمغان آورده، دنیایی است که لذت جویی و کامیابی در آن، محور تمام توجهات می باشد. ناگفته پیداست، هرگاه شهوت و لذت محور زندگی قرار گرفت، جوان در خود نیازی به ازدواج و محدود ماندن در یک رابطه جنسی احساس نمی کند.

این تفکر، خانواده را مانند زندانی تصور می کند که هیجانات فرد در آن حبس شده، فرد برای رها کردن خویش مجبور است خود را از بند خانواده برهاند. طبیعی است با چنین دیدگاهی، هر فرد خود را موظف به مقابله با سنت خانواده می داند.

برخی از جریان های مدعی معنویت نیز همانند اشو، روابط سالم و قانونی را که در ازدواج برقرار می شود، نمی پسندد و از آن اظهار ناخشنودی می کند. بنابراین، هرگاه رابطه قانونی و روشنی به نام ازدواج نفی شود، به جای آن معلوم نیست چه چیزی گذاشته می شود.

گرچه خانواده و ازدواج از نظر اشو و امثال او قابل قبول نیست؛ اما هم جنس گرایی از نظر آن ها قابل قبول و ازدواج و رابطه مرد با مرد و زن با زن، بسیار راحت تر و قابل فهم تر است تا رابطه زن و

مرد. به عنوان مثال اشو می گوید: «هم جنس گرایی را بهانه نکنید. هیچ چیز اشتباهی در آن نیست... هم جنس گرایی یکی از مراحل ضروری رشد انسان اعم از مرد یا زن است. سه مرحله رشد جنسی وجود دارد: رابطه جنسی با خود در کودکی، هم جنس گرایی، ناهم جنس گرایی... زن و مرد هرگز دوستان خوبی نیستند و نخواهند بود. عشاق دوستان خوبی نیستند؛ ولی می توانند دشمن هم باشند؛ ولی مردان با مردان و زنان با زنان بهتر می توانند دوستی کنند. رابطه مرد با مرد بسیار راحت تر و قابل فهم تر است تا رابطه زن و مرد. ازدواج دوزن با یکدیگر یا دو مرد با یکدیگر با وجودی که غیرعلمی است؛ ولی قابل قبول است و کسی نمی تواند مانع آن شود»^۱.

اشو مدعی است که با از بین رفتن خانواده، قسمت اعظم بیماری های روانی و جنون سیاسی نیز از میان خواهد رفت و

۱. گزیده ای از فصل هم جنس گرایی «کتاب انسان» اشو، منتشر شده در سال ۲۰۰۵م توسط انتشارات پنگوئن در لندن، به نقل از: نگرشی بر آرای اشو، محمد تقی فعالی، انتشارات عابد، ۱۳۸۹، چاپ اول، ص ۲۷.

گلوله، پریدن از بالای یک ساختمان بلند، خود را به دار آویختن، هیچ‌کدام از این روش‌ها با سرشت زنانه‌اش سازگار نبود. زن‌ها وقتی خودشان را می‌کشند، روش شاعرانه‌تری انتخاب می‌کنند. مانند بریدن رگ‌های دستشان یا خوردن تعداد زیادی قرص‌های خواب‌آور.^۶

۵. ترویج مواد مخدر

از دیگر معضلات عرفان‌های کاذب، بر خلاف قوانین جاری نظام جمهوری اسلامی، ترویج مصرف مواد مخدر است. اعتیاد بعضی از سران فرقه به مواد مخدر و ترویج آن معمولاً به بهانه رسیدن به آرامش و در خلسه رفتن است. آن‌ها به این کار خود افتخار و در آثار و گفتار خود از آن به نیکی یاد می‌کنند.

پائولو کوئیلو از اعتیاد شدیدش به مواد مخدر، ناهنجاری جنسی، سابقه چند بار بستری شدن در بیمارستان و تحمل شوک برقی و ازدواج‌های ناموفقش

عشق، جایگاه خود را بازخواهد یافت.^۱ او معتقد است: «بچه باید به کمون تعلق داشته باشد، نه به پدر و مادرها.»^۲ او باز بیان می‌دارد: «بزرگ‌ترین بردگی، بردگی و استثمار کودک توسط پدر و مادر اوست.»^۳ و «پدر و مادر، جامعه، آموزگاران و موعظه‌گران، همگی گروه‌هایی هستند که کودک به وسیله آن‌ها استثمار شده و در قالب‌های متناسب با منافع آنان شکل می‌گیرد.»^۴

۴. ترویج خودکشی

یکی از کسانی که خودکشی را ترویج می‌دهد «پائولو کوئیلو» است که برای قهرمان‌های داستان‌های خویش، فرجامی خوش در نظر دارد و آن خودکشی است. او روش‌های مختلفی را برای این امر پیشنهاد می‌دهد و می‌گوید: «روش‌های بسیاری برای خودکشی هست.»^۵ ... خودکشی با

۱. ر.ک: همان، ص ۹۷.

۲. آینده‌پلائی، اشو، ترجمه: مرجان فرجی، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۹۸.

۳. کودک‌نوین، اشو، ترجمه: مرجان فرجی، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۰ش، صص ۴۰-۴۱.

۴. همان، ص ۳۲.

۵. کنار رود پیدرا نشستم و گریستم، پائولو کوئیلو،

ترجمه: آرش حجازی، نشر کاروان، تهران، ۱۳۷۹ش، ص ۴۶.

۶. همان، ص ۴۹.

پرده برمی دارد^۱ و می گوید: «مواد مصرف می کردم»^۲

رهبران یوگا^۳ یکی از راه های رسیدن به مقامات بالا را استفاده از گیاهان مخدر و توهم زا معرفی می کنند که امروزه داروهای روان گردان صنعتی جایگزین آن شده است.^۴ «کاستاندا»^۵ استفاده از گیاهان

روان گردان را بهترین راه جهت رسیدن به اوج آگاهی و معرفت شهودی می داند. وی در توضیح این گیاهان می گوید: با بلعیدن هریک از این گیاهان توهم زا «دون خوان» در من به عنوان شاگرد خود، حالات خاصی از ادراک غیرعادی یا آگاهی دگرگونی ایجاد می کرد که من این حالت را «حالت واقعیت غیرعادی» نام نهاده ام. واژه «واقعیت» را از آن رو به کار گرفته ام که در نظام باورهای دون خوان، این یک فرض بنیادین بود که حالات آگاهی حاصل از بلع هریک از این سه گیاه «توهمات» نبوده؛ بلکه وجوهی عینی از واقعیت های روزمره اند، اگرچه غیرعادی باشند. دون خوان، به این حالت واقعیت غیرعادی، همچون واقعیت می نگریست؛ نه چنان که گویی واقعیت است.^۶

د) انزوای اجتماعی

انزوای اجتماعی در واقع حالتی است که در آن فرد یا مجموعه ای از افراد به واسطه درکی که از شرایط محیط

۱. زندگی یک سالک، ص ۲۰ به بعد؛ همین طور مصاحبه در ایران و سخنرانی ها و مصاحبه با مجلات خارجی.

۲. ورنیکا تصمیم می گیرد بمیرد، پائولو کوئیلو، ترجمه: آرش حجازی، انتشارات کاروان، تهران، بی تا، ص ۱۰۵.

۳. یوگا ورزشی جسمی و روانی (فکری) که در شبه قاره هند و توسط هندوها به وجود آمده است. «پتنجلی» مؤسس یوگا است. فلسفه نظری «سانکهایه» که یکی از مکاتب فلسفی هند می باشد، اساس و پایه یوگا است. در یوگا تکنیک هایی مطرح می شود تا انسان از طریق آن ها به آرامش عصبی یا ذهنی برسد. انحرافات مدعیان یوگا کم تر از سایر گروه های عرفان های کاذب نیست.

۴. یوگاسوتره های پتنجلی، سوامی ساتیاندا سرسوتی، ترجمه: سید جلال الدین موسوی نسب (آناندا جیوتی)، انتشارات فراروان، تهران، ۱۳۸۰ ش، فصل ۴، بند ۱.

۵. وی بنیان گذار عرفان سرخ پوستی است که آن را آیین ساحری یا جادوگری نیز می نامند. استفاده از گیاهان روان گردان با هدف تحصیل معرفت، خودداری از آمیزش جنسی و عقل ستیزی، از شاخصه های این نوع معنویت کاذب است.

۶. حقیقتی دیگر، کارلوس کاستاندا، ترجمه: ابراهیم مکلا، نشر دیدار، تهران، چاپ هشتم، زمستان ۱۳۸۸ ش، ص ۱۰.

پیرامون خود دارند، تحت تأثیر انگیزه‌های متفاوت فردی و اجتماعی ارتباط خود با پیرامون را قطع می‌کنند. این مسئله به خودی خود ایجاد کننده چند مشکل اساسی برای جامعه است؛ چراکه از یک طرف فرد را از وارد شدن به روابط اجتماعی - که به نحوی نیازهای اساسی اش را برطرف کرده و او را به صورت داوطلبانه وارد فرآیندهای منتهی به ملت‌سازی و ادغام اجتماعی می‌سازد - محروم می‌نماید و از طرف دیگر، امکان فراهم آمدن زمینه‌های هم‌بستگی اجتماعی و قوام جامعه از یک سو و تنش‌زدایی از حوزه‌های گوناگون اجتماعی و مخصوصاً حوزه سیاسی را از سوی دیگر از بین می‌برد و فرد را در مسیری خلاف هنجارها و روابط و قوانین فرهنگ اجتماعی حرکت می‌دهد.

سرکردگان عرفان‌های نوظهور با ناسازگار دانستن بعد مادی و روحی انسان و ترویج دوگانگی آن، پیروان خود را به گوشه‌نشینی، انزوا و دوری از جامعه و دغدغه‌های اجتماعی دعوت می‌کنند:

«آن‌ها تنها راه تقویت روح را بی‌توجهی کامل و مطلق به بدن می‌دانند».^۱

فرقه‌های نوظهور شبه معنوی به بهانه‌های مختلف، به دنبال منزوی کردن فرد از جامعه و رهایی از وابستگی‌های شخص از جامعه هستند. مثل حفظ اسرار درون فرقه، امنیت فرقه و افرادش و یا قوانین خانه‌های جمعی. آن‌ها افراد را وادار می‌کنند تا تمام ارتباطات خود با دنیای بیرون را یا کاملاً قطع کرده و یا آن را به طور کامل تحت کنترل قرار دهند. بدین ترتیب، افراد مجبور می‌شوند حتی برای تماس با اولیای خود، از مسئول فرقه اجازه بگیرند.

بر اساس این پندار، در فرقه‌های بابا، سالک می‌باید برای جامه عمل پوشاندن به اولین رکن صلح و آرامش؛ یعنی رهایی از وابستگی، خانه و والدین خود را ترک گوید تا رسالت خود را با رهایی از تمام وابستگی‌ها و تعلقات آغاز نماید. سای بابا برای تشویق پیروان خود و عمل به این

۱. کلیات فلسفه، ریچارد پاپکن و آوادم استرول، ترجمه: جلال‌الدین مجتبیوی، نشر حکمت، تهران، ۱۳۹۱ ش، ص ۲۷.

آموزه، خود اولین کسی است که به این عمل اقدام می‌نماید.^۱ با اندکی تأمل در عقایدی از این دست، روشن می‌گردد برای عمل به هریک از تعالیم معنوی و عرفانی به‌ناچار می‌بایست یک قدم از علایق اجتماعی و قوانین معمول اجتماعی دور شد.^۲

«پال توییچل» رهبر و بنیانگذار انکار بود که بسیاری از تعالیمش تنها متکی بر تلقینات توهم‌آمیز و رؤیایی از حضور استاد زنده‌اِک در پشت درها و صداهاست. اکیست‌ها بر انزوا و دوری جستن از اجتماع تأکید بسیار زیادی دارند. در احوالات پال آمده که او اجتماع

را دوست نداشت^۳ یا گفته می‌شود در انکار هر کسی قصر منحصر به فرد خودش را می‌سازد.^۴

در قلمرو انکار، آن‌چه هرگز مفقود نمی‌شود و از دست نمی‌رود، فردیت است. ۵. از تبعات عضویت در این فرقه، پشیمانی زودرس و روبرو شدن اعضا با پوچی است و حتی در اثر فشارهای ناشی از این موضوع، برخی از آن‌ها دست به خودکشی زده‌اند. پیروان این مکتب مدعی‌اند که از طریق رؤیابینی، خود را تا مقام «همکار خدا» ارتقا می‌دهند.^۶

هـ) آمادگی برای سلطه‌پذیری

نهضتی که ملت مسلمان ایران در سال ۱۳۵۷ش به پیروزی رساندند، بر اساس آموزه‌های متعالی و گران‌قدر

۱. در کتاب «زندگی من پیام من است» نقل شده که بعد از مدتی انزوای اجتماعی و کناره‌گیری سای بابا از خانه و کاشانه و خانواده، والدینش او را در حین انجام ذکرهای ریتمیک پیدا کردند. آن‌ها از سای بابا خواهش کردند که به خانه برگردد و به زندگی طبیعی خود ادامه دهد؛ اما وی در مقابل اسرار والدین خود، می‌گوید: «هیچ‌کس به دیگری متعلق نیست. این‌ها همه توهمات است.» زندگی من پیام من است، سای بابا، سوامی ساتیا، ترجمه: پروین بیات، عصر روشن‌بینی، تهران، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰.
۲. نگاهی متفاوت به سای بابا، محمدحسین کیانی، صهبای یقین، قم، ۱۳۹۱ش، ص ۴۳.

۳. انکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، داگلاس منسون، تاد کرامر، ترجمه: مهیار جلالیانی، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۲۰.
۴. پالچی یک تاریخچه، سیمپسون پتی، ترجمه: مریم البرزی، نشر دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۹.

۵. همان، ص ۱۴۹.
۶. فرقه‌های نوظهور، عامل اصلی بروز فتنه ۸۸، مصاحبه اختصاصی وزیر اطلاعات با خبرگزاری مهر، به آدرس: mehmews.com/xgvyV.

اسلام بود. مردم با توجه به رهنمودهای امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دریافته بودند که پیروی از تعالیم والای این دین بزرگ الهی، بهترین و مناسب‌ترین راه برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان است. به همین دلیل این انقلاب «انقلاب اسلامی» نام گرفت. انقلابی که در پی تحقق آرمان‌های راهگشای اسلامی است. یکی از این آرمان‌ها، ایستادگی در برابر استکبار و به عبارتی «استکبارستیزی» می‌باشد.

استکبار جهانی جهت تحقق اهداف خود، تلاش‌های زیادی را برای حذف این آرمان می‌کند. آن‌ها با ترویج عرفان‌های نوظهور سعی در تحقق روحیه ظلم‌پذیری دارند. عرفان‌های نوظهور مردم را سر به زیر و تسلیم بار می‌آورند؛ زیرا این عرفان‌ها مردم را از واقعیت‌های بیرونی جدا کرده، راه نجات را در بی‌خبری و رجوع به درون معرفی می‌کنند.

«کرشنا مورتی» در کتاب «فراسوی خشونت» دین، ملیت و ایدئولوژی را سبب نزاع می‌داند و راه نجات از خشونت

را راهایی ذهن از حوادث بیرونی و تعارض‌های ذهنی با استفاده از مدیتیشن برمی‌شمرد.^۱ با این رویکرد، جای تعجب نیست که رسانه‌های غربی به مدیتیشن و ترویج آن توجهی ویژه دارند؛ زیرا برای دنیای سلطه، مهم‌ترین کارکرد مدیتیشن، دادن آرامش به افراد در جوامع پر استرس امروز نیست؛ بلکه تحمل‌پذیر کردن آن‌ها در برابر استیلا و استثمار سلطه‌گران سرمایه‌دار جهانی است.

از دیدگاه مروجین مدیتیشن، لازم نیست به فکر تغییر معادله ظالمانه سلطه‌گران بر دنیای کنونی باشیم؛ بلکه باید این فکرها را دور بریزیم و فقط به خواب غفلت مدیتیشن فرووریم. کرشنا مورتی می‌گوید: «مدیتیشن؛ یعنی این‌که ذهن وقایع روز را به شب نکشاند و هر واقعه‌ای را در همان روز تمام‌شده بدانند».^۲

۱. فراسوی خشونت، کرشنا مورتی، نشر قطره، تهران،

۱۳۸۲ش، صص ۱۸۱-۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۸۷.

«ماهاراشی ماهش»^۱ می‌گوید:
 «بامدادان و شامگاهان به مدیتیشن
 پردازید و در بقیه ساعات راجع به
 پدیده‌ها و مسائل زندگی سخت
 نگیرید»^۲.

در فرقه اکنکار با هدف خدمت به
 استعمار، به رد اجتماع و غیراخلاقی
 دانستن ورود به دنیا پرداخته، فضا را برای
 چپاولگران و استعمار به خوبی باز می‌کند.
 در این فرقه استادان «وایراگی»^۳ از امیال و
 خواسته‌های دنیوی رسته‌اند و تنها
 مأموریت آنان، هدایت روح به سرچشمه
 الهی است. مسائل اجتماعی برای آنان
 جذاییتی ندارد. غالباً از سیاست و سایر
 شاخص‌های دنیوی کناره می‌گیرند.^۴

۱. ماهاراشی ماهاش یوگی (۲۰۰۸-۱۹۱۸)، مرتاضی
 هندی که ادعا کرد روشی را ابداع کرده که با تکرار برخی
 اصوات می‌تواند به انسان‌ها آرامش بدهد. او نام این
 تکنیک را TM که مخفف دو کلمه Transcendental
 Meditation است، گذاشت.

۲. مدیتیشن عرفان کهن، ماهاریشی ماهاش یوگی،
 ترجمه: رضا جمالیان، نشر درس، تهران، ۱۳۸۵، ص
 ۷۰.

۳. واژه سانسکریت «وایراگی» (Vairagi) به معنای
 غیروابسته است.

۴. اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، ص ۲۵.

طرفداران فرضیه جذب نیز مدعی‌اند
 زندگی باید با تفکرات مثبتی که آن‌ها
 می‌گویند اداره شود، نه تفکرات منفی. به
 همین جهت، توصیه می‌کنند: به جای
 این‌که علیه تروریسم و جنگ اعلام انزجار
 کنید، طرفداران صلح باشید، اگر شما
 علیه چیزی باشید و با آن دشمنی نمایید،
 نفاق و اختلاف در ضمیر شما نقش
 خواهد بست، مقابل هرچه بایستید، همان
 چیز مقابل شما خواهد ایستاد.

شعار مذکور، خواسته یا ناخواسته در
 خدمت آمال و نقشه‌های متجاوزان،
 جنگ طلبان و نظام سلطه جهانی است و
 بیش از همه، ایشان از آن سود خواهند برد؛
 چراکه انسان‌های معنویت‌گرا را ظلم‌پذیر
 بار آورده، بستر ساز تداوم بی‌عدالتی
 موجود خواهند بود. این ایده که «برضد
 هیچ چیز جبهه‌گیری نکنید!»^۵ دست
 تبهکاران را در چپاول و ظلم بازتر و زمینه
 سلطه جهانی استکبار را بیش از پیش
 فراهم می‌نماید.

۵. همان، ص ۲۳۳.

هرچند عرفان‌های نوظهور با ادعای صلح، آرامش و معنویت فرآیند جذب خود را آغاز می‌کنند؛ اما پس از طی فرآیند جذب، افراد را تحت ساز و کار مغزشویی قرار می‌دهند تا در نهایت به عضو مطلوب نهایی - که همان سرسپرده فرقه و بیگانگان است - تبدیل کنند. در این میان، اعضای فرقه از یک عضو عادی جامعه به عنصری تبدیل می‌گردند که تمام روابط فردی، اجتماعی و کاری خود را به نفع وفاداری به فرقه قطع، معلق یا فدا می‌کنند. عضو سرسپرده، کسی است که در مکانیزم پنهانی فرقه، مراتب رشد خود را طی خواهد کرد و در نهایت، هر اقدامی که فرقه تجویز یا توصیه کند، از وی امکان‌پذیر است و این در تعارض با هنجارها، قوانین و احکام حاکمیت آن جامعه و پذیرش ولایت فقیه است.

بدون شک، فعالیت‌های عرفان‌های نوظهور در تمام کشورهای

جهان با مخالفت حاکمیت مواجه و غیرقانونی قلمداد می‌شود تا جایی که برخی از کشورها نظیر: فرانسه، استرالیا، آمریکا، چین، کانادا و... اقدام به تنظیم و تدوین قانون ضد فرقه نموده‌اند. این خطر به اندازه‌ای جدی است که در فرانسه، نه تنها فعالیت‌های فرقه‌ای به واسطه قوانین بسیار جدی و شدید مورد پیگیری قرار گرفته و مجازات‌هایی از حبس‌های طولانی مدت تا جریمه‌های سنگین مالی را به دنبال دارد؛ بلکه فهرستی بلند (قریب به ۳۰۰ گروه) به عنوان فرقه‌های مخرب منتشر گردیده و فعالیت در آن‌ها رسماً غیرقانونی اعلام شده است^۱ که طبیعتاً هر فردی فعالیت این چنینی داشته باشد، باید طبق قانون با وی برخورد شود.

استفاده از تاریخ در تبلیغ دینی

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی امیری

(عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام)

سید محمد مهدی زاد صالح - محمد عبدی

اشاره

نوشتار پیش رو بخشی از گفتگوی
مجله مبلّغان با استاد گرامی حجت
الاسلام والمسلمین جواد سلیمانی
امیری^۳ در موضوع ضرورت آگاهی مبلّغان

از تاریخ اسلام و استفاده از آن در تبلیغ
دینی است.

محضر آیات عظام جعفر سبحانی، ناصر مکارم
شیرازی، جوادی آملی، خاتم یزدی، شیخ جواد تبریزی و
سید محمدرضا مدرسی در فقه و اصول بهره برد.
در سال ۱۳۶۹ شمسی دوره کارشناسی معارف اسلامی
و الهیات و سپس دوره تخصصی کارشناسی ارشد و
دکترای تاریخ را با موفقیت به پایان رساند. از آثار ایشان
می توان موارد زیر را نام برد: ۱. «آزمون خواص» بررسی
نقش خواص در بحرانهای حکومت امیرالمؤمنین
علی علیه السلام؛ ۲. «عدالت در گرداب» جریان شناسی
تحلیلی حکومت علوی علیه السلام؛ ۳. «از عدالت خانه تا
مشروطه غربی»؛ ۴. «امام حسین علیه السلام و جاهلیت نو»؛
۵. «حیات فردی و اجتماعی محمد بن ابی بکر،
استاندار علی علیه السلام در مصر»؛ ۶. «تاریخ تحلیلی اسلام»
از عصر جاهلی تا عصر عاشورا؛ ۷. «رازداران حریم
اهل بیت علیهم السلام»؛ همچنین مقالات متعددی تاکنون از
این استاد به رشته تحریر درآمده است.

*. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم، دانش پژوه
کارشناسی ارشد اخلاق (مؤسسه امام خمینی علیه السلام).

آیدی ایتا: @Smmzs.

** دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

آیدی ایتا: @mohammad.abdi۱۳۷۴.

۳. استاد سلیمانی امیری در سال ۱۳۴۷ شمسی در شهر
امیر کلا از توابع استان مازندران دیده به جهان گشود. در
خلال دوره دبیرستان و جنگ تحمیلی، اندک اندک
انگیزه تحصیل علوم دینی در ایشان زنده شد. سال
۱۳۶۵ش بود که وی پایه حوزه علمیه قم نهاد. او
درس های مقدماتی و سطح را در مدارس تحت برنامه و
حلقه های درس آزاد برخی اساتید گذراند و سپس از

مبلغان: لطفاً در باب ضرورت بهره‌مندی از تاریخ توضیحاتی بفرمایید و به طور کلی آشنایی با تاریخ را چه مقدار برای مبلغان دینی ضروری می‌دانید؟

بیش از یک سوم آیات قرآن در مورد تاریخ است. خداوند متعال در پایان سوره یوسف عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛ «به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است. این سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد؛ بلکه تصدیق آن چه [از کتب] است که پیش از آن بوده و روشن‌گر هر چیز است و رهنمود و رحمتی است برای مردمی که ایمان می‌آورند».

این آیه نشان‌دهنده آن است که تاریخ می‌تواند باورساز باشد. عبرت یک انفعال قلبی است، نه یک فعالیت ذهنی. بیشتر مردم از موضوعات، درس ذهنی می‌گیرند؛

اما آن را به کار نمی‌بندند؛ زیرا اگر معرفت از ساحت ذهن به ساحت دل منتقل نشود؛ یعنی به باور قلبی و عبرت تبدیل نگردد، در انسان سبب حرکت نخواهد شد.

خداوند متعال داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را نقل می‌کند که انسان ببیند او در این عالم، هیچ کسی را نداشت؛ در قعر چاه و گوشه زندان بود؛ اما خداوند او را به واسطه ایمان، توکل و ثبات قدمی که داشت، بالا برد و در کنار عزیز مصر نشاند. خود این داستان به صورت طبیعی خواننده را به این جا می‌رساند که بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ یعنی در او باور ایجاد می‌کند. پس هنر تاریخ این است که باورسازی کند؛ زیرا تاریخ عبرت‌ساز و محرک انسان است.

البته عبرت‌های تاریخ، تنها برای این نیست که باورمان به خدا و این قبیل مسائل اعتقادی زیاد شود؛ بلکه در بصیرت‌بخشی و تصمیم‌گیری‌هایی که در دو راهی‌ها یا چند راهی‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخ می‌دهد؛ می‌تواند خیلی مؤثر باشد.

در زمان امام علی علیه السلام، نحله‌های سیاسی متعددی پیدا شد؛ خوارج، ناکثین، قاسطین و ... همگی خود را منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله، قرآن و سنت می‌کردند. امام علی علیه السلام به آن‌ها فرمودند: «وَاعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنَّ بَعْضَ مَا يُشْتَبِهُ بَعْضًا»^۱ از گذشته دنیا برای آینده، عبرت بگیرید؛ زیرا برخی از مقاطع تاریخ شبیه برخی دیگر است».

این کلام می‌تواند ما را راحت به مقصود برساند. مگر دنبال حق نمی‌گردید؟ همین دعاها را که در این زمان وجود دارد، ببینید در کدام عرصه از تاریخ بوده است؟ در آن عرصه، کسانی که الگوی رفتاری‌شان، گروه ناکثین بود، سرانجامشان چه شد؟ یا آن کسانی که خوارج را الگوی رفتاری خود انتخاب کردند، به کجا کشیده شدند؟ امیرالمؤمنین علی علیه السلام

می‌فرمایند که این‌ها را باید بررسی کرد و عبرت گرفت.

پس تاریخ در هدایت انسان، نقش ویژه‌ای دارد و این نقش را هیچ کدام از علوم انسانی نمی‌تواند به این سادگی ایفا کند و آن «باورسازی» و «عبرت‌آموزی» است؛ اما این ویژگی تاریخ برای مبلغان ثمرات ویژه‌ای دارد. وقتی مبلغ برای هدایت مردم می‌رود، نباید تبلیغ را با کلاس درس، یکسان تلقی کند. تبلیغ، کلاس هدایت به سمت خدا و معارف است. کلاسی برای بصیرت‌زایی و اصلاح اعتقادات و اخلاق جامعه است. مبلغ وقتی اخلاق می‌گوید، می‌خواهد افعال مردم را درست کند، نه ذهنیت افراد را نسبت به علم اخلاق. نمی‌خواهد به مردم بگوید: آیا باید و نباید، ریشه در اعتقادات دارد یا نه؛ بلکه می‌خواهد آن‌ها را در رفتار متخلّق به اخلاق اسلامی کند. یا در عرصه سیاسی، می‌خواهد مردم را با بصیرت کند و در عرصه اعتقادی، مخاطبان را انسان‌های معتقد به اعتقادات قلبی بار بیاورد. تاریخ در این

۱. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۹، ص ۵۹.

جایگاه، مهم‌ترین بازوی اوست که بعضاً با نقل چند داستان می‌تواند مخاطب را به این اهداف برساند.

حضرت آیت الله مصباح یزدی رحمته الله که کتاب‌های عقلی و فلسفی زیادی نوشته‌اند، در درس اخلاق، وقتی به طلاب توصیه می‌کنند که باید پایبند به لباس روحانیت باشند، این داستانی تاریخی را نقل می‌کنند: هنگام غرق شدن فرعون و اصحابش در رود نیل، خداوند متعال به جبرئیل فرمود: آن دلچک دربار فرعون را نجات بده! جبرئیل سؤال کرد: مگر ویژگی این دلچک چیست؟ فرمود: او گاهی لباس موسی را می‌پوشید و ادای او را جلوی فرعون در می‌آورد تا وی بخندد، همین اندازه که او لباس یکی از دوستان مرا می‌پوشید، به خاطر پیغمبر و دوست ما، او را نجات بده!

ایشان با این مثال و قضیه تاریخی به طلاب می‌آموزد که لباس روحانیت برای شما حرمت دارد و می‌تواند شما را از آتش نجات دهد؛ قدرش را بدانید؛ چون لباس پیامبران است؛ یعنی از یک

داستان برای هدایت استفاده می‌کرد؛ چراکه این جا برهان فلسفی و دلایل عقلی به کار نمی‌آید. پس اگر نقل تاریخ حساب شده باشد و با انتخاب صحیحی باشد، می‌تواند هدایتگر باشد.

متأسفانه اطلاعات تاریخی برخی مبلغان کم است. این اطلاعات تاریخی کم، جذابیت منبر را از بین می‌برد؛ چون مردم به تاریخ علاقه دارند. وقتی کسی تاریخ را کنار می‌گذارد، منبری صرفاً کلامی، تفسیری یا حدیثی ارائه می‌دهد که شاید برای طلاب و فضلا جذابیت داشته باشد؛ اما برای توده مردم، جذابیت کمی دارد. برای این‌که جذابیت منبرها بالا برود، باید از تاریخ استفاده بهینه و به جا نمود.

مبلغان: آیا صحیح است که دسترسی به منابع دست اول تاریخی دست نخورده و کامل آسان نیست؛ اما منابع دست دوم در دسترس‌تر هستند؟ کدام دسته از منابع تاریخی را برای مبلغان مناسب‌تر می‌دانید؟

توصیه‌ام به مبلغان این است که منابع دست دوم بخوانند؛ اما منابع دست دومی که تحقیقاتی است؛ یعنی



نویسنده‌اش یک محقق تاریخ است؛ به هر منبعی تمسک نمی‌کند و از آن جا مطلب نقل نمی‌نماید. باید اعتبار تحلیل‌ها و گزاره‌هایش بالا باشد. مثلاً کلیه کتاب‌های علامه جعفر مرتضی عاملی رحمته الله، علامه عسکری رحمته الله و برخی دیگر از فضلاء معاصر، می‌تواند خیلی رهگشا باشد.

البته طلاب باید در طول دروس سطح و خارج، لیستی از کتب تحقیقاتی مفید را داشته باشند و در قالب یک سیر مطالعاتی، آن‌ها را بخوانند. ما یک سیر مطالعاتی تنظیم کرده‌ایم که می‌توانید از آن استفاده کنید.^۱

نکته دیگر این که مطالعه تاریخ باید در سه محور انجام شود: تاریخ نقلی، تاریخ تحلیلی، تاریخ تطبیقی. تاریخی که برای جامعه جذابیت زیادی دارد «تاریخ تطبیقی» است. متأسفانه در حوزه‌های علمیه تکیه را روی تاریخ نقلی و تحلیلی می‌گذارند. تاریخ نقلی می‌گوید این حادثه

در گذشته چگونه اتفاق افتاده؛ تاریخ تحلیلی می‌گوید این حادثه در گذشته چرا اتفاق افتاده و تاریخ تطبیقی می‌گوید مشابه این حادثه در زمان ما چیست و چگونه می‌شود از آن عبرت گرفت؟ گرچه این مورد سوم (تطبیقی) متکی به دو مورد قبل می‌باشد؛ اما اهمیتش از اولی و دومی بیش‌تر است؛ زیرا هدایت‌گری دارد؛ در غیر این صورت اگر تاریخ را به نحوی بخوانید و تحلیل کنید که در همان تاریخ بمانید، ارزشی ندارد. تاریخ باید زنده باشد تا راهنما و درس‌آموز گردد.

مبلغان: مطالعه درباره چه برهه‌هایی از تاریخ

برای مبلغان دینی، ضروری‌تر است؟

برای مبلغان دینی در زمان ما، خواندن تاریخ صدر اسلام - از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا قیام عاشورا - و همچنین از آغاز انقلاب مشروطیت تا استحاله آن و تاریخ انقلاب خیلی ضرورت دارد؛ زیرا عصر ما شبیه عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛ اما عصر حضرت امام رحمته الله شبیه عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله عصر نزول معارف قرآن و اسلام بوده است. عصری که کفر به صورت

۱. سیر مطالعات تاریخ که استاد سلیمانی پیشنهاد داده‌اند، در انتهای این مصاحبه آمده است.

عریان خود را نشان داد؛ اما عصر ما عصر تأویل است؛ عصر به اصل برگرداندن حرکت‌های آینده بر اساس اصول گذشته است. باید در این عصر، مقطع تاریخی عصر امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بخوانیم و ببینیم علل پیدایش انحرافات چه بوده است؟ علت ثابت‌نماندن در مسیر حق و عوامل فاصله‌گرفتن عده‌ای از مسیر حق - که مسیر هدایت اهل بیت (علیهم السلام) است - چه بوده است؟

در تاریخ این مقطع، موضوعات زیادی وجود دارد که برای ما حیاتی و بسیار مهم‌اند. مثل دسته‌بندی خواص در این دوران؛ علت لغزش خواص در این دوران، ضعف‌های شخصیتی است که پیامدهای این لغزش‌ها و نقش ساختارهای غلط یا رجال اهل لغزش در انحرافات صدر اسلام و نقش عدم درک صحیح از مفهوم پیشرفت، رشد و توسعه در آن عصر، مهم است. این‌ها مفاهیم بسیار مطرح و مهمی هستند که می‌توانند برای امروز ما عبرت‌انگیز باشند.

همچنین عوامل انحراف نهضت

مشروطیت که شباهت زیادی با نهضت ما دارد در این است که در آن نهضت نیز در ابتدا علمای دینی در رأس کار بودند؛ آن‌ها هم علمای شیعه. نهضت مشروطه در مقابل استعمار و استبداد شکل گرفت و بر اساس مبانی دینی آغاز شد. نهضتی که با هدف برپایی عدالت اسلامی احداث شده بود؛ اما بعد از چند دهه به حکومت پهلوی و استبداد تبدیل و استحاله شد و سپس از بین رفت. هدف آنان تأسیس عدالت‌خانه بود؛ اما به مشروطه غربی تبدیل شد.

این‌که چرا علما کنار زده شدند؟ چرا روشنفکران سکولار و فراماسون‌ها توانستند به صحنه بیایند و مناصب سیاسی و اقتصادی را در دست خود بگیرند؟ انگلیس استعمارگر که از اول روبروی انقلابیون بود؛ چرا کنار انقلابیون قرار گرفت و بعد هم سبب انحراف انقلاب به مسیری شد که خودش می‌خواست؟ نفوذ در انقلاب مشروطیت از کجا صورت گرفت و استحاله از چه زمانی آغاز شد؟ سهم بی‌بصیرتی شخصیت‌های انقلابی

در این انحراف چقدر بوده است؟ سهم عناصر نفوذی مانند جریان فراماسونری، چه مقدار است؟

مبلغان: مبلغ برای دعوت مردم به مطالعه تاریخ از چه روش‌هایی می‌تواند استفاده کند؟

مبلغ نباید مردم را به تاریخ دعوت کند؛ بلکه باید هدایت نماید و تاریخ ابزاری است که می‌تواند این هدایت را انجام دهد. مبلغ می‌تواند برخی از کتاب‌های تاریخی بصیرت‌زا را به مردم معرفی کند، یا قسمت‌هایی از این‌گونه کتاب‌ها را گزینش نموده، برای مردم بگوید. چند کتاب از [نوع] تاریخ تحلیلی انتخاب کند و به مردم بگوید و به آن‌ها آدرس نیز بدهد. مثلاً کتاب‌های «انسان ۲۵۰ ساله» از رهبر معظم انقلاب علیه السلام، آذرخش کربلا از آیت الله مصباح یزدی رحمته الله، آزمون خواص در حکومت اسلامی، عدالت در گرداب و مانند آن، نمونه‌های خوبی برای معرفی هستند.

پس بهترین راه برای جذب مردم به سوی عبرت‌های تاریخی، همان نقل تاریخ است؛ اما نقل حساب‌شده تطبیقی. هنر تاریخ را با تطبیق نشان دهید

تا در دل‌ها اثر کرده و بصیرت ایجاد کند. اگر از شما پرسیدند، بدانید به مردم چه کتابی را معرفی کنید؛ و الا اگر فقط بگویید تاریخ را بخوانید و کتاب دقیقی معرفی نکنید، مردم دچار مشکل می‌شوند. برخی تاریخ خواندند؛ اما بصیرت‌شان افزایش پیدا نکرد؛ زیرا کتاب‌های موجود نوعاً یا تحلیلی هستند یا نقلی. کم‌تر کتاب تاریخی تطبیقی نوشته شده است.

از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام تاریخ، بیدارگر است؛ اما آن تاریخی که آن را پردازش و گزینش کرده، با عصر حاضر تطبیق کنند، نه صرف تاریخ. تاریخ را باید به حرف آورد. خودش با شما حرف نمی‌زند، و این کار، هنر می‌خواهد. این هنر را برخی خوانندگان یا نویسندگان تاریخ دارند و برخی ندارند.

مبلغان: برای تقویت قدرت تحلیل تاریخ، چه باید کرد؟

تحلیل تاریخ یک دانش است. هر کسی با توجه به تجربیاتی که دارد، قدرت تحلیل پیدا می‌کند. تحلیل تاریخ دانش پیچیده‌ای نیست. برای قدرت یافتن در

تحلیل تطبیقی، روشی تحت عنوان «معیارهای تطبیق تاریخی» وجود دارد که در مصاحبه ای دیگر و یا مقاله ای مستقل باید به آن پرداخت.

مبلغان: سبک شما در سخنرانی چیست و معمولاً برای جمع آوری محتوای سخنرانی از چه روش‌هایی استفاده می‌کنید؟

من برای سخنرانی، مقاطع تاریخی شبیه به این دوران را گزینش می‌کنم و مسئله‌ی امروز جامعه را با مشکلات مشابه آن در تاریخ، تطبیق می‌دهم. به عنوان مثال، مسئله‌ی روز جامعه ما انقلابی‌گری است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام می‌فرمایند: جامعه باید انقلابی باشد.

یک وقت مشکل، نفوذ بیگانه است، گاهی هم مشکل، عدم مقاومت است. این مفاهیم را در ادبیات سیاسی‌ای که این مفهوم آن جا معنا شده است، می‌برم. مفهوم نفوذ و انقلابی‌گری را کالبدشکافی کنیم، البته در کالبدشکافی، از حالت علمی محض خارج می‌شوم و آن را به بیانی می‌رسانم که برای توده مخاطبان قابل فهم باشد. بعد از بیان مفاهیم - مثلاً

- می‌گوییم: در صدر اسلام انقلابی‌گری چه فراز و فرودی داشته است؟ علل فروکش کردن روحیه انقلابی چه بوده است؟ و... بعد با زمان حال تطبیق می‌کنم.

انقلابی کسی است که آرمان دارد و برای نیل به آن آرمان‌ها برنامه می‌ریزد و جهت اجرای برنامه خود پشتکار داشته، در مقابل موانع استقامت می‌کند. این سه شاخصه برای انقلابی‌گری گرچه در کلاس علوم سیاسی کفایت نمی‌کند؛ اما برای منبر کافی است. بعد همین سه شاخصه را پردازش می‌کنم تا مردم حس کنند که اگر کسی روحیه انقلابی‌گری ندارد، در این سه مورد، دچار اشکال می‌شود.

سپس می‌گوییم: بعد از رحلت امام خمینی علیه السلام نیز چنین اتفاق‌هایی پدید آمد؛ برخی آرمان‌های امام را فراموش کردند. این جا آرمان‌های مهم انقلاب را بر می‌شمارم، مثلاً مبارزه با استکبار، عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان، استقلال‌خواهی، برپایی اسلام در جامعه بشری و... این‌ها رئوس آرمان‌های امام و

انقلاب است. دیگر مخاطب نمی‌تواند این‌ها را نفی کند؛ چون در «صحیفه امام» موجود است. بعد آرمان‌های ائمه طاهرین علیهم‌السلام مانند امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام را بیان می‌کنم که جامعه آن زمان در این زمینه‌ها کم آورد. بعد هم چند مثال برای این مسئله می‌آورم.

پس ما برای این‌که در منبر، تولید بحث کنیم و منبر صبغه تاریخ تطبیقی داشته باشد، اول موضوع‌یابی می‌کنیم؛ یعنی مسئله‌ی این زمانه را پیدا می‌کنیم؛ مثل مذاکره، انقلابی‌گری و مانند آن، سپس آن را به زبان روز تبیین می‌کنیم تا برای توده مخاطبان ما قابل فهم باشد. سپس شاخصه‌های این مفهوم را بیان می‌کنیم و بعد شبیه آن را در تاریخ پیدا می‌کنیم که کجا بوده است.

در مرحله آخر نیز مباحث را بر زمان خودمان تطبیق می‌کنیم. مثلاً اگر بخواهیم بحث مذاکره را تطبیق کنیم، ابتدا معنای مذاکره را می‌گوییم، سپس می‌گوییم که مقصود از مذاکره در امروز به

معنای امتیازدادن به دشمن و امتیازگرفتن از اوست؛ و فقط حرف زدن نیست. این داستان در صدر اسلام نیز سه بار تکرار شده است. بنی امیه و جریان «زرسالار»؛ که مصداق آن در زمان ما آمریکا است. جریان زرسالار امروز یک ماهیت مشترک با جریان زرسالار صدر اسلام دارد و آن این‌که هر دو «زرسالار برانداز» هستند و به دنبال محو نظام اسلامی اند. اهل بیت علیهم‌السلام با این جریان سه بار مذاکره کردند: مذاکره در حدیبیه، صفین و پیمان صلح.

سپس بعد از توضیح مختصر هر یک، آن‌ها را با وضعیت امروز تطبیق می‌کنیم. ویژگی‌ها، شاخصه‌ها و پیامدهایشان را می‌گوییم که کجا حکمت آمیز بود؟ کجا اهل بیت علیهم‌السلام آن را می‌خواستند؟ و کجا مردم و اطرافیان آن را تحمیل کردند؟ این‌ها را می‌گوییم تا مردم متوجه شوند کدام یک از این‌ها شبیه «برجام» است.

برای این‌که بحث‌های تاریخی برای مخاطب، جذابیت پیدا کند، چند نکته را باید رعایت کرد: یکی آن‌که تاریخ در قالب

«جریان‌شناسی» بیان شود؛ یعنی بگوییم جریانی در تاریخ به نام «جریان خواص اهل لغزش» وجود دارد و سپس مصداق اتمّش در صدر اسلام را بیان می‌کنیم؛ اما اسمی از مصداق آن جریان در این زمانه نمی‌بریم. مصداق جریان «زرسالار برانداز» در صدر اسلام بنی‌امیه و در زمان ما آمریکا است. جریان متحجر آشوبگر در صدر اسلام خوارج‌اند و در زمان ما فلان گروه و بهمان حزب است. اگر این‌ها را در قالب جریان‌شناسی بیان کنید، مخاطب احساس می‌کند یک خط و ماهیت اجتماعی است که هر از چند گاهی از پوسته تاریخ بیرون می‌آید و خود را نشان می‌دهد؛ اما یک ماهیت ثابت دارد.

نکته دیگر، استفاده از «نظام واژگانی» است که هم تطبیقش در صدر اسلام مجازی نباشد و هم در زمان ما. اگر بگوییم بنی‌امیه، مردم می‌گویند بنی‌امیه در زمان ما نیست؛ و اگر بگوییم آمریکا، شاید بگویند: آمریکا در صدر اسلام کجا بود؟ اما اگر بگوییم «جریان زرسالار برانداز»، خودشان مصداق زرسالار را

می‌فهمند. این عنوان‌سازی‌ها خیلی مهم است. این‌که با چه ادبیاتی صحبت کنیم و چگونه واژگان را انتخاب نماییم، خیلی اهمیت دارد. این کاری است که مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بحث خواص انجام دادند. ایشان می‌توانست بگویند که «اصحاب سقیفه» موجب انحرافات صدر اسلام شدند؛ اما فرمودند: «خواص»؛ یعنی ماهیتی که در این دوران نیز مصداق پیدا می‌کند.

مبلّغان: با چه پرسشهایی به سمت تاریخ برویم تا بعد از مطالعه آن، دستاوردهای ارزشمندی نصیب ما شود؟

همان طور که گفته شد، معلوم می‌شود که با چه پرسشی باید به سراغ تاریخ برویم. برای مبلّغ، مسئله‌ی روز مطرح است، پس با آن سؤال باید به سمت تاریخ برود. کشف مسئله‌ی روز اهمیت زیادی دارد؛ در غیر این صورت، هزاران سؤال را می‌شود مطرح کرد و در تاریخ به دنبال پاسخش بود. مثلاً این‌که کدام تاریخ برای شهادت امام حسن علیه‌السلام درست است؟ بیست و هشت صفر بوده است یا هفتم صفر؟ تاریخ ولادت‌ها و شهادت‌ها

و... مانند چنین سؤال‌هایی هزاران مورد می‌توان پرسید؛ اما مبلغ می‌خواهد با تاریخ هدایت کند، پس باید ببیند مشکل مردم در هدایت شدن چیست و چه محتوای تاریخی‌ای باید باشد تا هدایت شوند؟ آن را پیدا کند و بگوید.

مبلغان: با خرافات و دروغ‌های تاریخی که بین مردم رایج شده است، چگونه مقابله کنیم؟

بکوشیم در شناخت خرافات و دروغ‌ها دقت کنیم. این طور نیست که اگر مطلبی در منبعی مثل «مقتل ابی مخنف» آمده، درست است، وگرنه باطل. شاید در قرن هشتم و دهم منابعی در دست مؤلفان مقاتل بوده است که بعداً تنها اسم آن‌ها باقی مانده است و خود آن کتاب‌ها از بین رفته‌اند.

این نکته خیلی مهم است که نباید به سادگی چیزی را خرافه یا دروغ شمرد. ما وظیفه نداریم خبر ضعیفی را که از عاشورا نقل می‌شود، تا زمانی که وهن شأن اهل بیت علیهم‌السلام یا دروغ مسلم نباشد و با قرآن و اعتقادات کلامی ما در مورد اهل بیت علیهم‌السلام مخالفت نکند، رد کنیم.

اما اگر بخواهیم خرافات و دروغ‌ها را نقد کنیم، باید با تاریخ ناب و اسناد دست اول آشنا باشیم و به همین دلیل گفتیم که باید در کتب تاریخی سیر مطالعاتی داشته باشید.

مبلغان: قشر زیادی از هیئتی‌ها علاقمندند که به ذکر روایات فضایل و مناقب بپردازند. بعضی از این فضایل که حکایتی است از جریان تاریخی، ولی برخی از فضایل، اعتبار تاریخی چندانی ندارند. در این شرایط، چه کنیم؟

من معتقدم که منبر به مباحث بصیرتی نیاز دارد، البته ذکر فضایل نیز می‌خواهد؛ اما بحث‌های فضیلتی باید از اهلش گرفته شود. اشکال ندارد کرامت‌ها گفته شوند؛ اما باید منبع معتبر پیدا کرد و تفسیر از روایات محکم باشد. گوینده نیز باید کسی باشد که مقداری از این امور را بتواند درک کند؛ یعنی گوینده مقداری به این مسائل نزدیک باشد و مزه‌ای از این چیزها چشیده باشد؛ وگرنه مردم با تعجب به وی نگاه می‌کنند و با منبر ارتباط برقرار نمی‌کنند. گوینده باید سیر و سلوک در مسیر اهل بیت علیهم‌السلام انجام داده باشد و قربی برای او ایجاد شده، اهل معرفت

باشد تا بتواند این مسائل را درست تبیین کند. حداقل باید از منابع معتبر یا علمای بزرگی که فضایل را گفته اند، نقل قول کند. البته باید این توانایی را داشته باشد که اگر شبهه‌ای مطرح شد، آن را پاسخ دهد. مثلاً در روایت است که وقتی حضرت زهرا علیها السلام در محراب به عبادت می پرداختند، نوری از ایشان در آسمان ساطع می شد. اگر کسی این را پرسید که: «پس چرا اطرافیان این نور را نمی دیدند؟ چرا این نور را فقط راوی نقل کرده است و...؟ باید بتواند این ها را جواب دهد.

مبلغان: چه روش هایی را برای نگهداری و ذخیره سازی مطالب تاریخی مناسب می دانید و خودتان از چه شیوه هایی برای فیش برداری استفاده می کنید؟

قبلاً فیش برداری دستی می کردم و مطالب مهم را در یک پوشه می گذاشتم، مثلاً در مورد شهادت امام رضا علیه السلام. سپس فیش ها را دسته بندی می کردم؛ اما امروزه بیش تر با نرم افزار «فیش تبلیغ»، کار می کنم و اگر روایت، داستان و حکایت تاریخی ای ببینم، در آن نرم افزار، کپی می کنم. برای سخنرانی، فیش های هر

سخنرانی را در پاکتی جداگانه با نامی مخصوص می گذارم، سپس هرچه فیش مرتبط با این مسئله بنویسم، در همان پاکت می گذارم و در حقیقت؛ سخنرانی، پرورش همان فیش ها است.

مبلغان: لطفاً برخی از منابع تاریخی مناسب برای مبلغان را معرفی بفرمایید!
سیر مطالعاتی تاریخ اسلام و اهل بیت علیهم السلام

تذکر: این سیر با سه رویکرد تاریخ نقلی، تحلیلی و تطبیقی تدوین شده و در سه مرحله زیر قابل اجراست.

مرحله اول:

۱. أعلام الهدایه (عنوان ترجمه: پیشوایان هدایت)، جلد ۱ تا ۴، جمعی از نویسندگان، مجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام؛

۲. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، نشر توحید؛

۳. شعاعی از نیر اعظم (رهیافتی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری علیه السلام درباره پیامبر صلی الله علیه و آله)، گروهی از محققان و فضلالی حوزه علمیه قم، نشر سروش؛

۴. تاریخ تحلیلی اسلام، جواد سلیمانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه؛

۵. پس از غروب، یوسف غلامی، نجم الهدی (نشر معارف).

مرحله دوم:

۶. أعلام الهدایه (عنوان ترجمه: پیشوایان هدایت)، جلد ۵ تا ۸؛
۷. تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر ﷺ)، مهدی پیشوایی، نشر معارف.
۸. جریان شناسی صدر اسلام، جواد سلیمانی، نشر وثوق؛

۹. تاریخ عصر غیبت (نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم ﷺ)، سید مسعود پور سید آقایی و جمعی از نویسندگان، مؤسسه انتشاراتی حضور؛

۱۰. تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء ﷺ، جمعی از نویسندگان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ؛

۱۱. انسان ۲۵۰ ساله، مقام معظم رهبری ﷺ، نشر صهبا.

مرحله سوم:

۱۲. أعلام الهدایه (عنوان ترجمه: پیشوایان هدایت)، جلد ۹ تا ۱۲؛
۱۳. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه ﷺ، رسول جعفریان، نشر دلیل ما؛

۱۴. تاریخ اسلام (دوره خلفا، از سقیفه تا کربلا)، مهدی پیشوایی، نشر معارف؛

۱۵. ریزش خواص در حکومت امیرمؤمنان ﷺ، جواد سلیمانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ؛

۱۶. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری)، سید هاشم ثامر العمیدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ؛

۱۷. تاریخ تشیع (از آغاز تا پایان غیبت صغری)، غلامحسن محرمی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.

مبلغان: ضمن تشکر از حضرت عالی، اگر خودتان نکته‌ای مد نظر دارید که در سؤالات منعکس نشده است، بفرمایید!

استاد سلیمانی: خیر، سؤالات شما جامع و خوب بود. ان شاء الله خداوند به ما توفیق بهره‌مندی از معارف تاریخ و عبرت آموزی از آن را عطا کند. موفق و سربلند باشید!

مقالات و مناسبت‌ها

«ربیع الثانی»

علی اسماعیلی

اشاره

در شماره‌های قبلی ماهنامه مبلّغان، مقاله‌هایی در باب مناسبت‌های ماه ربیع الثانی منتشر شده است.

در این شماره به مناسبت‌های ویژه این ماه؛ یعنی: ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، ولادت امام حسن عسکری (ع) و وفات حضرت فاطمه معصومه (ع) پرداخته می‌شود.

مبلّغان گرامی می‌توانند با مراجعه به شماره‌های قبلی ماهنامه از محتوای تبلیغی آن‌ها بهره‌مند شوند.

یکی از روش‌های دسترسی به مقالات ماهنامه مبلّغان، نرم افزار اندرویدی «ماهنامه مبلّغان» است.

این نرم افزار، جهت استفاده طلاب و مبلّغان گرامی در سایت‌ها و فروشگاه‌های عرضه محصولات اینترنتی اندروید بارگذاری شده است.

علاقه‌مندان می‌توانند از طریق پایگاه‌های اینترنتی عرضه محصولات فرهنگی؛ پایگاه اینترنتی «رسانه شاپ»، نرم افزار «بازار» و یا بارکد زیر، نرم افزار «ماهنامه مبلّغان» را دانلود نمایند.



چهارم ربیع الثانی:

ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

ویژه نامه سالروز ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام (مبلغان، ش ۲۲۲).

هشتم ربیع الثانی:

ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

برخی مقالات منتشر شده در شماره های قبلی ماهنامه مبلغان:

۱. امام حسن عسکری علیه السلام و رشد دین داری و عقلانیت جامعه دینی (مبلغان، ش ۲۵۸)؛

۲. سیره امام حسن عسکری علیه السلام در برخورد با خطاکاران (مبلغان، ش ۲۴۶)؛

۳. درس هایی از حدیثه خانم علیها السلام مادر امام حسن عسکری علیه السلام (مبلغان، ش ۲۲۲)؛

۴. امام حسن عسکری علیه السلام حلقه وصل دوران حضور و عصر غیبت (مبلغان، ش ۲۲۲)؛

۵. همراهان با شاعران ولایی میلاد امام حسن عسکری علیه السلام (مبلغان، ش ۱۶۲)؛

۶. شیوه های برخورد امام حسن عسکری علیه السلام با انحرافات (مبلغان، ش ۱۵۰)؛

۷. فضل بن شاذان از خواص یاران

امام عسکری علیه السلام (مبلغان، ش ۱۱۴).

دهم ربیع الثانی:

وفات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

برخی مقالات منتشر شده در شماره های قبلی ماهنامه مبلغان:

۱. حضرت معصومه علیها السلام و دفاع از امامت و ولایت (مبلغان، ش ۲۴۶)؛

۲. زیارت عارفانه؛ توصیه های عالمانه؛ با محوریت زیارت حضرت معصومه علیها السلام (مبلغان، ش ۲۳۴)؛

۳. مصاحبه با مستبصرین (۳)؛ کار در تمام سال برای یک بار زیارت حرم حضرت معصومه علیها السلام (مبلغان، ش ۲۱۰)؛

۴. شفیعه روز جزا، حضرت معصومه علیها السلام (مبلغان، ش ۴۲)؛

۵. احادیث درباره حضرت معصومه علیها السلام (مبلغان، ش ۲۱۷)؛

۶. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سخن عالمان (مبلغان، ش ۱۶۹)؛

۷. کراماتی از حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (مبلغان، ش ۴۹).

تحلیلی بر مسائل سیاسی روز

مهرماه ۱۴۰۰

مرتضی غرسبان

اشاره

برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی حال حاضر کشور ایران اسلامی و جهان؛ نیازمند تبیین، توضیح و تحلیل است تا تحقیق و بررسی پیرامون آن، راه روشنی را فرا روی مخاطبان و جامعه دینی قرار دهد. در این شماره برخی از برجسته ترین اخبار و رویدادهای جاری را برای «بصیرت افزایی» مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم.

ضرورت جهاد تبیینی در فضای مجازی

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دیدار مجازی با دانشجویان، در روز اربعین امسال تأکید کردند: «به مسئله

تبیین اهمیت بدهید! خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود... حرکت تبیین، خنثی کننده توطئه و حرکت دشمن است... هرکدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری، پیرامون خودتان را روشن کنید!». ^۱ در نگاه معظم له یکی از اساسی ترین موضوعات در منظومه معارف انقلاب اسلامی و سرفصل های جدی در حرکت انقلابی، موضوع «تبیین» است. موضوعی که اصل پیروزی انقلاب به برکت آن بوده و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار مجازی با دانشجویان، مورخ: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵.

ماندگاری و پیشرفتش نیز در پرتو توجّه و اهتمام به آن به دست می آید.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این خصوص خطاب به دانشجویان فرمودند: «شما امروز در فضای مجازی می توانید افکار درست و صحیح را منتشر کنید و به مسائل پاسخ دهید و می توانید به معنای واقعی کلمه، جهاد کنید!»^۱ همچنین، ایشان رعایت اخلاق را در این خصوص ضروری دانسته، فرمودند: «البته اصل قطعی در این باب، پیروی از شیوه اخلاقی است. باید از این کاری که بعضی افراد با دشنام و فریب و دروغ در برابر افکار عمومی مواجه می شوند، اجتناب کرد. باید منطق را به اخلاق مزین کرد، حقایق را منتشر کرد. امروز همه باید در این میدان حرکت کنیم».^۲

در بررسی تاریخ اسلام نیز عبارت بسیار زیبا، خوب و پرمعنای «کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود»، از اهمیت و نقش راهبردی «جهاد تبیین» حضرت

زینب علیها السلام در به کمال رساندن، اثربخش کردن و جهانی شدن پیام عاشورای امام حسین علیه السلام حکایت می کند. بدین جهت، رهبر معظم انقلاب علیه السلام در خصوص نقش مجاهدت های حضرت زینب علیها السلام با تمرکز راهبردی بر «تبیین و روشنگری» فرمودند: «این چهل روزی که از عاشورا تا اربعین اتفاق افتاده، یکی از مقاطع بسیار مهم تاریخ اسلام است. روز عاشورا در اوج اهمیت است و این چهل روزی هم که بین عاشورا و اربعین هست، تالی تلو روز عاشورا است. اگر روز عاشورا اوج مجاهدت همراه با فداکاری است، این چهل روز اوج مجاهدت همراه با تبیین، همراه با افشاگری، همراه با توضیح است. اگر این چهل روز نمی بود؛ اگر حرکت عظیم زینب کبری و جناب امّ کلثوم و حضرت سجاد علیه السلام نمی بود، شاید آن فقره «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»^۳ اتفاق نمی افتاد. این حرکت

۱. همان.

۲. همان.

۳. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، محمد بن

الحسن طوسی، ۱۰ جلد، دارالکتب الإسلامیه، تهران،

عظیم، این صبر فوق العاده خاندان پیغمبر ﷺ به پیشوایی زینب کبری (ع) و امام سجاد (ع) بود که توانست حادثه کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه، این تبیین، مکمل آن فداکاری بود».

تبیین؛ یعنی نورافشانی بر تاریکی‌ها، جنگ با دروغ‌پردازی‌ها، کنار زدن پرده‌ها و آشکار کردن حقایق و واقعیت‌ها که این مهم به مجاهدتی بس عظیم نیاز دارد و با نگاهی به نقش حضرت زینب (ع) در جریانات کربلا، شاهد هستیم که ایشان با چنین مجاهدتی، تمام نقشه‌های شیطانی دستگاه نفاق یزیدی را خنثی و حقایق و واقعیت‌های قیام خونین کربلا را نه تنها آشکار کرد؛ بلکه پیام این حرکت عظیم و بی نظیر تاریخی را برای تمام انسان‌ها تا روز قیامت، ابدی و ماندگار کرد.

امروزه نظام سلطه و دستگاه استکبار جهانی نیز با به کارگیری تمام

ظرفیت‌ها، با تمرکز راهبردی بر جنگ شناختی در بستر جنگ نرم و جنگ تبلیغاتی، تلاش می‌کند برای گمراه کردن مردم و به ویژه جوانان، با روایت غلط و مخدوش از اصل انقلاب اسلامی و قیام امام خمینی (ع)، از نظام ولایی و جمهوری اسلامی، دفاع مقدس هشت ساله، سیاست‌ها و رویکردهای استکبارستیزی ملت ایران، سیاست‌ها و رویکردهای دفاع و حمایت از مستضعفین در جمهوری اسلامی، از سیاست‌ها و رویکردهای نظام اسلامی و ملت ایران در قبال موضوع فلسطین و رژیم صهیونیستی و ده‌ها موضوع دیگر مرتبط با انقلاب اسلامی، یک ذهنیت منفی فراگیر عمومی را با هدف جداسازی مردم از انقلاب و نظام اسلامی شکل دهد.

در چنین شرایطی که دشمن با تصویرسازی غلط و منفی از حقایق و واقعیت‌های انقلاب اسلامی، به دنبال ناامیدسازی مردم نسبت به آینده و «بدبین‌سازی» و «بی‌اعتمادسازی» نسبت به نظام اسلامی است، تنها

می‌توان با جهاد عظیم تبیینی و روشنگری، بر این توطئه پیچیده غلبه کرد و نقشه‌های شوم دشمن و بدخواهان را بی‌اثر ساخت. بر این اساس، رهبر حکیم انقلاب علیه‌السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن تشریح جنگ تبلیغاتی دشمن و محاصره تبلیغاتی ملت ایران در مقطع فعلی، جهاد اصلی جوانان را امیدآفرینی اعلام فرمودند. از منظر معظم‌له، اساس امیدآفرینی، با «تبیین، روشنگری و افشاگری» است.

تحركات مرزی با دخالت غرب

اتفاقات به وجود آمده در کشورهای همسایه شمال غرب (آذربایجان و ارمنستان) و توافق آن‌ها در جابه‌جایی مرزها که با دخالت کشورهای ترکیه، آمریکا و رژیم جعلی صهیونیسم به عمل آمد، واکنش مقامات ایران را برانگیخت. همچنین، علاوه بر اقدامات دیپلماتیک، در واکنش نظامی به این اقدامات نیز ایران با دورزمایش سپاه و ارتش در شمال غرب کشور، پیام و پاسخ خود را به جمهوری آذربایجان و کشورهای تحریک‌کننده ارسال کرد.

طبق توافق این کشورها، حذف خط ۲۱ کیلومتری مرزی ایران با منطقه ارمنستان و نیز حذف مرز ارمنستان در این منطقه که احتمالاً با تسلیم استان ارمنی سیونیک به آذربایجان صورت می‌گیرد، وضع ژئوپلیتیکی ایران در منطقه قفقاز را دچار مشکل می‌کند. به دنبال این توافق، نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان محور «گوریس قاپان» در ارمنستان را مسدود کرده، اجازه عبور خودروهای سنگین ایران به ارمنستان را نمی‌دهند که این به منزله نقض حاکمیت دو کشور جمهوری اسلامی و جمهوری ارمنستان است و اگر استمرار پیدا کند، در نهایت به کاهش نقش ایران در این منطقه منجر می‌شود. همزمان با این فعل و انفعالات، ادبیات رسانه‌ای و محافل به ظاهر غیررسمی که در واقع، بیان رسمی جمهوری آذربایجان به حساب می‌آید، به سمت خصومت و حتی الفاظ کودخانه کشیده شده است.

در تحلیل این وقایع، آن‌چه اکنون در مرزهای شمال غربی ایران مشاهده می‌شود، شکل‌گیری یک اتحاد نامرئی بین

آمریکا، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و رژیم صهیونیستی است و هدف گذاری آن، ایجاد یک تغییر ژئوپولیتیک با نتایج راهبردی علیه دو کشور ایران و روسیه می باشد که در این میان، دولت ارمنستان و شخص نیکول پاشینیان - نخست وزیر ارمنستان - که در مقایسه با دولت سابق این کشور، غرب گرا محسوب می شود، در چارچوب یک طرح آمریکایی - ترکیه ای و به امید واهی برخوردار شدن از مواهب سیاسی و اقتصادی، به این طرح پیوسته است، در حالی که خیانت به کشور ارمنستان می باشد. دولت پاشینیان به این وعده آمریکا و ترکیه دل خوش کرده است که در صورت واگذاری استان سیونیک، می تواند از روابط مناسب و بی دغدغه با جمهوری آذربایجان و ترکیه برخوردار شود.

طبعاً در این صحنه، ایران نمی تواند سکوت پیشه کند و چشم بر ابعاد و پیامدهای اقدامی که در مرزهای آن جریان دارد، ببندد. تردیدی وجود ندارد که درگیری نظامی و کشاندن پای ایران به معرکه نظامی، سیاست شناخته شده

آمریکا است. البته ایران به خوبی می داند که از تحولات چگونه به ضرر دشمنان خود استفاده کند. جمهوری اسلامی طبعاً با مذاکره شروع می کند تا موضوع به صورت برادرانه بین همسایگان در دو سوی مرزهای شمال غربی ایران حل و فصل شود.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در واکنش به این اتفاقات در کشورهای همسایه شمال غرب، فرمودند: «نگذاریم، نگذارند که ارتش های بیگانه برای به عنوان منافع ملی خودشان - که هیچ ربطی به ملت آن ها ندارد - از هزارها فرسنگ راه، بیایند و در این کشورها دخالت کنند، حضور نظامی پیدا کنند و در ارتش های آن ها دخالت کنند. ارتش های خود این ملت های منطقه می توانند این منطقه را اداره کنند و اجازه ندهید که دیگران وارد بشوند. این حوادثی هم که در شمال غربی کشور ما، در بعضی همسایه ها در جریان هست، این ها هم چیزهایی است که بایستی با همین منطق حل بشود. البته کشور ما و نیروهای مسلح ما با عقلانیت عمل می کنند. در همه مسائل، شیوه، شیوه

عقلانیت است؛ اقتدار همراه با عقلانیت! و دیگران هم خوب است با عقلانیت عمل نکنند و نگذارند که این منطقه دچار مشکلی بشود. آن کسانی که برای برادران خود چاه می‌کنند، خودشان اول در چاه می‌افتند: «مَنْ حَفَرَ بَيْتًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهِ».^۱

جمهوری اسلامی ایران از دیرباز در این منطقه خود را متعهد به رعایت حسن هم‌جواری با کشورهای همسایه می‌داند. در خصوص جمهوری آذربایجان و ترکیه، سیاست جمهوری اسلامی ایران از یک روند منطقی، واقع‌بینانه و صادقانه پیروی می‌کند. دولت‌های ترکیه و آذربایجان در حال دست‌زدن به ریسک‌های بزرگی هستند که می‌تواند پیش از دیگران، خود آنان را در بحران وجودی فرو ببرد؛ زیرا دولت علی‌اف با شش میلیون جمعیت شیعه که بدون شک دل‌بسته مرکزیت شیعه هستند و دولت اردوغان در ترکیه با

حدود ۲۳ میلیون شیعه علوی روبه‌رو می‌باشد. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه نخواسته است از این ظرفیت‌ها برای گوشمالی اردوغان یا علی‌اف استفاده کند. ما برخلاف آنان و براساس اصول اخلاقی خود، حسن هم‌جواری را رعایت کرده‌ایم؛ تا جایی که فراتر از آن، در دو نوبت حکومت‌های این دو خانواده را از ویرانی نجات داده‌ایم. هم اردوغان و هم علی‌اف، می‌دانند که دست ایران برای برهم زدن این توطئه خالی نیست و انگشت اشاره جمهوری اسلامی ایران می‌تواند هر توطئه طراحی شده‌ای را برای آن‌ها به گونه‌ای پشیمان‌کننده برهم بزند. این‌که جمهوری اسلامی ایران با آذربایجان - که زمانی نه‌چندان دور «جزء سرزمین ایران» بود - در برخی موضوعات سیاست خارجی و بعضاً داخلی اختلاف‌نظر دارد، یک امر طبیعی است؛ اما اختلاف‌نظرهای موجود در مقابل «علائق مشترکی» که در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و به‌خصوص فرهنگی و تمدنی وجود دارد، بسیار ناچیز است. ایران، مواضع و رفتارهای

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، مورخ: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱.

تحریک آمیز و مشکوک دولت باکو را دلیل بر قدرت نمی داند؛ بلکه آن را «نشانه عدم پختگی سیاسی» و محاسبات غلط در مواجهه با ایران می داند؛ محاسباتی که عمدتاً توسط صهیونیست ها طراحی شده است.

آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی در طول دو دهه گذشته، در هر فتنه ای که به پا کرده اند، در نهایت باخته و با سرافکندگی از آن خارج شده اند. آنان در حالی که قدرت تحمل و مدیریت جنگ را ندارند، فتنه گری می کنند. اگر این فتنه گری ها کنار گذاشته نشوند، با اقدامات ایران، باز هم با شکست مواجه خواهند شد. رژیم صهیونیستی طی دهه های اخیر در ساختار نظام این کشور نفوذ عجیبی داشته است و اظهارات و مواضع غیرسازنده دولتمردان آذربایجان نیز ناشی از همین نقشه های صهیونیستی بوده، برخلاف اصول هم جواری و برادری میان دو ملت برادر و شیعی ایران و آذربایجان است. آن چه آمریکا و رژیم صهیونیستی و دولت های ترکیه و آذربایجان و به طور کلی غرب در مناطق

شمالی ایران دنبال می کند، واکنش به توفیقات بزرگ جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت می باشد.

جمهوری اسلامی هیچ دخالتی در این که دولت باکو روابط خارجی خود را چگونه طراحی و تنظیم می کند، ندارد. این یک موضوع داخلی است؛ اما این روابط نباید منجر به تهدید امنیت و منافع ملی و تمامیت ارضی ایران شود. تهران هرگز حضور تهدیدآمیز رژیم صهیونیستی در مرزهای شمالی خود را بر نمی تابد. حساسیتی که جمهوری اسلامی در قبال امنیت ملی خود دارد، از اصول و مبانی منطقی و محکمی برخوردار است. ابزارهای لازم برای مقابله با عوامل مٌخل امنیت و منافع ملی و تمامیت ارضی خود را هم دارد؛ فرقی نمی کند از جانب آمریکا باشد یا یک کشور کوچک منطقه ای.

برگزاری رزمایش های نظامی ایران در مرزهای شمال غربی کشور، به طور کلی دارای اهداف مشخص و از قبل برنامه ریزی شده است. در این زمینه دو هدف کلی قابل شناسایی است: نخست، رونمایی از جدیدترین توانمندی های



قدرت سخت و آخرین دستاوردهای تکنیکی و تاکتیکی در حوزه نظامی و دوم، نمایش قدرت و اقتدار ملی؛ اما در کنار اهداف مذکور، رزمایش‌های اخیر یک پیام بسیار مهم و استراتژیکی برای برخی بازیگران منطقه‌ای و در رأس آن‌ها، برای رژیم صهیونیستی دارد و آن این‌که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با هرگونه تحرکات خارجی در محیط پیرامونی خود که ممکن است امنیت ملی و تمامیت ارضی‌اش را خدشه‌دار کند، مداخلات نمی‌کند.

این‌که رئیس‌جمهور آذربایجان و برخی مقامات دولت باکو و حتی بعضی محافل رسانه‌ای و سیاسی وابسته به دولت ترکیه تلاش می‌کنند تا اهداف اصلی این رزمایش را به آذربایجان و ترکیه ربط دهند، انحراف از اصل ماجرا بوده و عمدتاً با هدف ایجاد کشمکش‌های سیاسی و تنش‌زا بین ایران با باکو و آنکارا است. سیاست تهران در خصوص این دو کشور که بعضاً تحت القاءات دیگران مرتکب برخی اشتباهات می‌شوند، کاملاً

مشخص بوده و مبتنی بر رعایت حسن هم‌جواری و توسعه مناسبات دوجانبه و مقابله با تهدیدات مشترک است.

از نظر تهران، اظهارات مداخله‌جویانه و تحریک‌آمیز اخیر علی‌اف و پیش‌تر، اظهارات ضدایرانی برخی نمایندگان مجلس آذربایجان، ناشی از سطحی‌نگری است که عمدتاً از تل‌آویو نشأت می‌گیرد.

در این‌که دولت علی‌اف و اردوغان اهداف بلندمدتی را دنبال می‌کنند، شکی نیست؛ اما این اهداف نباید مخل امنیت و تمامیت ارضی ایران باشد. ایران به خوبی می‌داند که روابط خارجی رژیم جعلی با آذربایجان گسترش یافته و از مناسبات نظامی به حضور شرکت‌های عمرانی و مخابراتی در بخش‌های تازه آزادشده قریب‌باغ انجامیده است. رزمایش اخیر، پیامی برای تل‌آویو است که استقرار اطلاعاتی و امنیتی در قفقاز جنوبی، دارای مبنای محاسباتی غلطی است. این رژیم نمی‌تواند حضور ایران در مرزهای سرزمین‌های اشغالی را در قفقاز جنوبی، مهندسی معکوس کند.

در مجموع، با توجه به تلاش جدی آمریکا برای بحران آفرینی در مرزهای جمهوری اسلامی، چشم‌پستن بر تحولات ژئوپلیتیکی شمال مرزهای ایران، خسارت و خطراتی را برای کشور ما در پی می‌آورد. به همین جهت، به هیچ وجه نباید به جمهوری آذربایجان اجازه داد که این تحولات غیرطبیعی و توطئه‌محور را با واژه توافق فیمابین دو دولت تفسیر کند و در این مسئله مدعی اعمال حق حاکمیت گردد؛ چراکه حسن هم‌جواری و منافع و مصالح طرف ثالث که یک قاعده پذیرفته شده بین‌المللی است و در تمام کنوانسیون‌ها بر آن تأکید می‌شود، در این جا کاملاً مخدوش می‌گردد.

آمریکا مدت‌هاست تلاش می‌کند تا تغییرات ژئوپلیتیکی را در یک نقطه از منطقه کلید زده و سپس در بقیه منطقه به نتیجه برساند. بنابراین، اگر در این جا تغییری رخ دهد، تمام منطقه با تهدیدات ژئوپلیتیکی مواجه می‌شود.

الزامات پیگیری مذاکرات هسته‌ای

هرچند سیاست دولت سیزدهم بر راهبرد توازن‌گرایی و تمرکز بر ظرفیت‌های

منطقه‌ای و همسایگی متمرکز است، با این حال، شعار انتخاباتی آیت الله رئیسی و مواضع اعلامی در خصوص سیاست خارجی از سوی رئیس‌جمهور و تیم سیاست خارجی دولت، بر مذاکره هسته‌ای است که منافع ملی کشور را تأمین کند. از این منظر و بر اساس تجربیات کشور در مقاطع گذشته و روند مذاکرات هسته‌ای، لازم است با هوشمندی پای در این عرصه نهاد.

آنچه از شواهد آشکار برمی‌آید این است که کشورهای غربی و رسانه‌های وابسته به آن‌ها می‌کوشند تا هرچه سریع‌تر ایران را به پذیرش ادامه مذاکرات ترغیب کنند. در همین زمینه، نخست‌ضرورت دارد که جمهوری اسلامی با توجه و ارزیابی مقاطع گذشته، موضوع عملیات روانی دشمنان را مدنظر قرار دهد. باید نحوه تعامل با افکار عمومی و طراحی درست رسانه‌ای و تبلیغاتی، در دستور کار قرار گیرد.

طبق اعلام موضع دستگاه دیپلماسی، ایران از مذاکرات هسته‌ای استقبال می‌کند؛ اما از آن سو، مذاکرات

فرسایشی و مذاکره‌ای که در آن تضمینی برای رفع قطعی تحریم‌ها داده نشود، مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران نبوده، طرح صیانت از حقوق هسته‌ای از منظر جمهوری اسلامی و خاصه دولت جدید، ابزاری برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای با رفع عملی تحریم‌ها خواهد بود.

تجربه تلخ گذشته و گره زدن اقتصاد کشور و معیشت مردم به مذاکرات هسته‌ای، هزینه‌های نسبتاً زیادی بر کشور و ملت ما تحمیل کرده است. از این رو، در برنامه اجرایی پیش رو، می‌بایست الزامات کار فراهم شود تا مجدداً اقتصاد و بازار کشور شرطی‌سازی نشده، به نتایج مذاکرات گره نخورد. منطق حاکم بر محاسبات آمریکایی‌ها، منطق هزینه-فایده است. اگر امروز آمریکایی‌ها مدام پیغام می‌دهند و درخواست مذاکره می‌کنند، به دلیل ایجاد هزینه‌ای است که ایران در راستای اقدامات برجامی و فرابرجامی برای موازنه‌سازی فشار علیه طرف‌های بدعهد انجام داده است. بر همین مبنا، زمانی آمریکایی‌ها امتیاز خواهند داد و تحریم‌ها را لغو خواهند کرد

که بدانند ادامه وضع موجود در این مقطع، بر هزینه‌های آنان خواهد افزود.

با وجود این که آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند سیاست رسمی خود را این گونه جلوه دهند که این راهبردی تاکتیکی برای حداکثرسازی فشار به ایران با هدف بازگشت بدون رفع تحریم‌ها و به‌روزرسانی برجام بر اساس شروط موشکی و منطقه‌ای ترامپ و پمپئو است؛ اما دُم خروس واقعیات آمریکا در ناتوانی سامان بخشی امور داخلی، از جمله تاخت و تاز کرونا در کشتار مردم آمریکا، وضعیت بد اشتغال و تأمین اقتصادی و اجتماعی این کشور و فرار خفت بار نیروی نظامی آن‌ها از افغانستان، از سیاست خارجی آمریکا بیرون زده است. مسئله ناتوانی «جو بایدن» آن قدر جدی است که امروز در رسانه‌های آمریکا صحبت از احتمال جانشینی «کاملا هریس» به جای وی مطرح گردیده. امروز آمریکا با معضل فیصله بخشی به روندها و رویدادهای مزاحم منافع واشنگتن، از جمله مسئله هسته‌ای ایران، پس از حدود ربع قرن، دست‌وپنجه نرم می‌کند. این ناتوانی که

نقطه ضعف بزرگی برای پرستیژ جهانی و مدعی ابرقدرتی آمریکا محسوب می شود، در کنار خروج مفتضحانه از افغانستان و به تبع آن، کاهش نقش آفرینی در تحولات منطقه مهم غرب آسیا، به رغم تحمل تریلیون ها دلار هزینه، به شدت دولت آمریکا را در منظر افکار عمومی این کشور و البته دنیا تضعیف کرده است. تعجیل توأم با نگرانی کاخ سفید برای پیگیری مصرانه آغاز دوره هفتم مذاکرات وین برای احیای برجام، در همین راستا قابل تحلیل است. از این رو، اگر بگوییم برجام با وجود موفق نبودن در تحریم زدایی، توانست نقاب از واقعیت قدرت آمریکا بردارد، حرف گزافی نیست.

تجربه دیگر برجامی این که سیاست دولت در گره زدن اقتصاد به مذاکره و تأکید بر مذاکرات نتیجه محور، باید با قدرت ادامه یابد. هرچند در این که پرونده هسته ای در وزارت خارجه ادامه یابد یا در شورای عالی امنیت ملی سیاست گذاری شود، جمع بندی نهایی حاصل نشده است؛ اما قطعاً به روال نادرست گذشته، پرونده هسته ای نباید وزارت خارجه را از

ظرفیت سازی اقتصادی در روابط خارجی و پیگیری دیپلماسی اقتصادی در میان کشورهای همسایه، آسیایی و دوست در اقصی نقاط دنیا بازدارد. مأموریت وزارت خارجه کشورمان نباید همچون دوره هشت ساله سابق، به پرونده هسته ای و مذاکره خلاصه شود.

تروریسم داعشی در افغانستان

گروهک تروریستی داعش در دو جمعه متوالی، در مساجد شیعیان افغانستان دو حمله انتحاری انجام داد که منجر به شهادت و مجروح شدن تعداد زیادی از نمازگزاران گردید. در حمله نخست، در جمع مسلمانان نمازگزار مسجد خان آباد افغانستان، بیش از صد نفر شهید و زخمی شدند. در پی این حادثه، رهبر معظم انقلاب ع با تأکید بر مجازات عاملان، از کشورهای همسایه و مسئولین افغانستان خواست از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کنند. معظم له اعلام کردند که چنانچه جلوی این اقدامات تروریستی در افغانستان گرفته نشود، مطمئناً بعدها شدت خواهد یافت.

در جمعه بعد نیز شاهد حمله انتحاری به مسجدی در قندهار بودیم که منجر به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از شیعیان شد. خط فکری داعش در افغانستان بر ایجاد اختلاف بین شیعیان با اهل سنت و فراهم سازی اختلافات و درگیری‌های مذهبی در آن متمرکز شده است و از سوی دیگر، این گروه تروریستی از پشتیبانی و حمایت مستقیم آمریکا برخوردار است. آمریکا از کارت داعش در افغانستان در دو جهت استفاده می‌کند:

الف) احیای داعش جهت درگیر کردن بازیگران دیگر همچون ایران، روسیه و چین در بحران احتمالی ایجاد شده از طریق جنگ داخلی در افغانستان؛

ب) ایجاد فضای گسترده ناامنی داخلی در افغانستان، به دلیل خلأهای امنیتی موجود در آن و توسعه این ناامنی به کشورهای منطقه‌ای مخالف سیاست‌های آمریکا.

آمریکایی‌ها به این تحلیل رسیده‌اند تنها گروهی که هم برای طالبان و هم برای

سایر بازیگران، همچون ایران، می‌تواند به صورت تهدید باشد و در عین حال، سیاست‌های این کشور شکست خورده در افغانستان را پیش ببرد، داعش است. به همین منظور، تمام توان خود را بر احیا و حمایت از داعش قرار داده است تا از یک سو ناامنی گسترده در افغانستان در جهت راهبرد مشغول سازی پیاده شود و از سوی دیگر، با توجه به ناامنی به وجود آمده و خطر داعش، زمینه اقدامات نظامی محدود و مداخله در امور افغانستان را فراهم و توجیه کند؛ تهدیدی که اگر در نطفه خفه نشود، زمینه ساز ناامنی گسترده در داخل افغانستان شده، خطرات امنیتی گسترده همچون افزایش تهدیدهای داعش در منطقه را موجب خواهد شد و این در حالی است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران، عدم حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در افغانستان و جلوگیری از تکرار چنین فجایعی است؛ زیرا هم حضور بازیگران خارجی و هم رشد و نمو نیروهای نیابتی آن‌ها، هر دو زمینه ساز ناامنی و بروز مشکلات تروریستی در منطقه هستند.

جنایت‌های سریالی ماه‌های اخیر
داعش در افغانستان پیش از خروج
آمریکا و پس از آن، دردناک است که اگر
در اروپا رخ می‌داد، در تمام اروپا عزای
عمومی اعلام کرده، آن را محکوم و
جهت یادبود قربانیان آن شمع روشن
می‌کردند؛ اما چقدر مسلمانان، به ویژه
شیعیان افغانستان مظلوم هستند که
سازمان‌های مدعی حقوق بشر و سازمان
ملل واکنش جدی انجام نمی‌دهند.
بی‌شک تمام کشورها و سازمان‌های
امنیتی که تروریست‌های داعش را
پرورش داده یا آنان را به افغانستان
منتقل کرده‌اند، در این جنایت‌ها
شریک هستند. جنایت‌هایی به این
گسترده‌گی که نشانگر همراهی دولت‌ها یا
لایه‌های میانی و یا ضعف کشورهای
است که این جنایت‌ها در آن کشورها
رخ می‌دهد.

همچنین، لازم است علما و
اندیشمندان جهان اسلام، با محکوم کردن
این جنایت‌ها و اظهار تنفر از این
اقدامات، از جذب جوانان توسط
تروریست‌ها جلوگیری کرده، اجازه ندهند

چهره پاک و درخشان اسلام واقعی
مخدوش شود.

ضرورت اولویت‌بندی دولت در حل مشکلات

در ابتدای دولت سیزدهم و در
حالی که همگان منتظر هستند تا ببینند
دولت جدید چگونه به حل مسائل مردم
می‌پردازد، لازم است دولت آقای رئیسی
ضمن اولویت‌بندی مشکلات، برخی
مسائل را از همین آغاز در مسیر
ساماندهی قرار دهد. گرچه نمی‌توان حل
تمام مسائل را به آینده حواله داد؛ اما
مرتفع ساختن برخی مشکلات با اصلاح
برخی امور در کوتاه‌مدت، شدنی است.

اولویت‌ها

الف. سفرهای استانی دولت

یکی از ویژگی‌های دولت سیزدهم که
در همین ابتدای راه نمود فعالی پیدا کرده،
سفرهای استانی است. حضور فعال
دولتمردان که اتفاقاً از استان‌های محروم
هم آغاز گردیده، دارای آثار و برکات بزرگی
است. مردمی بودن، حضور میان مردم و از
نزدیک در جریان امور و مشکلات آنان
بودن، از توصیه‌های مؤکد رهبر معظم
انقلاب علیه‌السلام در اولین دیدار اعضای دولت

جدید با معظم له بوده است و اکنون آیت الله رئیسی خبر از ادامه سفرهای استانی می دهد. با این حال، در خصوص سفرهای استانی توجه به چند نکته ضروری به نظر می رسد:

۱. از جمله شعارهای مهم آیت الله رئیسی در ایام انتخابات، تشکیل دولت مردمی بوده است؛ یکی از مؤلفه های اصلی دولت مردمی، حضور بدون واسطه بین مردم است. مقام معظم رهبری علیه السلام نیز یکی از شروط تحقق دولت مردمی را با مردم و میان آنان بودن عنوان کرده اند؛

۲. آنچه بر ارزش سفرهای استانی دولت افزوده، اصرار معظم له بر حضور در مناطق محروم و محله ها و مناطقی است که حتی شاید مدیران محلی کم تر در آن جا حضور می یابند. ترجمان سخن مقام معظم رهبری علیه السلام این است که ایشان حضور میان مردم را گزینشی ندانسته، معتقدند: «مردم یعنی همه مردم؛ بدون امتیازهای طبقاتی و گروهی»؛

۳. وحدت و وفاق ملی، یکی از بزرگ ترین سرمایه های اجتماعی در

مواجهه با تهدیدات بیرونی و چالش های درونی است. حضور دولت در مناطق مختلف کشور، شنیدن دغدغه های مردم و برداشتن موانع پیش رو با رأی و نظر مردم، موجب تقویت این سرمایه اجتماعی می شود؛

۴. ترمیم مستمر روابط میان مردم با دولت، از جمله ضروریات هر حکومتی برای دوام و توفیق است؛ این امر حاصل نمی شود، مگر با اطلاع و آگاهی از دغدغه های جامعه و برنامه ریزی، اقدام و عمل بر اساس آن دغدغه ها. یکی از دلایل اصلی اعتراض در کشور ما، به همین حضور ناکافی مسئولان میان مردم برمی گردد. مقام معظم رهبری علیه السلام راهکار نزدیک شدن دولت به مردم و مردمی بودن دولت را این می دانند که دولتمردان: «... صادقانه با مردم حرف بزنند، مشکلات را به مردم بگویند، راه حل ها را به مردم بگویند، توقعات را از مردم ابراز کنند و کمک های لازم را به مردم تقدیم کنند. حرف زدن با مردم، یکی از کارهای مهمی

است که دولت مردمی بایستی [به آن] متعهد باشد»^۱.

مردمی بودن و مردمی ماندن دولت، اصل مهم و ضروری است و سفرهای استانی نیز با توجه به این اصل ارزش گذاری می شوند؛

۵. این که مردم در شرایط دشوار کنونی رئیس جمهور و اعضای کابینه را در کنار خود ببینند، امر قابل تحسینی است. درباره کارکرد این گونه سفرها، مهم ترین نکته ای که می شود بیان کرد آن است که اعتماد تخریب شده بین دولت و مردم را بازسازی می کند؛

۶. مهم ترین چالش سفرهای استانی آن است که بعد از گذشت یک دوره، مردم احساس کنند که این سفرها جنبه نمایشی دارد، نه ابزاری برای حل مسائلی که مردم در نقاط مختلف کشور با آن ها دست به گریبان هستند. این نکته آن قدر دارای اهمیت است که تأکید رهبر معظم انقلاب علیه السلام را نیز در

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، مورخ: ۱۴۰۰/۵/۱۲.

برداشت و ایشان با اشاره به سفر رئیس جمهور به خوزستان، بیان داشتند که آقای رئیسی بکوشد وعده هایی را که به مردم داده شده، به مرحله تحقق برساند.

ب. تسلط بر بازار و سیستم توزیع

تسلط بر بازار و سیستم توزیع، اولویت دیگر دولت اعلام شده است. در این که حل مسائل اقتصادی به جای مانده از دولت قبل، کار زمان بری است، تردیدی نیست؛ اما اصلاح برخی از امور محتاج گذشت زمان و اقدامات پیچیده نیست؛ مثلاً سیستم معیوب، فسادزا و ضد مردمی توزیع کالاها و خدمات - که چندی پیش تذکر رهبر معظم انقلاب علیه السلام را نیز به همراه داشت - بیش از همه چیز، به اقدامات قاطع و فوری؛ اما دقیق و هوشمندانه نیاز دارد.

ج. ساخت مسکن

یکی از شعارهای محوری دولت، مسکن بوده است. دولت در مورد مسکن بر سر وعده خود ایستاده و اصرار دارد که ساخت ۴ میلیون مسکن را در ۴ سال انجام خواهد داد و باور مردم به این وعده دولت نیز باعث شده است که تورم قیمتی مسکن نسبت به ماه های گذشته،

روند نزولی به خود بگیرد. اخیراً مرکز آمار ایران اعلام کرده است که ترمز شتاب افزایش قیمت مسکن کشیده شد و نرخ تورم سالیانه مسکن شهریور نسبت به شاخص دوره مشابه سال قبل ۷٫۹ درصد کاهش داشته است.^۱

نکته پایانی

در پایان، گفتنی است؛ هرچه از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، اعتماد و اعتقاد مردم به سخنان رئیس جمهور و عملکرد دولت بیش‌تر می‌شود؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اقتدار این است که با اقناع هم‌راستا شود و از شعارزدگی که آفت اقتدار و اقناع است، پرهیز شود. دولت سیزدهم یکی از تصمیمات راهبردی خود را بر اساس اقناع‌سازی مردم گذاشته است و به همین خاطر، رئیس جمهور محترم در گفتگوی تلویزیونی خود بر این امر تأکید می‌کند که با واکسن اجباری مخالف است؛ اما اصرار می‌کند که مردم با اقناع، واکسن بزنند.

افزون بر آن، این دولت برای رفع مشکلات مردم، عزم جدی دارد. از این رو برخی رسانه‌های داخلی معلوم‌الحال و چهره‌های سیاسی که روزگاری از تنبلی دولت قبل حمایت می‌کردند، امروز از حرکت‌های جهادی و حضور میدانی دولت سیزدهم برای رفع مشکلات مردم، نگران هستند.

با این توضیحات، برای موفقیت دولتی که تعطیلی روز جمعه و خوش‌گذرانی در پرتو مسئولیت را بر خود حرام کرده است، کمک همگانی لازم است. این دولت دستش را به سمت آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان دراز نکرده است؛ بلکه به سمت توان و اراده ملت دراز کرده است، پس می‌بایست به این دولت کمک کرد تا کشور به ساحل آرامش و پیشرفت همه‌جانبه برسد.

گزارش اجمالی از جلسه کُرسی نقد

کتاب «روش سخنرانی دینی»

مرکز پژوهش‌های تبلیغی / جواد قراباغی *

مقدمه

روشمند کردن تبلیغات دینی در ابعاد مختلف آن، از جمله نیازهای امروز حوزه و روحانیت است. در این میان، سخنرانی دینی با سابقه دیرین و تأثیرگذاری ویژه، به عنوان سنتی‌ترین روش تبلیغی روحانیت شیعه اهمیتی ویژه دارد.

سالهاست که با تأسیس مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم و سپس راه‌اندازی مجتمع آموزشی و

پژوهشی تبلیغ و همچنین اهتمام مسئولان و اساتید گرانقدر آن، به لطف خداوند متعال، گام‌های مؤثری در راه تولید روش‌های نوین تبلیغی بخصوص در عرصه خطابه و سخنوری برداشته شده است و اینک کلاس‌های روش سخنرانی، متفاوت از سال‌های گذشته در سطح حوزه‌های علمیه و مجموعه‌های آموزشی تبلیغ برقرار می‌شود.

کتاب «روش سخنرانی دینی» به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ملانوری، یکی از محصولات ارزشمند مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ به شمار می‌آید. این کتاب، حاصل مطالعات،

*. استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اخلاق (دانشگاه قرآن و حدیث).
آیدی ایتا: @Ammar_۱۹۸۵ .

نکته سنجی ها و اندوخته های نویسنده از مباحث جلسات گروه علمی مهارت های خطابی^۱ در مرکز آموزش های تخصصی تبلیغ است که در سال ۱۳۹۰ برای تدریس در دو واحد درسی (شامل ۳۴ ساعت) تدوین یافته است.

اکنون پس از گذشت یک دهه از تألیف این کتاب، به نظر می رسد بازخوانی، نقد و تکمیل مباحث آن کاری لازم و شایسته است.

دومین کرسی تخصصی نقد کتاب با محوریت کتاب «روش سخنرانی دینی» به همت مرکز پژوهش های تبلیغی مجتمع آموزشی و پژوهشی تبلیغ در سالن جلسات آیت الله شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه مرکز مدیریت حوزه های علمیه و با حضور فعالان عرصه تبلیغ در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۱۹ برگزار شد، در این جلسه ناقدین محترم: حجج اسلام آقایان:

محمد جنتی^۲، مجید دهقان^۳، و عباس رضایی^۴ کتاب یادشده را مورد نقد و بررسی قرار دادند. در ادامه، گزارش اجمالی از محتوای این جلسه به حضور شما مبلغان گرامی تقدیم می گردد.

ضرورت نقد کتاب و اندیشه

در ابتدای کرسی نقد کتاب «روش سخنرانی دینی»، حجت الاسلام المسلمین علی ملکوتی نیا به عنوان دبیر جلسه ضمن بیان این که نقد کتاب، مقاله و اندیشه ها در حوزه های علمیه، به عنوان یک سنت رایج و اثرگذار، همیشه مورد توجه عالمان و اندیشمندان بوده است، گفت: شکی نیست که نقد به معنای «داوری خُرده گیرانه درباره یک اثر»، از یک سولازمه رشد و بالندگی دانش و پیشرفت علم است. از سوی دیگر، موجب

۲. مدرس و پژوهشگر مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان.

۳. مسئول قرارگاه امامین انقلاب و استاد مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان.

۴. عضو شورای راهبردی و استاد مؤسسه تخصصی خطابه امیر بیان.

۱. این گروه متشکل از حجج اسلام آقایان: محمدرضا برداران، علیرضا پناهیان، محمد مهدی ماندگاری، حسین ملانوری و مرحوم عبدالله ضابط بود.

شکوفایی و کمال نویسندگان و صاحبان قلم خواهد شد. در ضرورت نقد، همین بس که بدانیم آثار بزرگ و اندیشه‌های جدی و ماندگار تاریخ، محصول نقد بوده است. چه اینکه؛ مطالعه و بررسی تاریخ حوزه‌های علمیه، حکایت از آن دارد که؛ نویسندگان بزرگ، دیگران را به نقد آثار خود، دعوت می‌کرده‌اند و به استقبال نقد خیرخواهانه و اصلاحگرانه صاحبان اندیشه می‌رفته‌اند و به این سخن معروف، باور داشتند که؛ «إِنَّ حَيَاةَ الْعِلْمِ بِالنَّقْدِ وَ الرَّدِّ». از جمله ملامحمد مهدی نراقی رحمته الله، پس از نوشتن جامع السعادات، از ملامحمد قزوینی رحمته الله می‌خواهد که عیار این کتاب را به دقت باز نماید تا محاسن و معایب کتاب، آشکار گردد.^۱ یا کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی رحمته الله، محصول نقدهای

ماتریالیست‌هایی چون دکتر تقی ارانی بر فلسفه الهی بود. همچنین کتاب نظام حقوق زن در اسلام شهید مطهری رحمته الله، پاسخ مفصلی است به نقدهایی که یک قاضی دادگستری درباره برخی مواد قانون مدنی نوشته بود.^۲

سردبیر ماهنامه علمی مبلغان، اذعان داشت: همه علوم اسلامی، به نوعی زیر منت نقد ناقدان بوده است، البته برخی نقدها منصفانه بوده و برخی مغرضانه. چه این که کتاب‌های ماندگار در حوزه مباحث کلامی (همچون: مباحث نبوت و امامت) از سوی متکلمان، پاسخی است به نقدهای کسانی که اساس نبوت و امامت را قبول نداشتند. در نتیجه اگر کسی نوشتن را جدی بگیرد، ناگزیر باید نقد را نیز ضروری بداند.

۱. «ان انظر فيه بعين النقد والانتخاب وتمييز القشر من اللباب والتبر من التراب والباطل من الصواب». (بنگرید به: كشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتداء "في علم الاخلاق"، ملا محمد حسن قزوینی رحمته الله، کنگره فاضلین عراقی، بی تاریخ، مقدمه، ص ۱۹).

۲. بنگرید به: «اخلاق نقد و فرهنگ نقادی»، سید حسن اسلامی، در: مجله پژوهش و حوزه، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۸-۱۴۲.

کتاب «روش سخنرانی دینی»، کاری ابتکاری

حجت الاسلام و المسلمین حسین ملانوری (معاون محترم تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه) به عنوان مؤلف کتاب «روش سخنرانی دینی»، در این نشست ضمن بیان تاریخچه تألیف کتاب؛ دلیل اقبال طلاب و روحانیون به این نوشته را دو چیز دانسته و فرمودند: کتاب «روش سخنرانی دینی»، در زمان تألیف، کاری ابتکاری محسوب می‌شد و دیگر آنکه، این کتاب پس از تألیف در نجف اشرف، نزد حرم شریف امیر بیان امام علی (علیه السلام) به ایشان عرضه شد و شاید عنایت آن امام همام، موجب شد که این کتاب، مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد.

ایشان در ادامه افزود: باید از نقد کتاب‌هایمان خوشحال شویم؛ زیرا این نشان از اهمیت آن کتاب است.

معاون تبلیغ و ارتباطات حوزه علمیه قم، خاطرنشان کرد: در رشته تخصصی تبلیغ حدود ۲۵ سال قبل فقط دو واحد درسی برای سخنرانی دینی در سطح چهار در نظر گرفته شده

بود؛ اما در حال حاضر در رشته تبلیغ ۴۰ واحد درسی برای این مبحث در نظر گرفته شده است.

نقاط قوت کتاب

کارشناسان نقد کتاب در این جلسه، ویژگی‌هایی از کتاب روش سخنرانی دینی را به عنوان نقاط قوت آن بیان کردند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پاسخ به یک نیاز اساسی و گسترده در سطح تبلیغ، بدیع و ابتکاری بودن، پاسخ به دغدغه و مطالبه رهبر معظم انقلاب (علیه السلام) مبنی بر روشمندسازی و ضابطه‌مند نمودن سخنرانی دینی، استناد به آیات و روایات مرتبط، جامعیت نسبی کتاب و منبعی مطمئن برای ارجاعات پژوهشگران و محققان در مباحث تخصصی تبلیغ.

نارسایی‌های کتاب

ناقدین محترم، «نارسایی ساختاری (نقص در چیدمان مباحث)»، «تکرار برخی از مطالب در ضمن فصول» و «عدم برخورداری از مثال‌های عینی در تبیین مباحث» را از جمله نقاط ضعف و نارسایی این کتاب برشمردند.

کتاب «روش سخنرانی دینی»؛ زمینه‌ساز سخنران شدن

نویسنده کتاب «روش سخنرانی دینی» پس از استماع نظرات ناقدان کتاب به پاسخ آنان پرداخت و تصریح کرد: تنها با مطالعه کتاب روش سخنرانی دینی نمی‌توان سخنران شد، با خواندن کتاب‌های پُرمثال نیز کسی سخنران نمی‌شود؛ زیرا برای سخنران شدن، اموری نظیر: دانش فراوان، اخلاق اجتماعی، معنویت، استعداد ذاتی، دانش سخنرانی و تجربه و تکرار لازم است و این کتاب و کتاب‌های مشابه فقط می‌تواند با ارائه‌ی بخشی از دانش سخنرانی، زمینه‌ساز سخنران شدن مخاطبان خود باشد.

وی با اشاره به نبود کتاب‌های انسان‌شناسی به شکل کنونی در زمان نگارش کتاب «روش سخنرانی دینی» افزود: در آن زمان که این کتاب نوشته می‌شد، در زمینه انسان‌شناسی، کتاب‌های چندانی از علمای خودمان در دسترس نبود و به همین خاطر از کتاب‌های روانشناسان بهره برده‌ایم.

حجت‌الاسلام والمسلمین ملانوری در ادامه بیان داشت: این کتاب، ویرایش نشده است، بنابراین، قطعاً دارای اشکالات و ایراستاری است. همچنین مخاطب این کتاب از ابتدا طلاب رشته تخصصی تبلیغ بوده‌اند و گفتنی است که؛ بر اساس اصول آموزشی مرکز تخصصی تبلیغ و به دلیل محدودیت در تعداد صفحات کتاب درسی، مُجاب شدیم که از آوردن مثال‌های عینی اجتناب کنیم.

رفع اشکالات در کتاب جدید با عنوان «چگونه سخنرانی کنیم؟»

نگارنده کتاب «روش سخنرانی دینی»، با توجه به اشکالات منتقدان، عنوان داشت: این اشکالات فنی، دقیق و قابل استفاده و اعمال هستند؛ هرچند که برخی از آن‌ها هم مانند: مثال آوردن برای تمام مطالب به دلیل محدودیت‌های ناشی از شیوه‌نامه‌های آموزشی، قابل اعمال نمی‌باشند. البته این اشکالات و نواقص در کتاب «چگونه سخنرانی



کنیم؟^۱ که توسط مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران منتشر شده، برطرف گردیده است. در این کتاب تفاوت‌های چشم‌گیری حاصل شده است؛ از جمله: چینش مطالب و سرفصل‌ها تغییر یافته و تلاش شده است در عین حفظ اصل مطالب لازم، از حجم آن‌ها کاسته شود؛ مطالبی که گاهی در چندین جا مورد توجه بوده است، در کنار هم قرار گرفته تا آموختن آن آسان‌تر گردد؛ برخی مطالب غیرضروری که به طور معمول در هنگام تدریس بیان نمی‌شد یا لازم نبود در این سطح بیان شود، حذف شده است. همچنین مباحث جدیدی متناسب با نیاز خواهران و تجربه‌های نو، اضافه شده است. البته در نگارش جدید، مطالب به‌روزرسانی شده و اشکالاتی که گاهی هنگام تدریس مشاهده می‌گردید، برطرف شده است و در مباحث مختلف، مخصوصاً در بخش تعیین موضوع، تعیین عنوان، مطالعه و فیش‌برداری،

مسئله‌یابی، تعیین زاویه دید، تعیین اهداف سخنرانی، اسلوب‌های اقناعی و احساسی و ... مثال‌های اجرایی و کاربردی ارائه شده است.

پیشنهادهای پژوهشی

سرانجام در پایان این جلسه، پیشنهاد شد که در تألیف کتاب‌های آموزش روش سخنرانی، به روش سخنرانی مسئله‌محور و انقلابی نیز توجه خاص شود و نیز در اصلاح متن کتاب مورد نقد، جهت غنابخشی به مباحث، بیانات امامین انقلاب نیز مطمح نظر قرار بگیرد.

در پایان این نشست با ویرایش فنی و محتوایی کتاب «روش سخنرانی دینی» توسط مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی و پژوهشی تبلیغ با همکاری جمعی از پژوهشگران و اساتید فنّ خطابه از سوی نویسنده آن موافقت گردید.

۱. چگونه سخنرانی کنیم؟، حسین ملانوری، مرکز نشر هاجر، قم، چاپ اول، ۱۳۹۸.



بسیاری از مراکز و نهادهای فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه ماهنامه «مبلّغان» را خریداری کرده و در اختیار مبلّغان تحت پوشش خود قرار می‌دهند؛ از آن جاکه برخی از این مراکز مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند، بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طرح و در اختیار آنان قرار دهیم تا پس از پاسخ‌دهی توسط نیروهای تحت امر هر نهاد، زمینه تشویق و ارتقاء علمی مبلّغان گرامی را فراهم سازیم.

پیشنهادهای و انتقادات خود را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۲۲۵۱۰۰۰۰۷۲ یا صندوق پستی ۸۶۸ / ۳۷۱۸۵ به دفتر ماهنامه مبلّغان ارسال نمایید.

پرسش‌ها

۱. طبق بیان رسول خدا ﷺ قلب در چه زمانی حکمت را قبول می‌کند؟

الف) به هنگام خالی بودن شکم

ب) بیش از اندازه آب ننوشیدن

ج) به هنگام پرخوری نکردن

۲. کدامیک از عرفان‌های کاذب ادعا دارد که «در عالم، قانون، انضباط و انسجام اجتماعی وجود

ندارد»؟

الف) اُشو

ب) عرفان حلقه

ج) فرقه شیطان پرستان

۳. در کدامیک از عرفان‌های کاذب از همان قدم اول، «ارزش‌های معنوی و دینی» بی‌اهمیت جلوه

داده می‌شود؟

الف) عرفان حلقه

ب) اُشو

ج) فرقه شیطان پرستان

۴. منظور از «ولیعجه» در آیه: ﴿لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً﴾ چیست؟

الف) انسانی که هنگام شنیدن، بهتر متوجه معانی می‌شود.

ب) کسی که خانه‌نشینی گزیده باشد.

ج) کسی است که به جای سرپرست و امام قرار داده می‌شود.

۵. کدام طایفه را «ممطوره» می‌نامند؟

الف) شیعیان

ب) واقفیه

ج) مخالفان اهل بیت (علیهم‌السلام)

۶. مهم‌ترین کارکرد و تأثیر دورنی قناعت، چیست؟

الف) احساس بی‌نیازی به همراه آسودگی و رفاه

ب) احساس نیازمندی به همراه آسودگی و رفاه

ج) احساس نیازمندی به همراه عدم آسودگی و رفاه

۷. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» به کدامیک از مبانی مطالبه‌گری دلالت دارد؟

الف) ضرورت دادخواهی و زیر بار ظلم نرفتن

ب) ضرورت اجرای عدالت اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی

ج) ضرورت نظارت همگانی در حکومت اسلامی

۸. کدامیک از موارد زیر از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام در «عرصه سیاست خارجی» نمی‌باشد؟

الف) دیپلماسی فعال

ب) مقابله با نظام سلطه

ج) همدردی با مردم

۹. چه میزان از آیات قرآن کریم در مورد «تاریخ» است؟

الف) بیش از یک سوم آیات قرآن

ب) بیش از دو سوم آیات قرآن

ج) بخش عظیم آیات قرآن

۱۰. کدامیک از موارد زیر بر اصلاح محتوای محیط عام اینترنتی و مجازی دلالت دارد؟

الف) حرمت حفظ و نگهداری کتب ضالّه

ب) قاعده وجوب حفظ نظام

ج) هر دو گزینه

پاسخنامه مجله مبّلمان شماره ۲۷۰

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										الف
										ب
										ج





نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان»

در سراسر کشور



۱. چهار محال و بختیاری، شهر کرد، بلوار طالقانی، میدان ابوریحان، مرکز مدیریت حوزه عملیه برادران، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.
۲. اصفهان، خیابان حافظ، مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان، کتاب‌فروشی عترت.
۳. خراسان جنوبی، بیرجند، خ شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران.
۴. قزوین، خ شهید بابایی، کوچه پست (شهید اخوان یوسفی)، کوچه مروارید، مرکز مدیریت حوزه.
۵. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجائی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیه السلام.
۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۸. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۹. قم، زنبیل آباد، خیابان فجر، خیابان دانش، مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ، «کتاب‌فروشی» و «آموزش غیر حضوری».
۱۰. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۱. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۲. گلستان، گرگان، نیش افسران، نبش افسران ۴، مدیریت حوزه‌های علمیه استان گلستان، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.

ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه

در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه،

به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۱۳۵۴۵۴ تماس گرفته و یا درخواست خود را به

شماره ۰۲۵-۳۷۲۵۵۸۵۶ فکس نمایید.



بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان ماهنامه «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:
۱. واریز حق اشتراک، به شماره حساب ۱۵۶۳۵۱۲۱۷۹ نزد بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمدحسن حاج حسینی، حسین ملانوری و محمدعلی قربانی (مجله مبلغان).

مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۲/۴۰۰/۰۰۰ ریال و برای شش ماه (۶ شماره) ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه).

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوطه به دفتر مجله از طریق صندوق پستی یا نمابر (صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۸۶۸؛ نمابر: ۳۷۲۵۵۸۵۶ - ۰۲۵)

توجه:

۱. هزینه ارسال به صورت «عادی» بر عهده مجله می باشد؛ اما هزینه استفاده از سایر خدمات پستی (سفارشی یا پیشتاز) بر عهده خریدار است (مبلغ ۵۳/۰۰۰ ریال بابت ارسال سفارشی و مبلغ ۷۸/۰۰۰ ریال بابت ارسال پیشتاز به حق اشتراک هر شماره اضافه می گردد).

۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۳۲۱۳۵۴۵۴ - ۰۲۵

با ارسال نظرات سازنده خود به سامانه پیامکی

۳۰۰۰۲۲۵۱۰۰۰۰۷۲

ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری دهید.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

نشانی فرستنده:

.....
.....
.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:
اینجانب: مبلغ: ریال
طی فیش شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳۰۰ برای
دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا اینجا

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۸۶۸
معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا اینجا لطفاً با چسب بچسبانید

MOBALLEGHAN

NO. 270

November - December, 2021



وفات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
بر تمامی مسلمانان تسلیت باد.

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



 matbuat.tabligh@hemail.com